

تلنگری برای تفکر

مسابقه‌ی شماره‌ی ۲
سال تحصیلی ۹۵-۹۴

مهلت ارسال پاسخ‌ها
۲۵ آذرماه
۱۳۹۴

سؤالات مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر را کارشناسان شورای برنامه‌ریزی مجله، از لابه‌لای مطالب به بحث می‌گذارند. پاسخ‌های تفصیلی‌تان را تا زمان تعیین شده، ترجیحاً به ایمیل یا به نشانی پستی دفتر مجله ارسال فرمایید. برای شماره‌ی ۲ این مسابقه، دو پرسش زیر مطرح شده است که در ادامه جزئیات آن را مطالعه می‌کنید.

● «نوشتن» یکی از مهارت‌های اساسی زبان‌آموزی و بستری است که تفکرات، تخیلات و مفاهیم ذهنی از طریق آن جلوه‌ی عینی پیدا می‌کنند و به ظهور می‌رسند. انجام دادن این مهم مستلزم کسب ممارست و بهره‌مندی از فنونی است که در فرایند آموزش کسب می‌شوند. با این اعتقاد، کتاب درسی مستقلی با عنوان «مهارت نوشتاری» بدان اختصاص داده شده است. بدیهی است، توسل به روش‌ها و فنون علمی در ایجاد مهارت یاد شده، می‌تواند آن را به تجربه‌ای لذت‌بخش مبدل سازد و به توسعه و تعمیق آن کمک کند.

اینک به نظر شما:

۱. چه فنون دیگری می‌تواند به استقرار و استمرار مهارت نوشتن در دانش‌آموزان کمک کند؟
۲. برای ایجاد این مهارت در دانش‌آموزان، از چه فعالیت‌هایی باید پرهیز کرد؟

آموزش ابتدایی

۲

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی دوره‌ی نوزدهم/ آبان ماه ۱۳۹۴/ شماره‌ی پی‌دی‌بی ۱۵۱
مאنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سامان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سرمدبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه‌ریزی:
فاطمه رضانی، سیده‌زهرای یاسینی، یدالله رهبری نژاد
صادق صادق پور
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: علیرضا پورحنیفه

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۴۲۹)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۰۹
ترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶
شمارگان: ۳۱۰۰۰
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکاس روی جلد: اعظم لاریجانی



یادداشت سردبیر کلاسی مثل خونه‌ی مادر بزرگه / اصغر ندیری / ۲

آموزش مدارس کانون‌های اصلی ارتقای سلامت و پیشگیری از رفتارهای پرخطر / بهنام بهراد / ۴

● **اختلالات یادگیری و مهارت‌های غلبه بر آن/ عادل خالقی ثمرین / ۱۳** ● به سوی قطب بایک سوزن/دکتر

نیره شاه‌محمدی / ۱۶ ● دور از مقایسه/ دکتر لیلا سلیقه‌دار / ۲۰

● **هفت نکته در باره‌ی انضباط کودکان/ مترجم: نسرين امامی‌زاده / ۳۱**

گزارش آموزگاران شگفت‌انگیز!! کبری محمودی / ۶ ● **رغبت، رمز هر کاری است / شهلا فهیمی / ۱۸**

تجربه‌ی سبز دو نداریم؟ / مریم زمانی / ۹ ● **تدریس ایفای نقش / کلثوم مهربابی / ۱۹**

● **همه چیز در سه گام / مهری آقایی / ۲۳**

تعلیم و تربیت خانواده به مثابه محیط یادگیری / دکتر لیلا سلیقه‌دار، فرحناز غضنفری / ۱۰

محیط زیست فعالیت‌های پاییزی / صفورا زواران حسینی / ۱۴

کتاب‌خانه‌ی مدرسه روش‌های تدریس / منصوره محمدی پرفکر / ۱۹

● **آنچه باید از قرآن کریم حفظ باشیم / ۴۵**

هنر نوشتن نوشتن با شاخک‌های آن چنانی!! ناصر نادری / ۲۴

نگاه آموزگار از خوردن و خوابیدن تا مدیریت کلاس درس!! مرتضی مجدفر / ۲۶

● **اعدام آرزوست / مریم عبدی / ۴۰**

تربیت بدنی و سلامت فقر حرکتی از حیاط مدرسه اخراج می‌شود / حسین شایان مقدم / ۲۸

با اولی‌ها، باز هم کار و کار / مرضیه معین ● **صفر نه مفرد است و نه جمع / حسین محمدیان**

● **هنر در مدارس ابتدایی / منصوره متولی ● روش آموزش قرآن پایه‌ی پنجم ابتدایی به شیوه‌ی**

درس پژوهی / رضانباتی



اطلاع‌رسانی برگزیدگان مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر / ۳۹

گفت‌وگو مطالعات تیمز و پرلز در ایران / محمود اردوخوانی / ۴۲

همراهان ما پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان / ۴۶

پاسخ به فراخوان / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی CD و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند.
- نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

کلاسی مثل خونته‌ی مادر بزرگه

اصغر ندیری

شاید مدیون صداپیشگان، عروسک گردانان و فیلم‌نامه‌هایی قوی هستیم که در همکاری با سازندگان عروسک، کاری بدیع، ویژه و ماندگار به یادگار می‌گذارند.

بد نیست از «زی زی گولو»ی **مرضیه برومند** و **عادل بزودده** و «خونته‌ی مادر بزرگه» یا «مدرسه‌ی موش‌ها» هم یادی بکنیم که دوبله‌ی **رضا بابک**، **بهرام شاه محمدلو** یا **مریم سعادت** آن‌ها را در ذهن و دل بچه‌های دیروز و امروز جای گیر و بیننده‌ی کودک و البته بزرگ‌سال را دست کم برای یک بار پای تلویزیون می‌خکوب کرده‌اند.

به من فکر می‌کنم به‌زودی باید در خانه‌ی مسکونی‌ام، به ازای هر عضو خانواده، یک دست‌گاه گیرنده‌ی تلویزیونی تهیه کنم. قدیم‌ترها که تعداد شبکه‌ها محدود بود و برای مثال، عوض کردن

به سال‌هاست که کم‌وبیش عروسک‌ها صفحه‌ی تلویزیون را اشغال کرده‌اند. آنچه من معلم در «کلاه قرمزی» و مجموعه‌ی ادامه‌دار آن می‌بینم یا برنامه‌هایی که خاله‌ها، عموها و دایی‌ها در سیما بر گزار می‌کنند، همگی به کمک جذابیت‌های رنگی، صوتی و پوشش انواع عروسک‌ها صورت می‌پذیرند.

اگر دارم به این موضوع می‌پردازم، به دلیل کشش حیرت‌آمیزی است که این نوع برنامه‌سازی‌ها ایجاد کرده‌اند و قرار از کف کودکان ربوده‌اند. بنده شخصاً هنوز از یادآوری برنامه‌ی کودک «محلّه‌ی برو بیا» و «بهداشت» و یا «بچه‌ها سلامت باشید» احساس لذت می‌کنم. چون در آن‌ها روحیه‌ی کودکی همراه با حضور بازیگران انسانی و عروسکی، اثر بسیاری بر مخاطب داشت. توان ما اگر چه در ساخت پویانمایی (کارتون) چندان نیست، اما در انیمیشن عروسکی معمولاً با دست پر می‌آییم. این‌ها را



به کار رفته در این برنامه یا شعرهای آن را یاد گرفته است و نگران کننده این که تا پایان برنامه که از ساعت ۱۲ نیمه شب می‌گذرد، آن را دنبال می‌کند. اگر خندوانه و «جناب آقای خان» بخواهند در ایام مدرسه هم تا دیر وقت در خانه‌های مردم حاضر باشند، آیا صبح دخترم می‌تواند به راحتی برای رفتن به دبستان بیدار شود و قبراق در کلاس بنشیند و چرت نزند؟

۵ دانش‌آموزان و فرزندانمان در برخورد با تلویزیون ما را به چالش می‌کشند. آن‌ها لحظه‌های رویایی خود را گاهی فقط در صفحه‌ی تلویزیون دیده‌اند؛ خرس‌های سخنگو، اسب‌های پرند، چوب‌های جادویی و مشت‌های قوی که هر کاری می‌توانند بکنند تا یک نفر شاد و خندان و دوست‌داشتنی شود یا برعکس. آیا می‌توانید به دانش‌آموزان بگویید تلویزیون نگاه نکن یا هنگام پخش برنامه‌های «عمو پورنگ» و «محلّه‌ی گل و بلبل»، دو شاخه را از پریز برق بیرون بکش؟

شاید این ایده به ذهن شما برسد که می‌توان این ظرفیت را به کلاس آورد و آن را در جهت اهداف تربیتی و آموزشی به کار برد. درست است به عدد هر معلم، یک روش وجود دارد که اثرگذاری خود را نمایان خواهد ساخت.

کانال یا شبکه هم دستی و نیازمند برخاستن از جا بود، ما بچه‌ها چندان حساسیت یا اجباری نسبت به تماشای برنامه‌های کانال مورد علاقه‌ی خود نداشتیم، اما امروزه، هر کدام از بینندگان یا کاربران که زودتر کنترل را در دست می‌گیرند، می‌توانند بر صفحه‌ی نمایشگر به ظاهر عمومی حکم برانند.

در بالا اشاره کردم که به زودی باید در خانه‌مان به ازای هر جنبنده یک تلویزیون داشته باشیم؛ البته که چنین شده است، اما مگر می‌شود در هر اتاق یا کنجی تلویزیونی کار گذاشت!

حال اگر زبان اعتراض یا صدای فریادی بلند است، به دلیل سیطره‌ای است که کودک بر بزرگ‌سال پیدا کرده است. اگر یک طرف این ارتباط دانش‌آموزی و طرف دیگر پدر یا مادر و حتی آموزگاری باشد، چگونه باید این حادثه یا طرز فکر را روی ریل خود بیندازد و چاره‌اندیشی کند؟

۵ کمپانی‌ها و شرکت‌های بزرگ سینمایی سال‌هاست به جادوی تصویر و تأثیر گفتن حرف خود از زبان در و دیوار پی برده‌اند. همه ساله فیلم‌های پویانمایی یا تلفیقی از عروسک و کارتون در کنار بازیگران جاندار گیشه‌ها را فتح می‌کنند و با لطایف‌الحیل رأی و راه خود را تحمیل و نمایان می‌سازند.

۵ از سال ۹۳ برنامه‌ای از رسانه‌ی ملی خودمان پخش می‌شود که به زعم اینجانب نوآوری در دو مورد، از عوامل موفقیت آن است. یکی توجه به «خنده» که گویا می‌خواهد از جامعه رخت بر بندد و دیگری حضور عروسکی با ویژگی‌های صدای رسا و به روز بودن، آن هم به دلیل داشتن هندزفری روی گوشش که بیش از بزرگ‌سالان، کودکان را جذب کرده است. نکته این است که دختر شش‌ساله‌ی من برخی تکه کلام‌های



مدارس کانون‌های اصلی ارتقای سلامت و پیشگیری از رفتارهای پرخطر

بهنام بهراد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش
دکترای تخصصی روان‌شناسی سلامت

تحصیلی است. سیاست‌گذاران بهداشتی به دنبال ارتقای سلامت جسمی و روانی و پیشگیری از شیوع رفتارهای پرخطری مانند گرایش به خشونت و رفتارهای غیرمتعارف و پرخطر هستند.

همه‌ی ما می‌دانیم، برای تربیت افرادی شایسته و باکفایت، آموزش و تربیت جامع و مستمر افراد از کودکی تا بزرگسالی از اهمیت بسزایی برخوردار است. کانون‌های مهم آموزش و رشد افراد جامعه، خانواده، مدرسه و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی هستند. آموزش خانواده‌ها برای تربیت کودکانی شایسته و با کفایت، با مشکلاتی از قبیل تنوع و گوناگونی در سطح‌های تحصیلی، اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها، دسترسی نداشتن مستمر و جامع به آن‌ها و مشارکت کم خانواده‌ها در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی و غیره روبه‌روست. آموزش از طریق رسانه‌ها و مراکز فرهنگی هم مشکلات خود را دارد. از جمله: همه‌ی افراد جامعه به مراکز فرهنگی مراجعه نمی‌کنند، اغلب این مراکز سیاست‌های آموزشی واحدی ندارند و زمان حضور در این کلاس‌ها محدود است. دلایل روشنی وجود دارند برای اینکه به مدارس به‌عنوان محیط‌های مهم ارتقای سلامت نگاه کنیم:

۱. کودکان یک‌سوم از زمان مفید بیداری خود را در این محیط‌ها سپری می‌کنند؛

۲. آموزش رسمی به کودکان در این محیط‌ها انجام می‌گیرد؛

۳. اغلب کودکان به اجبار دوران تحصیل در مدرسه را طی می‌کنند. مدارس ما مملو از برنامه‌های متنوع برای ارتقای توانایی‌ها و مهارت‌های شناختی مانند ریاضیات، خواندن و نوشتن، علوم، استفاده از فناوری‌ها و غیره هستند. اما برخلاف هدف‌های عالی خود که تربیت و پرورش افراد و شهروندانی مسئول، متعهد، سالم و خلاق است، برنامه‌های مدون و سازمان‌یافته‌ای برای ارتقای شخصیت و سلامت رفتاری کودکان و پیشگیری از رفتارهای پرخطر ندارند. اگر هم در مواردی مثلاً آموزش مهارت‌های زندگی را در برنامه دارند، یا این آموزش‌ها اولویت اولیه را برای استفاده در نظام آموزشی ندارند و یا اگر هم نیم‌نگاهی به آن‌ها وجود دارد، بر شواهد نظری و عملی معتبری برای ایجاد تغییر در کودکان مبتنی نیستند و یا دست‌کم شواهد معتبری برای مشاهده‌ی چنین تغییری وجود ندارد.

آیا مدارس نیازمند برنامه‌های ارتقای سلامت روانی و

پیشگیری از رفتارهای پرخطر هستند؟

همان‌طور که ارتقای دانش کودکان در زمینه‌ی خواندن و نوشتن،

اشاره

در پنج سال گذشته، یکی از حوزه‌های مورد علاقه‌ی دکتر بهنام بهراد، کاربرد روان‌شناسی در رشد و ارتقای سلامت کودکان بوده است. برنامه‌ی تفکر سازنده حاصل چند سال فعالیت علمی دکتر بهنام بهراد برای استفاده در مدارس کشور است. از آنجایی که مدرسه را مهم‌ترین نهاد انتقال دانش و مهارت به کودکان و نوجوانان می‌داند بر آن شده است تا با رشد همه‌جانبه‌ی شخصیتی و رفتاری کودکان در نظام فعلی آموزش و پرورش کشور، مطالعه و گزینشی علمی، و آماده‌سازی و مناسب‌سازی این برنامه که یکی از معتبرترین برنامه‌ها در متون علمی است، بستری نظری و عملی برای حرکت به سمت ارزش‌های متعالی موردنظر، ارتقای سلامت روان در نظام آموزشی، و پیشگیری از رفتارهای پرخطر ارائه کند. برنامه‌ای که ارتقای شایستگی‌های رفتاری و شخصیتی دانش‌آموزان، رشد ارزش‌های اخلاقی و رفتاری مطلوب، پیشگیری از رفتارهای پرخطر و پرهنرینه برای افراد و جامعه را هدف قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: ارتقای سلامت، تفکر سازنده، مؤلفه‌های یادگیری

تعلیم و تربیت و نیاز به ارتقا

سیاست‌گذاران و مدیران هر جامعه دوست دارند شهروندانی مسئول و متعهد داشته باشند. آن‌ها می‌کوشند از طریق برنامه‌ها، طرح‌ها و انواع سرمایه‌گذاری‌ها، ارزش‌های اخلاقی و رفتاری مناسب را در جامعه ترویج و شهروندان را از رفتارها و ارزش‌های نامناسب دور کنند. آن‌ها می‌کوشند برای ساختن جامعه‌ای سالم و متعالی، به رشد و پرورش و بالندگی شخصیتی و انسانی شهروندان خود کمک کنند و بدین‌منظور از طرح‌ها و برنامه‌های متفاوتی استفاده می‌کنند.

از طرف دیگر، والدین و آموزگاران هم دوست دارند کودکان در زندگی تحصیلی، فردی و اجتماعی به موفقیت برسند. آن‌ها دوست دارند فرزندان‌شان انگیزش و توانایی موفقیت داشته باشند، با هم‌سالان، خانواده، مدرسه و جامعه همکاری کنند، تصمیمات مسئولانه‌ای بگیرند که موجب رشد و پیشرفت آن‌ها شود و نیز بتوانند از رفتارهای پرخطر و زیانبار دوری کنند. نظام آموزش و پرورش کشور به دنبال تربیت کودکانی سرشار از فضایل اخلاقی، رفتار و شخصیت مطلوب و در عین حال موفق در زمینه‌های

ریاضیات، علوم و فنون نیاز است، ارتقای توانایی‌ها و مهارت‌های آن‌ها در زمینه‌های شخصیتی، رفتاری، اجتماعی و اخلاقی نیز ضروری است. بنابراین، وجود برنامه‌های معتبر در این زمینه، رشد سالم شخصیتی کودکان را ارتقا می‌دهد. از طرف دیگر، مشکلات رفتاری در مدارس یکی از دل‌مشغولی‌های اصلی آموزگاران، مدیران و والدین است. البته با تغییرات اجتماعی و ظهور رسانه‌های جدیدی که پاره‌ای از آن‌ها ممکن است حتی از کنترل ما خارج باشند، خطرات بیشتر هم می‌شوند.

امروزه خشونت در بین نوجوانان و حتی کودکان کم‌سن‌وسال یکی از دغدغه‌های مهم مدارس، والدین و سیاست‌گذاران است و در پی آن، ارتقای تحصیلی و افزایش علاقه‌مندی به مدرسه که از مهم‌ترین عوامل پیشگیری از رفتارهای پرخطر است، یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های آموزش و پرورش و نهادهای اجتماعی و سیاسی در این باره است. مشاهده‌ی رفتارهای نامناسب اجتماعی در تعاملات روزمره (مانند تضييع حقوق دیگران، بی‌احترامی، نبود همدلی، نبود همکاری، مسئولیت‌پذیر نبودن، خودخواهی، نبود صداقت و سودجویی) ما را برای یافتن راه‌حلی مناسب به فکر و می‌دارند. تجربه‌ها و تحقیقات در سه دهه‌ی گذشته به‌طور گسترده نشان داده‌اند که ارتقای سلامت روانی و پیشگیری از رفتارهای پرخطر شالوده‌وزیربنای یکسانی دارند. یعنی در شکل‌گیری و تداوم هر یک از چالش‌های فوق، عوامل مشابهی دخالت دارند. بنابراین، با مداخلات مشابهی می‌توان برای کنش در برابر چالش‌های فوق اقدام کرد. یکی از مهم‌ترین مداخلات در این زمینه، ارتقای شایستگی اجتماعی و هیجانی کودکان یا یادگیری اجتماعی و هیجانی است. یادگیری اجتماعی و هیجانی آموزش نظام‌داری است که از دبستان شروع می‌شود و تا دبیرستان ادامه می‌یابد و مرتبط با آموزش کلاسی و جزئی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌ی درسی است.

یادگیری اجتماعی و هیجانی چیست؟

یادگیری اجتماعی و هیجانی فرایند کسب مهارت‌هایی به‌منظور سازمان‌دهی مجدد و اداره‌ی هیجان‌ها، شکل‌گیری مهارت‌مواظبت و توجه به دیگران، برقراری روابط مثبت، اتخاذ تصمیم‌های مسئولانه و مواجهه‌ی کارآمد با موقعیت‌های چالش‌برانگیز است. مؤلفه‌های اصلی یادگیری اجتماعی و هیجانی به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

این مهارت‌ها کودکان را برای زندگی در تمام مدت عمر، از تحصیل تا



اشتغال و ازدواج و روابط بین فردی و اجتماعی، آماده می‌سازند. نوجوانانی که از شایستگی اجتماعی و هیجانی مناسب برخوردارند، با دیگران به خوبی کنار می‌آیند، ارتباط کارآمدی با دیگران دارند، از حس همکاری برخوردارند و برای حل مشکلات به گفت‌وگو با دیگران می‌پردازند.

برنامه‌هایی که بتوانند این مهارت‌ها را به کودکان منتقل کنند و در آن‌ها تغییرات ماندگار ایجاد کنند، قبلاً به‌وسیله‌ی مؤسسات معتبر ارزیابی شده و برخی از آن‌ها در اغلب ارزیابی‌های مراکز علمی، به‌عنوان برنامه‌های معتبر و اثربخش معرفی شده‌اند. یکی از این برنامه‌ها که ما در کشور خود، مطابق با شرایط فرهنگی و دینی‌مان، آن را مناسب‌سازی کرده‌ایم، «برنامه‌ی تفکر سازنده» است که در این قسمت آن را به شما معرفی می‌کنیم.



اهداف برنامه‌ی تفکر سازنده

افزایش خویشتن‌داری؛ افزایش عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس، و قابلیت تمجید و تعریف کردن از دیگران و مورد تمجید و تعریف دیگران قرار گرفتن؛ افزایش درک و استفاده از خزانه‌ی واژگان عاطفی و هیجانی، واسطه‌های کلامی، گفت‌وگو و ارتباط بین فردی؛ ارتقای قابلیت شناسایی و تعبیر و تفسیر تفاوت‌های بین احساسات، رفتارها و دیدگاه‌های خود و دیگران؛ درک فرایندهای انسانی که به برداشت مناسبی از مسئولیت فردی منجر می‌شوند؛ بازشناسی و درک چگونگی تأثیر رفتارهای ما بر دیگران؛ افزایش انگیزش و استفاده از خلاقیت؛ افزایش درک و استفاده از استدلال منطقی و واژگان حل مسئله؛ ارتقای دانش و مهارت در مراحل حل مسئله‌ی اجتماعی که به پیشگیری و حل مشکلات و اختلافات در زندگی روزمره می‌انجامد. این برنامه برای دانش‌آموزان ابتدایی از پایه‌ی آمادگی تا پایه‌ی ششم طراحی شده است و هم برای دانش‌آموزان عادی و هم استثنایی (با مناسب‌سازی‌های معلم و انتخاب دروس مناسب)، قابل استفاده است. همچنین، هم کارکرد پیشگیرانه و هم کارکرد مداخله‌ای دارد. یعنی هم موجب ارتقای شایستگی اجتماعی و هیجانی و سلامت روانی می‌شود و هم رفتارهای پرخطر و مشکل‌ساز را کاهش می‌دهد. برنامه برای آموزش مداخله‌ی درازمدت طراحی شده و درس‌ها مطابق افزایش سطح دشواری رشدی مرتب شده‌اند و حاوی گفت‌وگو، ایفای نقش، قصه‌گویی، الگوسازی به‌وسیله‌ی معلمان و هم‌سالان، تقویت اجتماعی و تقویت خود، آموزش اسناد، و واسطه‌های کلامی هستند.

آموزگاران شگفت‌انگیز!

فعالیت‌های آموزشی و تربیتی آموزگاران دبستان جنت فردیس

کبری محمودی
عکاس: اعظم لاریجانی



اشاره

آموزگاران گاهی آدم را متعجب می‌کنند، اما بعضی فراتر از آن، انسان را شگفت‌زده می‌سازند.

مادری برایمان از آموزگار فرزند کلاس اولی‌اش و فعالیت‌های جالب او در کلاس گفت و این شد که تصمیم گرفتیم سری به این آموزگار بزیم. حاصل این ملاقات را بخوانید و ببینید. عکاسمان کوشیده است این شگفتی را به تصویر بکشد. اگر شما هم آموزگاری شگفت‌انگیز می‌شناسید، همین حالا و قبل از خواندن گزارش حاضر، با دفتر مجله تماس بگیرید.

فاطمه مصباح



آموزگار! فاطمه مصباح، آموزگار پایه‌ی اول دبستان دخترانه‌ی جنت در فردیس شهر کرج است. ۱۴ سال است که در پایه‌ی اول تدریس می‌کند و البته ۲۷ سال سابقه‌ی تدریس دارد. وقتی به او رسیدیم، بی‌سؤال و جواب شناختیمش. شهرت و لباس محلی‌اش معرف او بودند. لباس لره‌ای بختیاری را به تن داشت؛ در مدرسه؛ نه امروز که با ما قرار ملاقات داشت، بلکه در همه‌ی روزهای تدریسش و در طول سال تحصیلی چنین پوششی داشته است. در سرمای زمستان استان البرز و در گرمای تابستانی آن، او لر نیست، فقط یک ایرانی است، عاشق پوشش محلی مردم سرزمینش، و پیرو آداب و رسوم آن‌ها. اما این خانم ایرانی، آموزگار هم هست؛ آموزگاری که دانش‌آموزانش را مردم فردای سرزمینش ایران می‌داند و احساس وظیفه می‌کند که آن‌ها را جز درس الفبا، درس زندگی و هویت‌شناسی بیاموزد. وقتی از خودش پرسیدیم چرا لباس محلی

یک روز به آموزگاری در پایه‌ی اول گفتم که شما معجزه می‌کنید. حرفم را تعارف دانست، اما برایش دلیل آوردم که کودکی نه چندان مطیع را که به سختی یک جا بند می‌شود، بعد از گذشت هشت نه ماه، در حالی تحویل ما می‌دهید که به راحتی می‌تواند کلمات را بخواند؛ کودکی که تا پیش از آن، از ۳۲ حرف الفبای فارسی هیچ نمی‌دانسته است. به نظر شما در کدام زمان تحصیل بیشتر از پایه‌ی اول دبستان یادگیری صورت می‌گیرد؟ من که در دانشگاه هم این همه نیاموختم! این خارق‌العاده نیست که آموزگار فقط در سه فصل، کودکی را از بی‌سوادی به باسوادی می‌رساند! امروز آموزگاری را ملاقات کردم که می‌گفت: «بچه حروف و الفبا را بالاخره یاد می‌گیرد. من باید کاری کنم که او زندگی کردن را بیاموزد. او توانایی آموختن دارد، به شرطی که آموزگار نیز توانایی آموزش دادن داشته باشد.» شما باشید شگفت‌زده نمی‌شوید! این

ص



سیده منیره سنایی

با همکاران صحبت کردم و راهکار خواستم، خانم مصباح لباس کار پوشید، قوطی رنگ آورد و با چند همکار دیگر، شروع کردند به رنگ کردن حیاط مدرسه. کلاس‌ها را مرتب کردند و دیوارها را به سلیقه‌ی خود پوشاندند. این ظاهری که شما از مدرسه می‌بینید، باطن دیگری دارد. مدرسه‌ی ما فرسوده و در واقع تخریبی است. دیوارهایش ترمیم می‌خواهد و سقفش در بسیاری از جاها ریخته است، اما همکاران ما با هنرمندی آن‌ها را پوشانده‌اند.»

از مدیر خواستیم درباره‌ی دیگر فعالیت‌های خانم مصباح برایمان بگویید.

«حلوای پخته‌اند برای پانصد دانش‌آموز مدرسه. آش پخته‌اند. هر مناسبتی که در پیش باشد، برنامه‌ای برایش دارند. شب یلدا هندوانه‌های کاغذی ساخته‌اند و در عاشورا در مدرسه عزاداری کرده‌اند.

جالب است که یک روز پشت در کلاستان رفتیم، کلاس چنان آرام بود که متعجب شدم.

کن که بچه‌ها دوست داشته باشند. این جمله انگیزه‌بخش من است. حدود ۱۳ سال در دوره‌ی ابتدایی تدریس کرده بودم، اما وقتی قرار شد آموزگار پایه‌ی اول شوم، درباره‌ی این پایه و ویژگی‌های سنی دانش‌آموزان هفت ساله پرس‌وجوی فراوان کردم. یکی از همکارانم گفت فقط کاری کن که بچه‌ها دوست داشته باشند، همه چیز خودش درست می‌شود. من هم راهکاری جدید به ذهنم رسید و آن پوشیدن لباسی شاد و در عین حال اصیل بود؛ لباس محلی ایرانی.»

همین جا از او پرسیدم، اولین برخوردهای مدیران مدرسه‌ها با شما چگونه بود؟ «همه متعجب می‌شدند. اولین مدیران مرد بود. فکر نمی‌کرد این لباس فرم من باشد. وقتی به او گفتم که قرار است در همه‌ی روزهای تدریسم آن را بر تن کنم، تعجبش بیشتر هم شد.»

خوش‌بختانه در حضور مدیر مدرسه‌ی فعلی صحبت می‌کردیم. همین جا از **سیده منیره سنایی** پرسیدم، شما به عنوان مدیر مدرسه، با این نحوه‌ی پوشش همکاران مسئله‌ای ندارید؟ و او پاسخ داد: «این لباس مسئله‌ای ندارد. علاوه بر این، به تن شخصیتی است بسیار جدی. خانم مصباح با رفتارش، لباسش و شیوه‌ی تدریستش بچه‌ها را جذب خود می‌کند، اما هیچ‌گاه با آن‌ها لوس رفتار نمی‌کند. به جایش هم تغییر لباس می‌دهد. روزهای اولی که به این مدرسه آمدم، وضعیت ظاهری کلاس‌ها و دیوارهای مدرسه چندان مناسب نبود. وقتی

به تن می‌کند، گفت: «در مدرسه باید فضایی خوشایند برای دانش‌آموزان فراهم شود تا بتوانند مدرسه را جایگزین خانه کنند.

به این ترتیب، آموزگار باید به دل دانش‌آموزان بنشیند تا بچه‌ها بتوانند او را هم جایگزین مادر کنند تا در ساعاتی که در مدرسه هستند، بی‌قراری و اضطرابشان کمتر شود. من لباس محلی می‌پوشم نه برای اینکه شاد است، بلکه به لحاظ رعایت ویژگی‌های حجاب. در سرزمین ما ایران، حجاب همواره رواج داشته است و بچه‌ها باید فرهنگ اصیل خود را بشناسند.»

لازم نبود ما سؤال کنیم، او خودش ادامه داد: «همیشه با لباس محلی در کلاس حاضر می‌شوم؛ هر سال لباس یک قومیت ایرانی. برای سال بعد قصد دارم لباس محلی زنان آذربایجان غربی را بپوشم. لباس من به دانش‌آموزانم هم انگیزه‌ی شناخت فرهنگ و آداب سرزمینشان را می‌دهد. من حروف الفبا را بین شهرها و استان‌های ایران تقسیم کرده‌ام. نام هر شهر یا استان با یک حرف الفبا شروع می‌شود، بنابراین آن شهر نام آن حرف را به خود می‌گیرد. مثلاً خرم‌آباد به تدریس حرف «خ» و اصفهان به تدریس حرف «ا» اختصاص دارد. در ابتدای سال، با خانواده‌ها جلسه می‌گذارم و برایشان شیوه‌ی کار را شرح می‌دهم. به آن‌ها فرصت می‌دهم تا توجه به اصالت خود و علاقه‌ی فرزندشان، یک شهر و در واقع یک حرف الفبا را انتخاب کنند تا فرزندشان آن را در کلاس تدریس کند. گاهی حتی به بعضی‌هاشان اجازه می‌دهم که اگر می‌توانند به شهر مربوطه سفر کنند، یکی دو روزی به مدرسه نیایند.

به این ترتیب، دانش‌آموزم به همراه خانواده به شهری سفر می‌کند تا اطلاعاتی درباره‌ی آن کسب کند. با آداب و رسوم مردم آن منطقه آشنا می‌شود، مراکز دیدنی و تاریخی آن را می‌شناسد، پوشش محلی مردم را می‌بیند و حتی می‌پوشد و حاصل این گشت و گذارها را به کلاس ارائه می‌دهد. به بهانه‌ی تدریس یک حرف، یک شهر یا استان را می‌شناسد و به دیگران هم می‌شناساند.»

ناچار شدم حرفش را قطع کنم و از انگیزه‌اش و از جرقه‌های اولیه‌ی این طرحش سؤال کنم. جوابی که گرفتم جالب بود: «فقط کاری



فقط چند دقیقه قبل از ورود ما، ریخته بود، اما این مدرسه ضروری‌ترین امکان آموزش را داشت: «معلمانی با انگیزه، کوشا و توانمند و دانش‌آموزانی آماده، جویا و سعادتمند.» پروردگارا توانشان را از آنان بگیر!

رفته بودیم برای آشنایی با خانم مصباح، اما مدرسه چنان فعال بود که نتوانستیم بی تفاوت از کنار بعضی فعالیت‌ها بگذریم.

در حاشیه

- دریکی از کلاس‌ها، سه تن از عوامل راهور نیروی انتظامی برای چند دقیقه حاضر شدند تا درباره‌ی پلیس راهور و وظایف آن به شکل رودررو به بچه‌ها اطلاعاتی بدهند. این فعالیت تکمیل‌کننده‌ی موضوعات مرتبط در کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی سوم بود.

مدیر مدرسه با انگیزه‌ی بسیاری که دارد، تا آنجا که می‌تواند، پلی می‌زند میان مدرسه و نهادهای اجتماعی تا دانش‌آموزان را اجتماعی‌تر بار آورد.



سرگرد **حیدری**، معاون پلیس فتای فردیس، را نیز دیدیم. او هم به عنوان پدر و هم یکی از اعضای انجمن، به مدرسه آمده بود. می‌گفت: «لازم است دانش‌آموزان از این سن با مسائل امنیتی حوزه‌ی سنی خود، مثل شبکه‌های اجتماعی و فضاهای سایبری و مجازی و حدود فعالیت در آن‌ها آشنا شوند و ما با هماهنگی معاونت اجتماعی فرماندهی شهرستان گاهی این آموزش‌ها را ارائه دهیم.»

مدرسه نمازخانه و سالن اجتماعات نسبتاً مجهزی داشت. از مدیر درباره‌ی آن پرسیدیم و معلوم شد هیچ هزینه‌ای از سرانه‌ی مدرسه برای آن خرج نشده است. باز هم با تدبیر مدیر و خیرین منطقه آن‌جا را بازسازی و مهیا و فرش کرده‌اند. در عوض هرگاه مراسم مذهبی داشته باشند، از این مکان استفاده می‌کنند.



من هیچ ساعت اضافه‌ای با او کار نکردم. گاهی تنها یک بهانه لازم است تا دیگران را با خود همراه کنی و خانم مصباح این بهانه را یافته است. مدرسه سه کلاس اول دبستان دارد و هر سه آموزگار این کلاس‌ها، در روز اول مهر با لباس محلی سرکلاس حاضر می‌شوند. آنان پذیرفته و باور کرده‌اند که به این ترتیب می‌توانند دانش‌آموزان تازه از خانه جدا شده را جذب مدرسه کنند و شاید مادر مدرسه‌شان باشند. بعد از گذشت چند هفته از سال، کم‌کم بچه‌ها هم لباس محلی می‌پوشند و به این ترتیب اعضای یک خانواده می‌شوند. این دانش‌آموزان زندگی کردن را در مدرسه می‌آموزند. آن‌ها با حروف الفبا درس زندگی اجتماعی و ایران‌شناسی را تمرین می‌کنند. با حروف ایران را می‌شناسند و درس همکاری می‌آموزند. وقتی از خانم **مولود صمدبین** که لباس زنان کرد قشقایی و خانم **عطیه مهدی پور** که لباس زنان سقز را به تن داشتند، پرسیدم از کسی و تا کی به این روش کار خواهند کرد، پاسخشان این بود: «از زمانی که با خانم مصباح آشنا شدیم و پذیرفتیم که روش ایشان مؤثر است، ما هم لباس محلی تهیه کردیم. این شیوه را ادامه خواهیم داد تا زمانی که در هر مدرسه‌ای که باشیم، مدیر و عوامل مدرسه با ما همکاری کنند. مدیر فعلی خانم سنایی مشوق ماست و ترغیبمان می‌کند، امیدواریم دیگران نیز ارزش این کار را بدانند و مانع آن نشوند.»

آنچه ما در مدرسه‌ی دولتی دخترانه‌ی جنت دیدیم، نه دانش‌آموزانی بودند مرفه و با پشتوانه‌ی خانواده‌های آن‌چنانی و نه معلمی فارغ از هر کمبود. به عکس، ما دانش‌آموزانی دیدیم تشنه و آماده‌ی فرا گرفتن و آموزگاران تشنه‌تر برای یاد دادن. مدرسه‌شان هم امکانات خاصی نداشت، حتی سقف سالن آن،

وقتی در زدم و وارد شدم، یکی از بچه‌های کلاس را در حال تدریس دیدم.

به من گفتند آن روز معلمشان نیامده است، اما بچه‌ها مشغول درس خواندن بودند. تصور کنید کلاس اول دبستانی با بیش از ۳۰ دانش‌آموز بدون آموزگار و این همه برنامه! خانم مصباح رشته‌ی کلام را به دست گرفت و گفت: «مادر کلاس آش می‌پزیم، نان درست می‌کنیم، پنیر درست می‌کنیم و به این ترتیب بچه‌ها را با شرایط اجتماعی زندگی با می‌آوریم. آن‌ها حروف را بالاخره یاد می‌گیرند، آنچه مهم است آموختن زندگی اجتماعی است. آن‌ها باید مستقل شوند و بتوانند به تنهایی از پس کار خود برآیند. با روش من، آن‌ها استقلال لازم را به دست می‌آورند، در عین حال که خود را باور می‌کنند و نوع دوستی را می‌آموزند.

من بارها دیده‌ام که روشم چه اندازه موفق بوده است. این دانش‌آموزان چون خودشان یاد داده‌اند و یاد دادن و اطلاعات جمع‌آوردن را تمرین کرده‌اند، وقتی به پایه‌های بالاتر می‌روند، راحت‌تر پاسخ‌گوی انجام تحقیقات درس‌ها می‌شوند.»

از او خواستیم یک نمونه برایمان بیاورد که تأثیر موفقیت روشش را به وضوح نشان دهد و او چنین مثال زد: «دانش‌آموزی داشتم که هم از لحاظ مغزی و هم از نظر دید مشکل داشت و نمی‌توانست در مدرسه‌ی عادی درس بخواند. از نظر بهزیستی، او باید هر پایه را در سه سال می‌خواند. من این دانش‌آموز را در کلاسم پذیرفتم. او مثل بچه‌های عادی درس خواند و اولین سال تحصیلی را در عرض همان یک سال، با موفقیت به پایان رساند و چون پایه‌ی اول را قوی بود، تا سال هفتم توانست هر پایه را در یک سال بخواند.

دو نداریم؟

آموزگاری که ترس را فراری داد

مریم زمانی
آموزگار دبستان شهید
شبانی، میمه

یکی از دانش‌آموزانم در کلاس چهارم مشکل بینایی مادرزادی داشت. به خاطر همین ضعف، در ورزش‌های دویدنی و رقابتی به مشکل برمی‌خورد. البته مشکل او در اصل دویدن نبود، بلکه ترس از دویدن بود. این مسئله باعث شده بود که بقیه‌ی دانش‌آموزان از پذیرفتن او در گروه خودداری کنند، طوری که هر گروه او را به گروه دیگر پاس می‌داد. این مسئله او را دل شکسته و مرا بسیار ناراحت می‌کرد.

یک روز تصمیم گرفتم بین دانش‌آموزان مسابقه‌ی دوی امدادی برگزار کنم. دانش‌آموزان شروع به گروه‌بندی کردند. طبق معمول مرضیه را به هم پاس می‌دادند. چون با نبود مرضیه، یکی از گروه‌ها از نظر تعداد ناقص می‌شد، هر گروه سعی می‌کرد گروه خود را بدون او کامل کند.

فکری به ذهنم رسید که البته از قوانین مسابقه به دور بود، اما برای ایجاد هدفی مهم‌تر که پرورش روحیه‌ی اعتمادبه‌نفس در مرضیه و اختصاص جایگاه لازم به او در بین دانش‌آموزان بود، ضروری به‌نظر می‌رسید. اول با قرعه‌کشی مرضیه را در یکی از گروه‌ها جای دادم. با ایجاد کمی تغییر در گروه‌ها، افراد گروه او را طوری تنظیم کردم که با توجه به شناختم از آمادگی جسمانی آن‌ها، تقریباً مطمئن بودم برنده خواهند شد. مسابقه را شروع کردم و در عین حال با تمام وجودم

مرضیه را تشویق کردم. انصافاً مرضیه هم با تمام وجودش تلاش کرد و کارش نسبتاً خوب بود. طبق برنامه، گروه مرضیه بُرد. در دور دوم مسابقه، دوباره ترکیب گروه‌ها را تغییر دادم و مرضیه را در گروهی قرار دادم که مطمئن بودم در آن ماده‌ی ورزشی خواهد برد. چشمان مرضیه از شدت هیجان و شادی می‌درخشید. باز هم گروه او برنده شد.

هیچ‌گاه آن لحظه را از یاد نخواهم برد که بعد از کلاس، مرضیه به دنبالم آمد و گفت: «خانم، من تا حالا خودم را باور نداشتم، ولی امروز خودم را باور کردم.»

از آن روز به بعد، مرضیه مدام می‌آمد و می‌پرسید: «خانم، دوی امدادی نداریم؟»



خانواده

به مثابه محیط یادگیری

تأثیر ارتباط آموزگار با خانواده در یادگیری دانش آموزان

دکتر لیلیا سلیقه دار

فرحناز غضنفری، معاون آموزشی دبستان غیردولتی بهار، شهرستان محلات

اشاره

در برنامه‌ی درسی ملی، محیط یادگیری به گستره‌ی ظرفیت‌های نظام هستی معرفی شده است. بدیهی است در چنین گستره‌ای، خانواده‌های دانش آموزان از نقش و اهمیت بالایی برخوردارند که می‌توانند در زمینه‌سازی شیوه‌های یادگیری آنان مؤثر باشند. در این باره، در برنامه‌ی درسی ملی آمده است: «خانواده از محیط‌های مهم و اثربخش تربیت و یادگیری به‌شمار می‌آید که در تعامل مستمر و مؤثر با مدرسه است.» از این تعریف برمی‌آید که ارتباط و تعامل مدرسه با والدین کلید اصلی است که به اثربخشی خانواده به‌عنوان محیط تربیت و یادگیری فراگیرندگان منجر می‌شود. حال این پرسش مطرح است که نقش آموزگار برای ایجاد و برقراری ارتباط با والدین چیست؟ آیا می‌توان زمینه‌سازی ارتباط والدین با مدرسه را تنها به عوامل اجرایی مدرسه و انهاد و آموزگار را مستثنا دانست؟ درباره‌ی پاسخ این پرسش‌ها و دیگر موارد مرتبط، در نوشته‌ی حاضر بحث شده است.

در کلاس من

یکی از برنامه‌های قابل اجرا در کلاس که تکمیل‌کننده‌ی تدریس نیز است، اطلاع‌رسانی به والدین دانش آموزان در رابطه با اهداف یادگیری است. تجربه ثابت کرده است، هر زمان والدین از اهداف یادگیری فرزندان خود تصور روشنی داشته باشند، هماهنگی بیشتری بین انتظاراتشان با انتظارات مدرسه ایجاد می‌شود. بدیهی است، این شرایط در جایی که اهداف برای والدین روشن نیست، ظاهر و نتیجه‌ی معکوس دارد. برای مثال، هنگامی که هدف معلم از امتحان، کمک به یادگیری دانش آموزان است، ولی تعدادی از والدین با تصور گذشته‌ی خود از امتحان، به دنبال تعیین سطح یادگیری فرزند خود هستند و همچنان به آمادگی‌های شب امتحانی اعتقاد دارند، این والدین، وقتی با برگزاری امتحانی که از پیش اعلام نشده است روبه‌رو می‌شوند، شکایت می‌کنند. در چنین مواقعی، این موضوع خاطر نشان می‌شود که پیش از قرارگیری در چنین موقعیت‌هایی، باید این دسته از والدین را از شرایط و اهداف مورد نظر خود آگاه کنیم تا ضمن جلب هم‌سویی آن‌ها، ناچار به صرف زمان و انرژی برای پاسخ‌گویی به شکایاتشان نباشیم.

افتادن از لب بام

یکی از مشکلات برخی آموزگاران در رابطه با میزان و چگونگی دخالت و مشارکت والدین در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و تربیتی در مدرسه، به گروهی از مادران و پدران مربوط می‌شود که بیش از حد مورد انتظار و در برخی موارد نامرتب با حوزه تخصص آن‌هاست.

در چنین شرایطی، این گروه از والدین تلاش می‌کنند در برنامه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و روند اجرای فعالیت‌ها، نظرات خود را ابراز کنند و در برخی موارد در نقطه‌ی مقابل مدرسه قرار می‌گیرند.

ممکن است چنین تجربه‌هایی نیز به تصمیم معلمان برای اطلاع‌رسانی نکردن به والدین دامن بزند. بدیهی است دخالت‌های غیرضروری و غیرقابل استناد بر حوزه‌های تخصصی تعلیم و تربیت از سوی نه‌تنها والدین دانش آموزان بلکه توسط هر عامل و دسته‌ی

والدین نقشی ندارند! یکی از راه‌های نقش‌آفرینی مجموعه

عوامل در برنامه‌ی درسی ملی، استفاده از نظرات والدین و فعالیتشان در اجرای برنامه‌ی درسی است. این برخلاف نظر افرادی است که تصور می‌کنند نقش‌آفرینی در برنامه‌ی درسی تنها به مشارکت در طراحی برنامه محدود می‌شود. دخالت ندادن والدین در اجرای برنامه‌های گوناگون تحصیلی و یا اطلاع‌رسانی نکردن در این باره نیز به همین تصور نادرست مربوط می‌شود.

بر این اساس، برخی آموزگاران نیازی به اطلاع‌رسانی فعالیت‌های آموزشی و تصمیمات کلاسی خود به والدین دانش آموزان احساس نمی‌کنند. در چنین کلاس‌هایی، غالباً فراگیرندگان تلاش برای یادگیری عمیق و ماندگار و نیز لذت بردن از یادگیری را کمتر تجربه می‌کنند و خانواده و مدرسه مانند جزایری نامرتب با یکدیگر منظور می‌شوند. **فرحناز غضنفری** که عهده‌دار نقش معاون آموزشی مدرسه است و سال‌های زیادی در کلاس‌های دوره‌ی ابتدایی آموزگاری را تجربه کرده است، از تجربه‌های خود و همکارانش در خصوص ارتباط مدرسه و خانه می‌گوید. این تجربه‌ها و کاربردهای عملی در دل مطلب و تحت عنوان «در کلاس من» می‌آید.

تدریس می‌کنم. به این ترتیب، آن‌ها کاملاً در جریان مقاصد و مراتب موردانتظار در کلاس قرار می‌گیرند و دیگر می‌توانند مشارکت مؤثرتری برای همراهی فرزندانشان در فعالیت‌های تحصیلی داشته باشند.

والدین آگاه، همراهان همیشگی

با وجود اهمیت آگاهی خانواده‌های دانش‌آموزان از محتوا یا شیوه‌ی آموزش و نیز نوع و اندازه‌ی انتظارات آموزگار از دانش‌آموزان، چگونگی ایجاد این ارتباط و اطلاع‌رسانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. ممکن است آموزگاری با هدف توانمندسازی والدین به برگزاری کارگاه‌های آموزشی و یا نشست‌هایی با آن‌ها اقدام کند که به دلیل هماهنگ نبودن کلام معلم با مخاطبان خود، این اقدام و تلاش با شکست مواجه شود.

بنابراین، لازم است جلسات آموزشی و توجیهی والدین، از طراحی آموزشی که با زبان مخاطب هماهنگی دارد، برخوردار باشد و در عین حال تلاش کند جایگاه خانواده‌های دانش‌آموزان را از یک ناظر منفعل به همراهی پرنرزی و مؤثر تبدیل سازد.



دیگری، در موضوع و گستره‌ی مشارکت خانواده‌ها در برنامه‌ی درسی ملی مورد نظر نیست.

بر این پایه، داشتن تعریفی روشن از آنچه لازم است خانواده‌های دانش‌آموزان از آن آگاهی یابند و یا به آن ورود پیدا کنند، برای معلم و دیگر عوامل اجرایی مدرسه ضروری است. این ضرورت ما را وارد دو حوزه‌ی آموزش و یادگیری از یک‌سو، و تربیت و پرورش از سوی دیگر می‌کند که هر کدام ابعاد و تعاریف خاص خود را دارند.

در نگاهی ساده، در هر دو بخش از حوزه‌های یادشده، بخشی به پشتیبانی و حمایت دیگر محیط‌های یادگیری مانند خانواده‌ی فراگیرندگان ارتباط مستقیم دارد. این در حالی است که در بخش دیگر، با موارد و فعالیت‌ها، برنامه و تصمیم‌هایی مواجه هستیم که اطلاع یافتن یا اطلاع نیافتن دقیق خانواده‌های دانش‌آموزان از آن‌ها، در کل فرایند تأثیری ندارد. برای مثال، هنگامی که معلم قصد دارد جانوران و دسته‌بندی مربوط به آن‌ها را آموزش دهد، چندان مهم نیست محتوای آموزش خود را به خانواده‌ها نیز منتقل کند. اما اگر شیوه‌ی آموزش او از نوع پروژه است، در این صورت لازم است والدین در جریان مراحل و طول انجام پروژه‌ی فرزند خود باشند.

در کلاس من

در تمام پایه‌های تحصیلی و به‌ویژه زمانی که کودکان در پایه‌های پایین‌تر تحصیلی هستند، گاهی لازم است والدین کاملاً در جریان شیوه‌ی آموزش فرزند خود قرار گیرند. به همین منظور، در تدریس پایه‌ی اول دوره‌ی ابتدایی، هر ماه یک یا چند جلسه‌ی آموزشی برای خانواده‌های دانش‌آموزان برگزار می‌کنم که با جلسات آموزش خانواده که به‌طور معمول مدرسه برای مادران و پدران برگزار می‌کند، ارتباطی ندارند.

در این کلاس‌ها، مواردی را که آگاهی خانواده از محتوای درس و یا شیوه‌ی ارائه‌ی آن اهمیت زیادی دارد، همانند کلاس دانش‌آموزانم،

در کلاس من

روزی در حین فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان متوجه شدم یکی از دانش‌آموزان در پاسخ به هم‌کلاسی خود از کلمه‌ی «زهر مار» استفاده کرد. به این ترتیب می‌خواست ناراحتی خود را به او نشان دهد. چون همه این کلمه را شنیدند و منتظر تماشای واکنش من بودند، کمی فکر کردم و ادامه دادم که اگر او می‌دانست که زهرمار چه فایده‌هایی دارد، حتماً پیش از همه آن را به خودش نسبت می‌داد. دانش‌آموزانم با تعجب به من نگاه کردند. به آن‌ها با یاد آوردن تصویر ماری را که به دور یک جام پیچیده است و اغلب در داروخانه‌ها دیده می‌شود، یادآوری کردم و ادامه دادم: آیا می‌دانید این تصویر چه معنایی دارد؟ اگر پاسخ این سؤال را پیدا کنید، در این صورت متوجه خواهید شد که چرا زهرمار هم بسیار پرارزش است. همین موضوع به پروژه‌های دانش‌آموزی تبدیل شد تا هر کدام که مایل هستند درباره‌ی آن پرس‌وجو و تحقیق کنند.

من هم برای ارائه‌ی پاسخ و خوراک ذهنی مناسب به دانش‌آموزانم، تصمیم گرفتم از مادر یکی از بچه‌ها که دکتر داروساز بود، به کلاس دعوت کنم تا در این باره صحبت کند. این گفت‌وگو پس از شنیدن نتایج بررسی و تحقیق دانش‌آموزان در مورد مار و زهر آن اجرا شد. من با شگفتی زیاد متوجه تأثیرگذاری حضور والدین در کلاس و توجه به تجربه و تخصص آن‌ها در یادگیری دانش‌آموزان شدم.

تکلیف، راه ورود خانواده به مدرسه

از جمله مواردی که امکان مشارکت والدین در فعالیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند، تکالیف است. در اغلب موارد، والدین با توجه به نوع تکلیف، حجم آن و نیز تناسب آن با علاقه‌مندی و توانایی فرزند خود، دست به نقد تکلیف و نتیجه‌گیری در خصوص توانایی و تخصص معلم می‌زنند.

این در حالی است که توجیه نکردن والدین درباره‌ی نوع و تأثیرگذاری

مانند همیشه برگزار شد، اما برای من سخت بود مطالبی را برای معلم کلاس اول خودم تدریس کنم. با این همه، کلاس پایان یافت. من در کلاس، حین و بعد از تدریس، به مواردی تربیتی اشاره کردم که به مشکلات پراکنده‌ی برخی دانش‌آموزانم هم ارتباط داشت. از همه خواستم به این موارد دقت کنند. برای مثال، چه هنگامی برخی از کودکان کلاس مشغول ناخن جویدن می‌شوند؟ آیا در زمانی که به انجام فعالیت مدرسه دعوت می‌شوند یا در مواقع دیگر؟ به آن‌ها گوشزد کردم این اطلاعات می‌تواند به مشاور کمک کند تا با سهولت و سرعت بیشتری مشکلات را شناسایی و در حل آن‌ها یاری برساند. در پایان کلاس، معلم قدیمی من به سراغم آمد. منتظر بودم خداحافظی با او هم مانند سایرین به سرعت انجام شود. او برخلاف انتظارم دستم را گرفت و بوسید. خیلی برایم پرافتخار و در عین حال خجالت‌آور بود که معلمم چنین رفتاری از خود نشان می‌دهد. او گفت: «من امروز بیشتر از همیشه به تو افتخار می‌کنم. تو چیزهایی را به من یاد دادی که من به تو یاد نداده بودم و اصلاً برخی را تا همین امروز هم نمی‌دانستم.»

این درس بزرگی برای من بود تا به یاد داشته باشم که یادگرفتن سن و سال نمی‌شناسد. والدین با هر سطح تحصیلی و تخصصی ممکن است به هم‌آموزی نیاز داشته باشند و یادگرفتن ارزش بوسیدن دست معلم را دارد.



نوشته‌های بی‌پایان

از دیگر راه‌های ایجاد ارتباط و هماهنگی بین خانواده و معلم، ارائه‌ی پیام‌هایی است که می‌تواند در کنار تکالیف دانش‌آموزان به خانه راه باز کند. در این فعالیت، همیشه جایی برای گفت‌وگو با خانواده، در کنار فعالیت‌های فرزندان، دیده می‌شود. ممکن است این گفت‌وگوها به صورت مجازی و در محیط‌های ارتباطی مانند وبلاگ باشد که والدین به آن دسترسی دارند، یا آنکه از طریق سنتی آن و در قالب برگه‌ها و جزوه‌هایی به خانه و به دست والدین برسند. در چنین راه ارتباطی، بیان واضح، صمیمانه و کوتاه انتظارات تربیتی و آموزشی مدرسه از دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان، می‌تواند تأثیرگذار باشد و به افزایش آگاهی و همراهی آنان با مدرسه بینجامد. نباید فراموش کرد که این قبیل نوشته‌ها یکسویه نیستند و زمانی می‌توانند همدلی و همراهی‌های بیشتری را بیافرینند که امکان دریافت نظرات و برداشت‌های والدین برای آموزگار نیز وجود داشته باشد. اینکه معلم تلاش کند مقاصد کلاس خود را به اطلاع والدین برساند، اما نداند آن‌ها چه برداشتی از این مقاصد دارند یا آنکه تا چه اندازه امکان همراهی دارند، در واقع قدم گذاشتن در مسیری مبهم است که می‌تواند رضایت کاذب برای معلم به همراه آورد. برای پرهیز از چنین موقعیتی لازم است به صرف آگاهی بخشی والدین بسنده نشود و راه‌هایی برای دریافت نظرات آن‌ها پیش‌بینی شود.

هر یک از تکالیف، می‌تواند تمام زمینه‌های مورد انتظار در انجام تکلیف را نقش بر آب کند. به همین دلیل، تکالیف می‌توانند و باید از دو جهت مورد توجه معلم باشند. از یک سو تکالیف مقاصد آموزشی و پرورشی معلم هستند که با ورود خود به خانه، این مقاصد را هم در خانواده نمایان می‌سازند. از سوی دیگر، در برخی از انواع تکالیف مانند تکالیف پژوهشی^۱، لازم است خانواده‌ی دانش‌آموز در جریان چگونگی انجام آن قرار بگیرد تا با همراهی خود، این تکالیف را به کلاس یا کلاس‌های آموزشی تأثیرگذاری مبدل کند.

با تکیه بر نکات یاد شده و در هر دو مورد لازم است بخشی از ارتباط و هماهنگی بین والدین و آموزگار به موضوع تکالیف اختصاص یابد. در این ارتباط، لازم است خانواده‌های دانش‌آموزان از انواع تکالیف، نوع اجرا و میزان و گستره‌ی حضور و همراهی آن در حین اجرا مطلع شوند. در چنین آگاهی‌هایی، درک خانواده‌ها از میزان اثرات مفید تکالیف، با توجه به نوع همراهی آن‌ها، بسیار نتیجه‌بخش است.

در کلاس من

در کلاس اول، از مادر یا پدیران دانش‌آموزانم می‌خواستم در کلاس‌های آموزشی وابسته به درس فرزند خود شرکت کنند. هر یک از والدین که امکان حضور نداشتند، باید جانشینی می‌فرستادند تا موارد را به اطلاع آنان برسانند. در یکی از جلسات، مادر بزرگ دانش‌آموزم به کلاس آمد. او را در اولین برخورد به‌جا آوردم و یادم آمد که او معلم کلاس اول خودم بوده است. آن روز کلاس به ظاهر

پی‌نوشت

۱. رجوع شود به کتاب «آموزگاران و پژوهش‌های دانش‌آموزی»، تألیف: لیلیا سلیقه‌دار، مرتضی مجدفر و ابراهیم اصلاقی. انتشارات مدرسه.

اختلالات یادگیری و مهارت‌های غلبه بر آن

عادل خالقی ثمرین

اشاره

بسیارند کودکانی که ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی و هوش نسبتاً عادی دارند، به خوبی صحبت می‌کنند، مانند سایر کودکان بازی و ارتباط برقرار می‌کنند، فعالیت‌های خود را در منزل به خوبی انجام می‌دهند و کاملاً عادی رفتار می‌کنند، ولی وقتی به مدرسه می‌روند، در یادگیری مشکلات جدی دارند. چنین افرادی ممکن است دچار اختلال یادگیری باشند. اختلالات یادگیری ممکن است با یکی از نشانه‌های زیر همراه باشند: اختلال گفتاری، اختلال نوشتاری، اختلال خواندن و اختلال در حساب کردن. براساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی انجمن روان پزشکی آمریکا (DSM-5) ۵ تا ۱۵ درصد کودکان دبستانی در اقصا نقاط دنیا به اختلال یادگیری دچارند.

عوامل ایجاد اختلالات آموزشی یادگیری

- مهارت نداشتن آموزگار در بهره‌گیری از شیوه‌ی تدریس مناسب و مؤثر
- انتظارات بیش از حد توان اولیا و مربیان از دانش آموز
- نداشتن هدف و انگیزه برای ادامه‌ی تحصیل
- مقایسه‌ی غیرمنطقی فرد با دیگران، بدون توجه به تفاوت‌های فردی او
- نداشتن خاطره‌ی خوش از خواندن درس و انجام تکلیف
- پذیرفته نشدن فعالیت‌های انجام شده‌ی دانش آموز از طرف اولیا و مربیان
- تشبیه و تحقیر به‌خصوص در حضور جمع
- احساس ناتوانی در آموختن و به حافظه سپردن
- یکنواخت بودن و نبود تنوع در آموزش و بروز احساس خستگی مفرط
- آموزش ندیدن مهارت‌های اجتماعی، یادگیری، جسمی و حرکتی

راهکارهای

غلبه بر اختلالات

آموزشی یادگیری

- تأمین دما و نور مناسب برای مطالعه و رعایت نکات ایمنی؛ بهترین حالت مطالعه به شکل نشسته است، طوری که فاصله‌ی چشم از کتاب بین ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر باشد.
- تغذیه‌ی مناسب با استفاده از آب کافی و میوه و نخوردن غذای پرحجم و پرچرب قبل از مطالعه.
- شروع مطالعه حداقل با فاصله زمانی ۳۰ تا ۴۰ دقیقه بعد از صرف غذا
- تنظیم خواب و استراحت مناسب، شامل خواب اصلی شب و خواب مکمل نیمروزی که مجموع آن‌ها نباید کمتر از ۶ و بیشتر از ۸ ساعت باشد.
- مهارت ایجاد رقابت، با استفاده از تحلیل ملاکی و تحلیل رتبه‌ای (و ذکر عملکرد افراد)
- تعیین هدف قابل دسترسی برای مطالعه
- تمرکز بر مطالعه، به جای تقسیم توجه بین چند فعالیت
- انتخاب بهترین زمان هوشیاری برای مطالعه
- ریتم‌سازی مطالعه به نسبت جلسات بازخوانی، مثل جلسه‌ی امتحانات یا آزمون‌های ورودی
- اجباری نبودن فرایند مطالعه؛ یعنی فهم مطلب ملاک باشد، نه صرف زمان.
- کدگذاری در مطالعه برای بازخوانی و یادآوری مناسب نکات در زمان نیاز

منابع

۱. راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-5). انجمن روان‌پزشکان آمریکا. ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی. دوران. ۱۳۹۳.
۲. خالقی، عادل؛ شیخ‌پور، محمود. شیوه‌های ارتباط مؤثر. تندیس علم. ۱۳۸۷.
۳. هیلگارد، ارنست رویکوت. زمینه‌ی روان‌شناسی. ترجمه‌ی حسن رفیعی. چاپ سوم. ارجمند. تهران. ۱۳۶۲.
۴. هرگنهان، السون. نظریه‌های یادگیری. ترجمه‌ی علی‌اکبر سیف. ویرایش ششم. چاپ ششم. دوران. تهران. ۱۳۷۶.
۵. اچ ایلوارد، الیزابت. ار براون، فرانک. تشخیص و سامان‌دهی ناتوانی‌های یادگیری. ترجمه‌ی رضا برادری. سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی. چاپ اول. زمستان ۷۷.



فعالیت های پاییز

صفورا زواران حسینی

اشاره

پاییز با آمدنش ما را به مهمانی رنگ‌ها دعوت می‌کند. پاییز فرصت خوبی است همراه دانش‌آموزانمان از کلاس خارج شویم و سری به طبیعت اطرافمان بزنیم. فرقی هم نمی‌کند در شهری بزرگ زندگی می‌کنیم یا در روستا. در هر مکان، به نسبت امکاناتی که داریم، می‌توانیم به حیاط مدرسه، پارک، باغ‌های اطراف یا گوشه‌ای از طبیعت برویم و فعالیت‌های آموزشی انجام دهیم.

جمع آوری برگ

در کتاب علوم پنجم، زرد شدن برگ‌ها مثالی برای تغییر شیمیایی ذکر شده است. دانش‌آموزان شاید در زمستان این بخش از کتاب را بخوانند، اما می‌توان تغییر رنگ برگ‌ها را زودتر مشاهده کرد و در زمان مناسب این تجربه را آزمود. به غیر از آن، با جمع‌آوری برگ‌های پاییزی و مشاهده طیف رنگی آن‌ها می‌توان حس مشاهده و جست‌وجوگری دانش‌آموزان را تقویت کرد. به‌خصوص در پایه‌های پایین‌تر می‌توان پس از جمع‌آوری برگ‌ها، فعالیت‌های جالب متنوعی برای تمرین برخی مفاهیم مثل بزرگ‌تر و کوچک‌تر، و پررنگ‌تر و کم‌رنگ‌تر ترتیب داد. برای جمع‌آوری برگ‌ها سعی کنید برگ‌هایی را که از درختان و گیاهان جدا شده‌اند جمع کنید تا آسیب کمتری به طبیعت وارد شود.

استقبال

از فصل سرما

با شروع فصل سرما کم‌کم پیدا کردن غذا برای پرندگان سخت می‌شود. از همین ماه‌ها می‌توانید همراه دانش‌آموزانتان جایی را برای ریختن غذا برای پرندگان بسازید یا در نظر بگیرید.

شناخت میوه‌های خوردنی و نخوردنی!

فصل پاییز فرصت خوبی برای مشاهده انواع میوه‌ها و دانه‌های گیاهان است. به‌خصوص میوه‌هایی که خوردنی نیستند و کمتر به آن‌ها توجه می‌کنیم. تنوع این میوه‌ها هم بسیار بالاست؛ میوه‌های خاردار، بالدار و چوبی. می‌توانید ابتدا برای دانش‌آموزانتان توضیح دهید که بسیاری از گیاهان میوه دارند، حتی اگر ما نتوانیم آن‌ها را بخوریم. سپس فرصت دهید جست‌وجو کنند و هر بخش از گیاه را که فکر می‌کنند میوه است جمع کنند. سعی کنید بیشتر میوه‌هایی را که افتاده‌اند جمع‌آوری کنید. بعد از جمع کردن میوه‌ها می‌توانید نمایشگاهی کلاسی از آن‌ها ترتیب دهید و درباره‌ی شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان، تنوع شکل، انواع جنس آن‌ها و شکلی که دانه‌ها را در خود جای داده‌اند، گفت‌وگو کنید.



چیدن میوه

این فعالیت برای دانش آموزانی که در شهر زندگی می کنند مناسب است. دانش آموزانتان را به یک باغ یا مکانی که درخت میوه‌ی پاییزی دارد ببرید و به تجربه‌ی میوه چینی مهمانشان کنید؛ تجربه‌ای که اغلب کودکانی که در محیط‌های شهری زندگی می کنند، از آن محروم‌اند.

بازی با برگ‌ها

فقر حرکتی یکی از مهم‌ترین مشکلات امروزی دانش آموزان ایرانی است. بازی با برگ‌های خشک می‌تواند علاوه بر ایجاد لذت و شادی در دانش آموزان، به تحرک آنان نیز کمک کند. اگر در اطرافتان درختان خزان‌زده‌ی زیادی وجود دارد، می‌توانید فعالیت یک روز را به بازی با برگ‌های پاییزی اختصاص دهید. آن‌ها را در جایی جمع‌آوری کنید و یک یا چند تپه بسازید، سپس مطمئن شوید که جسم برنده یا خطرناکی در زیر و اطراف آن‌ها نباشد. حالا می‌توانید بازی را شروع کنید. پریدن روی برگ‌ها بسیار لذت‌بخش است.

جشن خوراکی‌های پاییزی

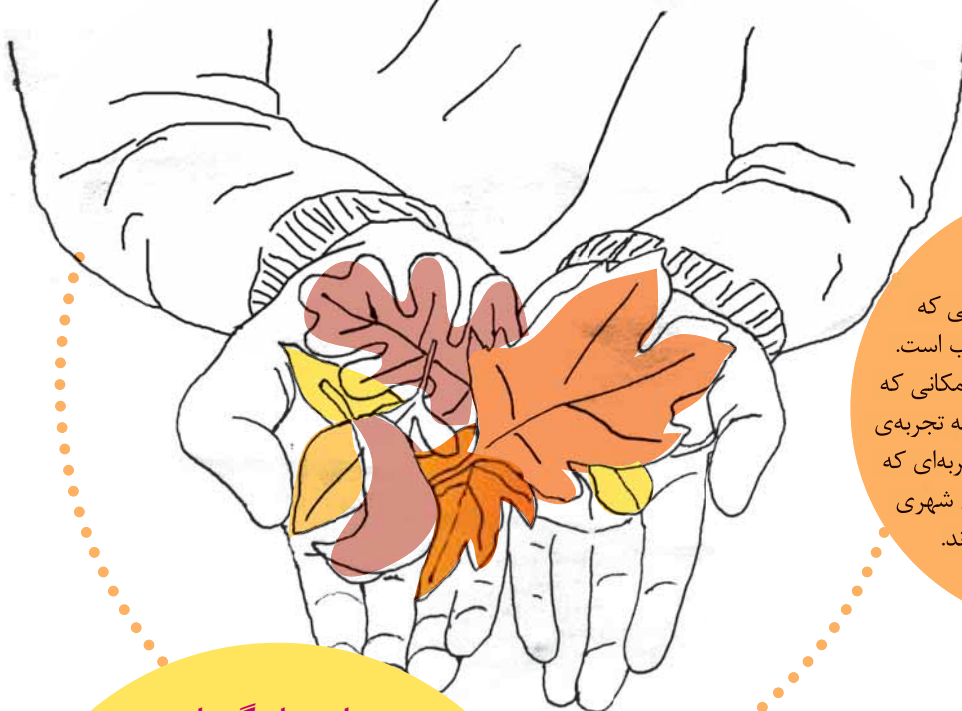
با میوه‌های پاییزی یک جشن خوراکی راه بیندازید. اگر امکانش را دارید، در مدرسه و اگر نه، به‌عنوان یک فعالیت خانگی، از دانش آموزانتان بخواهید مثلاً سوپ یا کیک کدو حلوی، ژله‌ی انار، کیک سیب، یا خوراکی‌هایی با دیگر میوه‌های پاییزی درست کنند و به کلاس بیاورند.

پیاده‌روی پاییزی

در پایه‌های اول و حتی دوم، به همراه دانش آموزانتان به پیاده‌روی پاییزی بروید. علاوه بر تجربه‌ی یک فعالیت جمعی و ورزش، پیاده‌روی روی برگ‌ها و شنیدن صدای خش‌خش آن‌ها فعالیت خوبی برای تقویت حس شنیداری نیز است.

برپایی نمایشگاه عکس پاییزی

اگر امکاناتش را در اختیار دارید، به دانش آموزانتان زمان دهید تا از جلوه‌های متنوع پاییزی عکس بگیرند. با این عکس‌ها یک نمایشگاه عکس ترتیب دهید. موضوع عکس‌ها می‌تواند طبیعت یا حتی مشاغل باشد که با شروع فصل پاییز سر و کله‌شان پیدا می‌شود، مانند درو یا چیدن برخی محصولات. اگر امکانات عکاسی در اختیار ندارید، برگزاری نمایشگاه نقاشی هم پیشنهاد خوبی است.



به سوی قطب با یک سوزن

پرورش خلاقیت و نوآوری از طریق فعالیت‌های علمی

دکتر نیره شاه‌محمدی

مورد اینکه گیاهان چگونه مواد غذایی لازم برای رشد مطلوب را دریافت می‌کنند، با دانش‌آموزان صحبت می‌کند. همچنین، درباره‌ی جانوران متفاوتی که در خاک زندگی می‌کنند می‌گوید. یکی از این جانوران کرم خاکی است. آموزگار می‌تواند درباره‌ی چرخه‌ی زندگی و اهمیت آن برای دانش‌آموزانش صحبت کند.

با انجام این فعالیت، دانش‌آموزان در زمینه‌ی اجزای مختلف گیاهان و دانه‌ها اطلاعاتی به دست می‌آورند. برای مدارسی که در حیاط آن‌ها باغچه وجود ندارد، دانش‌آموزان می‌توانند در گلدان دانه و گیاه بکارند، طریقه‌ی رشد آن‌ها را توصیف کنند و بگویند به عقیده‌ی آن‌ها چه چیزی به رشد دانه‌ها و گیاهان کمک کرده است. زمانی که گیاهان جوانه می‌زنند، کودکان می‌توانند رشد آن‌ها را در جدولی ثبت کنند. همچنین می‌توان با شکل‌هایی به آن‌ها یاد داد اجزای گیاه یا دانه را نام‌گذاری کنند.



فعالیت دیگری که دانش‌آموزان می‌توانند به کمک آن مسائل علمی را بررسی کنند، جریان الکتریسیته و مدار الکتریکی است. باتری‌های ساده و لامپ‌های کوچک می‌توانند در یادگیری الکتریسیته و جریان برق به دانش‌آموزان کمک کنند. معلم توضیح می‌دهد که باتری‌ها منابع تولید انرژی هستند و می‌توانند در رادیو، اسباب‌بازی‌ها و وسایل دیگری که به باتری نیاز دارند استفاده شوند. الکتریسیته با حرکت یک دور سیم یا یک استوانه‌ی مسی بین قطب‌های یک آهن‌ربا تولید می‌شود. باتری‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که ذرات منفی (الکترون‌ها) در سر منفی و

اشاره

کودکان از بدو تولد از حواس خود بهره می‌گیرند و در محیط اطراف خود به کسب اطلاعات در مورد زندگی می‌پردازند. با بزرگ‌شدن و رشد، تجربیاتی به دست می‌آورند و مفاهیم فیزیکی و اجتماعی را در جهان اطراف خود به صورت توأمان درک می‌کنند. آن‌ها همچنین از روی تجربیات خود دانش و آگاهی‌شان را انباشته می‌کنند و استعدادها و قابلیت‌های جدیدی برای درک و شناخت محیط به دست می‌آورند.

در سنین دبستانی، کودکان به‌طور طبیعی کنجکاوند. شور و اشتیاق آن‌ها برای کشف و یادگیری باعث می‌شود زمان زیادی را برای انجام فعالیت‌های آموزشی مورد علاقه‌شان بگذرانند. چنین انگیزه‌ای برای هر گونه فرایند آموزشی حائز اهمیت است. با عنایت به این نکته، لازم است آموزگار زمینه را برای مشارکت دانش‌آموزان در فرایند تدریس هموار سازد تا از طریق آن دانش‌آموزان علوم جهان بیرونی را بررسی و درباره‌ی آن‌ها تحقیق کنند، فرضیاتی را به وجود آورند و داده‌ها و اطلاعات لازم را برای آزمودن این فرضیات به صورت میدانی جمع کنند.

کلیدواژه‌ها: نوآوری، دانش‌آموزان، فعالیت‌های علمی

دانش‌آموزان برای بررسی فرضیات و پاسخ دادن به سؤالات و مسائل روز مربوط به جهان طبیعی از ابزارهای خاصی استفاده می‌کنند. هنگامی که آن‌ها مشاهده می‌کنند شواهد جدید با فرضیات یا تئوری‌های موجود در ذهن آن‌ها در تضاد است یا دیدگاه جدیدی در مورد محیط اطرافشان به آن‌ها ارائه می‌دهند، تئوری‌های خود را اصلاح می‌کنند.

زمانی که دانش‌آموزان دستکاری، جست‌وجو و کشف می‌کنند، همانند دانشمندان کوچکی، به وسیله‌ی حواسشان می‌آموزند و کنجکاوی‌شان آن‌ها را هدایت می‌کند. آن‌ها می‌توانند مشاهده کنند، طبقه‌بندی کنند، تشخیص دهند و توصیف کنند. آن‌ها می‌توانند مسائل را حل و نتیجه‌گیری کنند؛ لذا انجام فعالیت‌های علمی، مهارت‌های آن‌ها را در این زمینه افزایش می‌دهد.

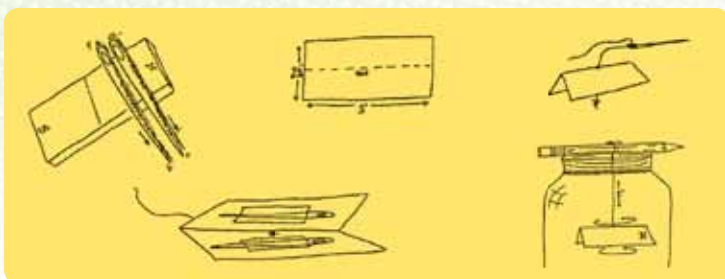
برای مثال، بردن دانش‌آموزان به حیاط مدرسه یا محوطه‌ی یک پارک، فرصت‌های بسیاری برای یادگیری و اکتشاف برای آن‌ها مهیا می‌کند. آن‌ها می‌توانند به کمک آموزگار یا باغبان پارک به کاشتن گل و گیاه بپردازند. در هنگام کاشت، آموزگار با نشان دادن ریشه‌ی گیاهان در



دانش آموزان در ابتدا تکه‌ای از چوب پنبه را برش می‌زنند. سپس آن‌ها باید سوزن را در یک دست و آهن‌ربای میله‌ای را در دست دیگر بگیرند. مهم است که آهن‌ربا را تکان ندهند یا به جلو و عقب حرکت ندهند. فقط باید سوزن را فقط به یک سمت، مثلاً به سمت بالا، بکشند، نه اینکه بالا و پایین کنند. این کار را باید بسیار تکرار کنند تا سوزن به آهن‌ربا تبدیل شود. بعد باید آن را از داخل چوب پنبه رد کنند. سپس دانش آموزان باید مقداری آب درون ظرف پلاستیکی بریزند. چوب پنبه را روی آب قرار دهند و سوزن را روی آن بگذارند. در نهایت، چوب پنبه به آرامی، همراه با سوزن، به سمت شمال می‌چرخد. حال می‌توانند برای تشخیص جهت‌های جغرافیایی از آن استفاده کنند.



دانش آموزان می‌توانند قطب‌نمای معلق نیز بسازند. برای این کار به یک آهن‌ربا، دو سوزن بزرگ، مداد، یک تکه مقوای ۲ در ۳ سانتی‌متری، شیشه و نخ نیاز دارند. ابتدا تکه مقوا را از وسط تا می‌زنند و نخ را مانند شکل از وسط آن عبور می‌دهند. سپس هر دو سوزن را همانند فعالیت قبل دارای خاصیت مغناطیسی می‌کنند. دو سوزن آهن‌ربایی شده را مانند شکل با کمک چسب‌نویاری به دو سوی داخلی مقوا می‌چسبانند. حال با مداد، کارت را داخل شیشه به‌طوری آویزان می‌کنند که به شیشه‌های اطراف نخورد.



در پایان هر فعالیت، معلم از دانش آموزان می‌خواهد یافته‌های خود را در قالب زیر بنویسند و به کلاس ارائه دهند.

نام آزمایش:

اهداف:

پیش‌بینی‌های قبل از آزمایش:

مشاهدات:

روز:

منبع
Springer, Steve, Alexander, Brandy and Persiani- Becker, Kimberly.
(2010) The Creative Teacher: An Encyclopedia of Ideas to Energize
Your Curriculum, McGraw- Hill, London.

ذرات مثبت (پروتون‌ها) در سر مثبت آن‌ها قرار گرفته‌اند، اما این ذرات تا زمانی که یک مدار کامل ساخته نشده است، جابه‌جا نمی‌شوند و الکتریسیته ایجاد نمی‌شود. لازم است آموزگار با دانش آموزان مفاهیمی چون پروتون، نوترون، الکتریسیته، مدار الکتریکی، جریان الکتریسیته، باتری، مدار و ... را بررسی کند.

در ادامه‌ی فعالیت، معلم موادی چون سیم، لامپ، ورقه‌های آلومینیوم و باتری را در اختیار دانش آموزان قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد سعی کنند این وسایل را به‌گونه‌ای کنار هم قرار دهند که لامپ روشن شود. سپس معلم برای دانش آموزان توضیح می‌دهد که هر مدار الکتریکی از چه اجزایی تشکیل شده است. آموزگار به دانش آموزان موادی مانند سکه، پنبه و کاغذ می‌دهد تا آن‌ها عبور جریان الکتریسیته را از آن‌ها بررسی و آن‌ها ساخت مدار الکتریکی را با چند باتری یا چندین سیم یا ورقه‌های آلومینیوم امتحان کنند.



فعالیت دیگری که می‌توان در کلاس انجام داد، ساخت قطب‌نماست. معلم قبل از انجام این فعالیت از دانش آموزان می‌پرسد چه اجسامی جذب آهن‌ربا می‌شوند؟ چگونه یک جسم فلزی خاصیت آهن‌ربایی پیدا می‌کند؟ این خاصیت با چند بار کشیدن یک جسم فلزی به



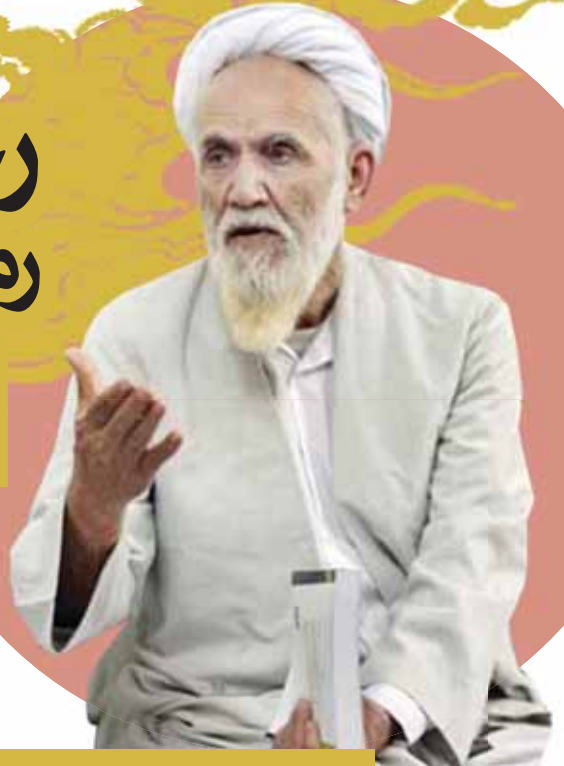
آهن‌ربا به‌وجود می‌آید؟ اگر آهن‌ربا به هر دو طرف یک جسم کشیده شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ چگونه می‌توان یک قطب‌نما ساخت؟ می‌توان درباره‌ی مفاهیمی مانند آهن‌ربا، قطب، شمال، جنوب، و مغناطیس با دانش آموزان بحث کرد.

- برای ساخت قطب‌نما وسایل زیر در اختیار دانش آموزان قرار گیرد.
- ۱ یک ظرف پلاستیکی مانند لیوان یک بار مصرف
- ۲ یک سوزن (ترجیحاً بلند)
- ۳ آهن‌ربای میله‌ای
- ۴ قطعه‌ای چوب پنبه (یا چیزی شبیه آن)
- ۵ مقداری آب

رغبت رمز هر کاری است

کاربرد سیره‌ی تربیتی پیامبر اعظم (ص)
در برنامه‌های درسی

شهلا فهیمی



در ادامه‌ی سلسله نشست‌های علمی «بزم اندیشه» در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی، عضو مجلس خبرگان رهبری، با موضوع «نگرشی بر سیره‌ی اخلاقی و تربیتی پیامبر اعظم (ص) در برنامه‌های درسی به ویژه در تدوین کتاب‌های درسی»، به منظور ارتقای جایگاه آموزش و پرورش به سخنرانی پرداخت که بخش‌هایی از آن را می‌آوریم.

عطای رغبت

آیت‌الله حائری شیرازی، عضو مجلس خبرگان رهبری، با طرح این سؤال که اگر اعلام شود فردا مدارس تعطیل است، دانش‌آموزان چه عکس‌العملی نشان می‌دهند، بیان کرد: «با انعکاس این خبر، همه‌ی محصلان خوشحال می‌شوند، زیرا انسان از قطع چیزی که به آن راغب نیست، لذت می‌برد. این خلأ رغبت را نباید دست‌کم گرفت. خلأ رغبت یعنی همه چیز. از امام صادق (ع) سؤال شد، آیا عشق و محبت جزو دین است؟ حضرت پرسیدند: اگر حب را از دین بردارید، چیزی از دین می‌ماند؟ در مورد علم هم همین‌طور است. امیدوارم خدا به همه‌ی محصلان تلاش و عشق و رغبت عطا فرماید».

ایشان در بخشی دیگر از بیانات خود با انتقاد از روش حضور و غیاب در کلاس درس بیان داشت: «دانش‌آموز باید با عشق به کلاس بیاید، نه با حضور و غیاب. اگر با حضور و غیاب به کلاس بیاید حضور او شر می‌شود. چون شما با این روش فقط حضور فیزیکی او را می‌توانید گزارش دهید نه حضور روح او را». همچنین، وی مشکل آموزش و پرورش کنونی را در انسان‌شناسی

غربی دانست و گفت: «غرب انسان را محصول شرایطش می‌داند و بر این باور است که شرایط انسان را می‌سازد. اگر فردی قتل انجام داده است، به دلیل شرایط اجتماعی و فردی اوست و اگر فردی عالم شده است، به دلیل شرایط موجود بوده است. این بر خلاف آموزه‌های قرآنی و دینی ماست».

وی یکی از وظایف آموزش و پرورش را آموزش خودمدیریتی به کودکان دانست و گفت: «هرچه شما کودکان را از خارج مدیریت کنید، مدیریت درونی آن‌ها را تعطیل می‌کنید. شما باید در سال‌های اول ظرفیت‌سازی کنید تا وقتی بعدها به کودکان آزادی می‌دهید، سوء استفاده نکنند. به تدریج، وقتی دیدید بعضی منظم هستند، آن‌ها را از حضور و غیاب حذف کنید. این می‌تواند امتیازی باشد که به افراد منظم می‌دهید. محتوای کتاب‌های درسی باید انسان را به خودمدیریتی سوق دهد. راه انسان‌سازی این است که راهنما را از قرآن و حدیث دریافت کنید».

کپی‌برداری ممنوع

آیت‌الله حائری شیرازی در پایان بیانات خود از روش‌های تدریس مؤثر یاد کرد و گفت: «باید در حل مسائل کمک گرفت. آموزگاران مواظب باشند در علوم تجربی دانش‌آموزان را به کپی‌برداری عادت ندهند. شما در علوم تجربی سؤال‌کننده باشید نه یاددهنده. شاگرد به منزله‌ی چاهی است که باید از آن آب بیرون بکشید. باید آن قدر حفاری کنید تا به آب برسید. اگر این نیروی محرکه را در شاگردان به‌وجود بیاورید، به نتایج خوبی خواهید رسید».

روش‌های تدریس

(تعاریف، الگوها، ارزشیابی و یادگیری الکترونیکی)

منصوره محمدی پرفکر

مؤلفان: دکتر همت محمدنژاد، دکتر صدیقه صالحی، سعید فتاح، فرشید ذبیحی

ناشر: مهرالنبی (قائم‌شهر ۰۹۱۱۲۲۶۸۵۵۷)

نوبت چاپ: تابستان ۱۳۹۳

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال



تالیف
در تدریس

تدریس ایفای نقش

از کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم

کلتوم مهرابی

آموزگار پایه‌ی چهارم - رودسر، گیلان

عنوان درس: کوه‌ها و دشت‌ها (قله، رشته‌کوه، دامنه‌ی کوه، کوهپایه، دشت و ناهمواری زمین)
ابتدا توضیح کوتاهی درباره‌ی کوه و رشته‌کوه به دانش‌آموزان می‌دهم و موضوع نقش آن‌ها را اعلام می‌کنم. بعد چند دانش‌آموز را با قدهای کوتاه و بلند انتخاب می‌کنم و آن‌ها را به حالت زنجیروار، طوری که دست‌های یکدیگر را گرفته باشند، قرار می‌دهم. سپس از آن‌ها می‌پرسم، شما که این‌گونه دست‌های یکدیگر را گرفته‌اید، چه نام دارید؟ می‌گویند «رشته‌کوه».

پس از تشویق آن‌ها می‌پرسم: «بالاترین قسمت بدن شما کوه‌های عزیز چه نام دارد؟» بلند می‌گویند: «قله».

آفرین! حالا بیشتر از خودتان بگویید. این قسمت کمر شما چه نام دارد؟
- دامنه‌ی کوه.

- حال بگویید این پاهای استوار و محکم شما چه نام دارد؟
- کوهپایه!

- در این حال پاهایشان را هم به زمین می‌کوبند و با هم می‌چرخند. سپس می‌پرسم، این زمینی که شما ایستاده‌اید چگونه است؛ صاف است یا پستی و بلندی دارد؟

می‌گویند: «این بخش صاف و هموار است، پس دشت نام دارد.»

پس از آن، درباره‌ی ناهمواری زمین و پستی و بلندی، و تفاوت زمین ناهموار و هموار برای دانش‌آموزان توضیحاتی می‌دهم و با اشاره به داخل کلاس و حیاط مدرسه، تفاوت بخش خاکی حیاط مدرسه را که زمینی ناهموار است و داخل کلاس را که هموار است، بیان می‌کنم.

با این کار، هم تفریح و شادی و نشاط را به کلاس می‌آورم و هم باعث می‌شوم یادگیری بهتر صورت گیرد. چنین آموخته‌هایی همیشه در ذهن آنان خواهد ماند.

روش‌های تدریس

روش‌های تدریس شیوه‌ی آموزگار را در کلاس شکل می‌دهند و فرصت‌های مناسب را نیز برای فراگیری دانش‌آموزان پدید می‌آورند.

کتاب حاضر خواننده را در پنج فصل به این سمت‌وسو می‌برد که روش تدریس چیست؟ و با جواب به این پرسش، سپس الگوهای تدریس و ارزشیابی و طراحی آموزشی در محیط الکترونیک را به بحث می‌گذارد. حال در عصر ارتباطات و با اهمیت یافتن دانایی و کاهش هرگونه فاصله‌ی اطلاعاتی، روشن است که این ویژگی‌ها باید در حوزه‌های آموزش و پدیدار شدن آموزش مجازی با الکترونیک خودی نشان دهند. آموزش‌های الکترونیک نیز همراه با همه‌ی مزایا و معایب در آموزش و پرورش نقش اساسی بازی می‌کنند. بنابراین مدل‌های مختلف یادگیری الکترونیک یا به‌عرصه می‌گذارند که در این کتاب به تعدادی از آن‌ها اشاره شده است.

کتاب روش‌های تدریس با ۳۱۸ صفحه همراه منابع و بخش واژه‌نامه می‌تواند راهنمای مناسبی در رسیدن به پاسخ سؤالات شما در زمینه‌ی روش‌های تدریس باشد.



مشق‌های دوره از مقایسه

رویکرد یادگیری بدون رقابت

دکتر لیلا سلیقه‌دار

خوبی ندارم.»

خاطره‌ی یاد شده به نقل از آقای دکتر مجدفر، در بازدید از یک دبستان، به تجربه‌ای اشاره می‌کند که شاید همه‌ی ما نمونه‌های مشابهی از آن را در دبستان‌ها دیده یا شنیده‌ایم. این نوع فعالیت‌ها از توجه برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های مدرسه به ایجاد انگیزه‌ی تلاش بیشتر در دانش‌آموزان برخاسته است. غافل از اینکه این نگاه و فعالیت‌های مشابه، به دانش‌اندک یا مغایر با مبانی تربیتی و آموزشی مربوط می‌شود که در آن ایجاد رقابت بین فردی در افراد، به‌ویژه کودکان را در مسیر یادگیری، نامناسب و حاوی ارزش‌هایی می‌داند که به قیمت از میان بردن ارزش‌های والاتر اخلاقی و انسانی تمام می‌شوند.

رقابت، بودن یا نبودن؟

گور ویدال در کتاب «فرهنگ گفته‌های طنزآمیز» می‌گوید: «در رقابت، پیروز شدن شما کافی نیست، شکست دیگران هم لازم است.» اشاره‌ی این نویسنده به موضوع رقابت، زوایای آسیب‌رسان رقابت بین فردی را به روشنی نشان می‌دهد. هنگامی که کودکی با کودک یا افراد دیگر مقایسه می‌شود، خاص بودن وی به‌عنوان مخلوق منحصر به فرد خداوند زیر سؤال می‌رود. این در حالی است که هر دانش‌آموز کوله‌ی شخصی خود را بر دوش دارد و با آهنگ یادگیری خود رشد و حرکت می‌کند. او به واسطه‌ی شخصیت، انگیزش، دانش و نیاز و رفتارش، منحصر به فرد است. به همین سبب، مقایسه‌ی بین هر فرد با دیگری، جز بطلان مبانی تربیت و آموزش، مبنای دیگری ندارد. بر همین اساس است که **دکتر سیف** در کتاب «روان‌شناسی پرورشی نوین» توصیه می‌کند که نسبت به اختلاف‌های

اشاره

در برنامه‌ی درسی ملی، در بخش اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، اشاره شده است که برنامه‌ی درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه‌ی دانش‌آموز در فرایند یاددهی یادگیری و تربیت‌پذیری توجه کند و زمینه‌ی تقویت و توسعه‌ی روحیه‌ی پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد. بر این اساس، پرسش مهمی ایجاد می‌شود که فعالیت‌های عادی شده‌ای مانند ایجاد رقابت بین دانش‌آموزان که به‌صورت ماهیتی با اصل یاد شده مغایرت دارد، چه نقش و جایگاهی خواهد داشت. نوشته‌ی پیش‌رو به تبیین این مهم اختصاص دارد.

وارد دبستانی شدم که دیواری از آن به نقاشی زیبایی از امواج دریا اختصاص داشت. موج‌ها بالا و پایین می‌رفتند و به‌جای ماهی‌ها و موجودات دریایی، عکس کودکان در لابه‌لای آن‌ها دیده می‌شد. تصویر آن‌قدر بزرگ و زیبا طراحی شده بود که ضمن جلب توجه، پرسش از عکس بچه‌ها و چرایی تفاوت چسباندن عکس‌ها در جاهای مختلف آن را ناخودآگاه به همراه داشت. مدیر مدرسه این تابلو را نشانه‌ای از رقابت بین دانش‌آموزان و انگیزه‌مند کردن آن‌ها برای پیشرفت بیشترشان معرفی کرد و گفت، دانش‌آموزانی که عکس آن‌ها در بخش‌های پایین‌تر موج است، یعنی رشد خوبی نداشته‌اند و آن‌هایی که در بالای موج قرار دارند، یعنی پیشرفت خوبی داشته‌اند. این موضوع تعجب‌برانگیز بود، به‌ویژه زمانی که خودم را جای یکی از آن دانش‌آموزانی گذاشتم که عکسش در پایین موج‌ها قرار داشت و مدام به خودش گوشزد و به دیگران اعلام می‌کرد: «من پیشرفت



انجام فعالیت‌ها رویکرد مبتنی بر محوریت خود را برمی‌گزیند، در برابر کلاسی با رویکرد یادگیرنده محور، شرایط دشواری برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان خواهد داشت. بر این اساس، تمام شیوه‌هایی که در آن‌ها دانش‌آموزان محور یادگیری هستند و فعالیت‌های مورد انتظار آنان، برای دستیابی به مقاصد آموزشی متنوع، عمیق و محوری است. در این صورت، انگیزه‌های قوی‌تری برای دنبال کردن جریان یادگیری وجود دارد و نیازی به ایجاد رقابت و مقایسه‌ی افراد با یکدیگر نیست. **زری بدرلو** آموزگار پایه‌ی ششم، در مجموعه‌ای با نام «در کلاس من» تجربه‌ی تدریس خود درباره‌ی جایگزین‌هایی برای رقابت را شرح می‌دهد:

در کلاس من

قبل از تدریس، اهداف را برای دانش‌آموزان تشریح می‌کنم. اینکه چه چیزهایی قرار است یاد بگیرند و چه مسائلی را بایستی بتوانند حل کنند. این کار موجب می‌شود تا هر دانش‌آموز به نقطه‌ی آغاز خود و در نهایت به میزان دریافت خود از مسئله توجه بیشتری داشته باشد.

برای ایجاد ارتباط بین درس جدید با آموخته‌های قبلی دانش‌آموزانم، تلاش می‌کنم سؤالاتی را طراحی کنم که امکان پاسخگویی به آن‌ها و یادآوری مطالب گذشته برای همگی وجود داشته باشد. همچنین، با پرسش مثال‌های بیشتر در خصوص مفهوم درس جدید از دانش‌آموزان، آن‌ها را برای تفکر بیشتر و تکیه بر قوای ذهنی خود ترغیب می‌کنم.

چالش‌های آغازین کلاس درس

از جمله مهم‌ترین بخش‌های هر فرایند یاددهی یادگیری، آغاز درس و چگونگی فعالیت‌های مربوط به آن است. هر اندازه این فعالیت‌ها چالش‌برانگیز و جذاب باشند و در ارتباط با محتوای آموزشی ابهام معنادار و مؤثری داشته باشند، به همان اندازه دانش‌آموزان قوای بیشتری را برای دریافت و پردازش محتوای آن به‌کار می‌گیرند. از طرف دیگر، این بخش از فرایند یاددهی یادگیری تأثیر بسزایی در جلب و جذب و توجه دانش‌آموزان

فردی یادگیرندگان با احترام برخورد کنید. در یادگیری هرگز دانش‌آموزان را به رقابت وادار نکنید و از یکسان بار آوردن آن‌ها بپرهیزید. بدیهی است، هنگامی که با مقایسه مخالف هستیم و آن را موجب ایجاد اختلالات شخصیتی و آسیب‌های روانی و اجتماعی می‌دانیم، در فعالیت‌های خود برای رقابت جایگاهی در نظر نمی‌گیریم. زیرا در رقابت، اگر در حالتی خوش‌بینانه، جنبه‌ای از ارزش‌های فردی تقویت شود، از سایر جنبه‌های او غفلت می‌شود و شکست‌خوردگان نیز به مرور ناتوانی خود را باور می‌کنند.

منظور ما از رقابت

لازم به توضیح است که محدوده‌ی رقابت در این نوشته و مطابق با مبانی خاص تعلیم و تربیت، به مقایسه‌ی بین افراد و در حوزه‌ی یادگیری آن‌ها مربوط می‌شود. به همین سبب، مسابقات گروهی و فعالیت‌های مشارکت گروهی و همکاری بین افراد، مورد نظر در نقد رقابت این نوشته نیست.

امروزه در مدارس، همکاری و مشارکت به‌عنوان هدف و نیز راهی برای شکوفایی وجودی دانش‌آموزان شناخته و بر آن تأکید می‌شود. در این معنا، هنگامی که افراد یا گروه‌هایی برای رسیدن به هدف معینی ترغیب و ناچار به همراهی و همکاری با یکدیگر می‌شوند، ضمن به‌کارگیری تلاش و همت خود، ناگزیر به یاری رساندن نیز هستند. از این‌رو، آثار منفی ناشی از رقابت که غالباً در بعد عاطفی بیشتر دیده می‌شود، در این حالت از میان خواهد رفت.

جایگزین رقابت

با توجه به موارد یاد شده، به نظر می‌رسد باید برای ایجاد محیطی که کودک در فرایند یاددهی یادگیری و تربیت‌پذیری نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه داشته باشد، به دنبال جایگزین‌هایی برای رقابت باشیم؛ جایگزین‌هایی که انگیزش دانش‌آموزان را پرورش می‌دهند، اما بهای این انگیزه‌مندی لگدکوب کردن برخی از ارزش‌های اخلاقی و انسانی آن‌ها یا ایجاد احساس کاذب و دور از اندیشه‌شان نیست. در زمان حاضر، فعالیت‌هایی که در ماهیت و ذات خود نمایانگر مقایسه‌ی بین دانش‌آموزان هستند و هر فرد را در برابر فرد دیگر قرار می‌دهند یا تلاش می‌کنند همه‌ی آن‌ها را در یک قالب بگنجانند، با رقابت نسبت دارند. به همین دلیل، مطروندن و نشانه‌ی ناآشنایی معلم با سایر ابزارها و مهارت‌های ممکن برای انگیزه‌مندی دانش‌آموزان در مسیر یادگیری هستند. برای رسیدن به این مقصود، راه‌های گوناگونی وجود دارند که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره شده است.

شیوه‌ی یاددهی یادگیری

یکی از تصمیم‌ها و جهت‌گیری‌های مهم و بایسته‌ی آموزگاران در کلاس درس، تعیین شیوه‌ی یاددهی یادگیری آنان است. در این مسیر، جایگاه دانش‌آموز و نحوه‌ی درگیر کردن او با جریان یادگیری معین می‌شود و به همین سبب، هنگامی که معلم در

بیشتر تضمین شود، درباره‌ی شیوه‌های مطالعه با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنم و از آن‌ها می‌خواهم به شیوه‌ی مطالعه‌ی خود توجه کنند و در صورت دریافت نکردن نتیجه‌ی مطلوب، آن را تغییر دهند. همچنین، شیوه‌های گوناگون مطالعه را به آن‌ها آموزش می‌دهم. برای مثال، از روش پس‌ختمام^۲ استفاده می‌کنم که در اغلب درس‌ها قابلیت کاربرد دارد و برای دانش‌آموزان مفید است.

فعالیت‌های کلاسی

همواره بخشی از ساعت آموزش و یادگیری به انجام فعالیت‌ها و تمرین‌هایی توسط دانش‌آموزان در کلاس اختصاص دارد که می‌تواند به ایجاد لذت از یادگیری منجر شود. این فعالیت‌ها درخصوص ویژگی افزایش انگیزش در دانش‌آموزان با تکالیف، مشابَهت فراوانی دارند. از دیگر شرایط می‌توان به گروهی کار کردن و ایجاد زمینه‌ی همیاری و همکاری بین دانش‌آموزان نیز اشاره کرد.

در کلاس من

کار کردن دانش‌آموزان در گروه و در کنار یکدیگر به‌طور فزاینده‌ای به بهبود شرایط یادگیری هر یک از آنان و نیز ایجاد انگیزه برای حرکت و تلاش بیشتر می‌انجامد. برای این منظور، دانش‌آموزانم را با نظارت و البته با دادن آزادی در انتخاب اعضا، در گروه‌هایی قرار می‌دهم تا برخی از فعالیت‌های کلاسی درون گروه انجام شود.

از آن جمله، خواندن اشعار کتاب و آهنگین کردن آن با کمک اعضای هر یک از گروه‌هاست. همچنین، گاهی زمان کلاس را به انجام کارهای گروهی مانند تهیه‌ی روزنامه‌دیواری یا انجام پروژه‌ی گروهی اختصاص می‌دهم تا در این فرصت، ضمن هم‌افزایی دانش‌آموزان، جذابیت یادگیری و بهره‌گیری از توان تک‌تک آنان افزایش یابد.

بدیهی است، برای ایجاد فضایی جذاب و انرژی‌بخش در کلاس، جز تکیه بر حرفه‌مندی آموزگار و عنایت ویژه به توانمندی‌های منحصربه‌فرد هر یک از دانش‌آموزان، نمی‌توان به دیگر مؤلفه‌ها اندیشید و نتیجه گرفت. قطعاً ایجاد رقابت بین‌فردی در کلاس درس و در طول فرایند یاددهی یادگیری می‌تواند نتیجه‌ی معکوس به همراه داشته باشد. اما جایگزین‌های چنین رقابتی نیز گسترده‌تر از نوشته‌ی یاد شده است. به همین سبب، از شما دعوت می‌شود در صورت تمایل به ارائه‌ی تجربیات خود در این زمینه، از طریق ارسال نوشته‌هایتان به دفتر مجله، اقدام کنید.

پی‌نوشت

۱. برگرفته از کتاب مدرسه‌ی بدون رقابت، نوشته‌ی ابراهیم اصلانی، تهران: دوران،

۱۳۹۱

۲. پس‌ختمام سرواژه‌ای از مراحل شش‌گانه‌ی مطالعه یعنی پیش‌خوانی، سؤال کردن، خواندن، تفکر، از حفظ کردن و مرور کردن است.



در طول مسیر یادگیری دارد و می‌تواند تضمین‌کننده‌ی تعمیق و ماندگاری باشد. به همین سبب، انگیزه‌ای قوی در یادگیرنده ایجاد خواهد کرد.

در کلاس من

گاهی برای داشتن شروع خوب یک روز تحصیلی، به تلفیق برنامه‌ی صبحانه با محتوای درسی جدید روی می‌آورم. در این حالت، ساعتی از شروع روز را به خوردن صبحانه در کنار یکدیگر اختصاص می‌دهیم و با توجه به مقصود آموزشی مورد نظر، از دانش‌آموزان می‌خواهم برای مثال نان را به شکل دوزنقه برش دهند یا با موادی که در اختیار دارند، مخلوط یا محلول درست کنند. آغازهایی از این دست، به ایجاد انرژی مضاعف در ادامه‌ی راه و جذابیت کلاس درس کمک شایانی می‌کند.

تکالیف

تکالیف با هر منظور و به هر نوع که در اختیار دانش‌آموزان قرار داده شود، می‌تواند تعیین‌کننده‌ی افزایش یا کاهش انگیزه‌ی آنان برای یادگیری باشد. با این نگاه، تکالیفی با شرایط زیر، از جمله افزایش‌های انگیزش دانش‌آموزان برای یادگیری هستند:

- تکالیف خلاقانه و بدون شکل و آهنگی تکراری.
- تکالیفی، متنوع است که به شکل‌های گوناگون قابلیت انجام و ارائه داشته باشد.
- تکالیفی متنوع است که دانش‌آموز بتواند از بین آن‌ها مواردی را برای انجام دادن انتخاب کند.
- تکالیف در حد توانایی دانش‌آموز.
- تکالیف متناسب و مرتبط با علاقه‌ها و سلیقه‌های گروه سنی مخاطب.

در کلاس من

برای اینکه در مطالعه‌ی خارج از کلاس نیز موفقیت دانش‌آموزان

همه چیز در سه گام

مهتری آقایی
تیران، اصفهان



اشاره

ما آموزگاران همیشه دنبال راه‌هایی هستیم تا بتوانیم دانش آموزان را به نحوی شایسته با زندگی آشنا کنیم. گفتم زندگی، چون این همه تلاش باید در زندگی رخ نشان دهد. زنگ تفریح هم جزئی از همین تمرین زندگی است. من آنچه را به ذهنم رسید، برای شما می‌گویم. برای مادران هم یک برنامه دارم.

۲

گامی با مطالعه در دبستان

حال که در آبان‌ماه و هفته‌ی بزرگداشت کتاب هستیم، می‌خواهم از تجربه‌ای اجرا شده در این زمینه بگویم. روزهای سه‌شنبه درس «بخوانیم» داشتیم. دانش‌آموزان رأس ساعت ۹ صبح کتاب‌های خود را برمی‌داشتند و به ایستگاه مطالعه در حیاط مدرسه می‌رفتند. آن‌ها حدود ۲۰ دقیقه مطالعه می‌کردند. زمان پایان مطالعه با اشاره‌ی دست آموزگار اعلام می‌شد. بعد از آن، دانش‌آموزان سعی می‌کردند در حدود ده دقیقه، به صورت داوطلب، جملات برتری را که از کتاب‌ها آموخته بودند، به دیگران بگویند. در پایان سال این دو جمله بیش از همه میان بچه‌ها نمود یافته بود:

- کتاب غذای روح انسان است (حضرت علی(ع)).
- خوشبخت کسی است که به یکی از این دو چیز دسترسی داشته باشد؛ کتاب‌های خوب یا دوستانی که اهل کتاب باشند.

۱

گامی بازنگ تفریح دانش‌آموزان

می‌توان در حیاط مدرسه با استفاده از وسایل کم‌هزینه ایستگاه‌هایی برپا کرد؛ متناسب با گروه سنی دانش‌آموزان، علاقه‌های هر پایه و سطح درک آن‌ها، ایستگاه «ضرب‌المثل‌های ناقصی» که دانش‌آموزان باید آن‌ها را کامل کنند. ایستگاه «انجام حرکات ورزشی» مانند پرش و ایستادن تعادلی. ایستگاه «لطیفه و چیستان و لبخند» که در سبدهای مخصوص، چیستان‌ها و لطیفه‌هایی می‌گذاریم و دانش‌آموزان با برداشتن کاغذ مربوط به هر چیستان یا لبخند، آن را برای دوستان خود تعریف می‌کنند. ایستگاه بازی‌های رایانه‌ای که دانش‌آموزان می‌توانند در آن به یک یا دو بازی بپردازند. ایستگاه طرح مسائل هوشی که در سبدهای مخصوص سؤال‌های هوش قرار می‌گیرند و دانش‌آموزان با تفکر خود به سؤال‌ها جواب می‌دهند و هفته‌ی بعد می‌توانند جواب‌ها را در سبدهای مخصوص پیدا کنند.

و البته این فعالیت‌ها، اختیاری‌اند و در فضایی کاملاً شاد اتفاق می‌افتند.

۳

ترغیب مادران به مطالعه

هر سه ماه یک‌بار این طرح را در مدرسه اجرا می‌کنم. کتابی به مادران معرفی می‌کنیم و برای تهیه‌ی آسان‌تر آن، خودمان چند جلد از آن را به آن‌ها امانت می‌دهیم. مثلاً کتابی در مورد راه‌های برخورد با بچه‌ها. بعد در زمان مخصوصی که از قبل اعلام کرده‌ایم، امتحان ساده‌ای از کتاب می‌گیریم. در واقع مسابقه‌ی کتاب‌خوانی برای مادران. به مادرائی که امتیاز بالاتری کسب کنند، به رسم یادبود، هدایایی (کتابی در زمینه‌ی روان‌شناسی) می‌دهیم. به این شکل، والدین نیز به مطالعه علاقه‌مند می‌شوند.

نوشتن با شاخک‌های آن چنانی!

پیشنهادی برای لذت بخش کردن نوشتن

ناصر نادری

۲ قالب‌های نوشتاری را بیاموزیم

هر نوشته از قالب «نامه»، که ساده‌ترین قالب است، تا قالب «رُمان» که پیچیده‌ترین شکل تبلور یافته‌ی ادبی است، قالبی دارد. قالب‌های نوشتاری منشور عبارت‌اند از: نامه، مقاله (ساده یا پژوهشی)، داستان، گزارش، زندگی‌نامه، (شرح حال)، سفرنامه، فیلم‌نامه، نمایش‌نامه، گفت‌وگو (مصاحبه)، میزگرد، نقد و ...

این قالب‌های نوشتاری را در قلمروهای موضوعی متعدد (فلسفی، عرفانی، تفسیری، اعتقادی، اجتماعی، ورزشی، هنری، فرهنگی، تاریخی و...)، با مخاطبان متفاوت (خردسال، کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال، عامه، متخصصان و...)، با سبک‌های متنوع (جدی، طنز، احساساتی، کمدی و درام) تصور کنید. هر قالب نوشتاری ویژگی‌ها، قواعد، اصول و روش (تکنیک) خاص خود را دارد و به تناسب هر نوشته برای هر موضوع، مخاطب و سبک، باید بهره‌ای از عناصر علم (پژوهش)، مهارت و تجربه، قریحه و ذوق، استعداد، خیال و... داشته باشیم.

۳ شکیبایا باشیم

هیچ کس بدون رنج بردن و داشتن شکیبایی و پایمردی (عرق‌ریزان روح) نویسنده نمی‌شود. سهل‌انگاری، شتابزدگی و کم‌کاری در وجود نویسنده نباید باشد. وقتی اثری خلق می‌شود، تازه ابتدای راه است. نویسنده باید بارها به اصلاح، بازپروری و ویرایش ساختاری، علمی، فنی و زبانی اثرش بپردازد.



آیا می‌دانید؟

شاید باور کردنی نباشد! همین‌گویی، رمان «پیرمرد و دریا» را دویست بار بازنویسی کرده است!

اشاره

شاید برایتان پیش آمده باشد که حادثه‌ای را از نزدیک دیده و به راحتی برای اطرافیان تعریف کرده باشید، اما وقتی خواسته‌اید آن را بنویسید، احساس سختی داشته‌اید! به راستی چرا چنین است؟ مگر نوشتن از گفتن سخت‌تر است؟

نوشتن و گفتن را با هم مقایسه کنید. وقتی با دیگران حرف می‌زنید، آن‌ها را می‌بینید و خیالتان راحت است از اینکه متوجه می‌شوند چه می‌گویید، ولی وقتی چیزی را می‌نویسید، مخاطب را نمی‌بینید و از میزان درک منظورتان از طرف او خبر ندارید. اگر حرف‌هایتان ابهام داشته باشد، مخاطبانانتان حاضرند و می‌پرسند. اما در نوشتن، باید زبان و نثرتان نظم و ترتیب داشته باشد، واژه‌ها و کلمه‌ها و جمله‌ها زیبا و گیرا باشند و اگر ادعایی می‌کنید، باید دلیل و برهان بیاورید. همه‌ی این‌ها هستند که کار را سخت می‌کنند!

اما به نظر من، نویسندگی مانند یاد گرفتن فنون رانندگی یا شنا کردن است. در گام‌های نخست کمی هولناک نشان می‌دهد، ولی به مرور، به تجربه‌ای شیرین و دوست‌داشتنی تبدیل می‌شود.

۱ بخوانیم

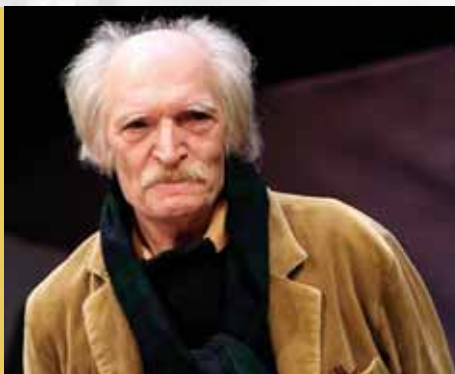
از مؤثرترین راه‌های کسب مهارت نوشتن، خواندن است. خواندن یک متن، علاوه بر انتقال محتوا و مفهوم به خواننده، ناخودآگاه و آگاهانه، شیوه‌ی نوشتن و سبک نویسنده را به مخاطب انتقال می‌دهد. غالباً افرادی که بیشتر مطالعه می‌کنند، بهتر می‌نویسند. البته این قابلیت به‌مرور حاصل می‌شود.

جای تردید نیست که از رهگذر خواندن آثار قوی ملل، با گنجینه‌های دانش و فرهنگ و هنر جوامع آشنا می‌شویم و راه‌های انتقال مناسب آن‌ها را می‌آموزیم.

یک تجربه‌ی عاشقانه در نوشتن

محمود دولت‌آبادی، نویسنده‌ی معاصر:

من واقعاً قبل از اینکه نویسنده بشوم، یک انسان شیفته بودم. از کودکی به آدم خیلی توجه داشتم. آدم‌ها برای من جالب بودند. نحوه‌شان، قواره‌شان، منششان و سخن گفتنشان. حتی من در کودکی و نوجوانی لحن بعضی از اشخاص را تقلید می‌کردم؛ چون خیلی به لحن، زبان و نحوه‌ی سخن گفتن آدم‌ها توجه داشتم.



۴ به نوشتن عادت کنیم

اگر بخواهیم نویسنده‌ی حرفه‌ای باشیم، باید نوشتن را با تمرین و تکرار هر روز، به شکل عادت درآوریم؛ درست مثل مسواک زدن و غذا خوردن باید جزو عادت‌های زندگی مان شود.

۵ عاشق نوشتن شویم!

علاقه به نوشتن عامل اصلی و مقدم است. استعداد و موهبت‌های خدادادی مهم است، ولی از آن مؤثرتر، داشتن انگیزه و اراده‌ی قوی است. نویسنده باید علاقه و انگیزه‌ی آرمان‌گرا داشته باشد و چونان کوهنوردی حرفه‌ای، برای رسیدن به قله‌های کمال، به‌طور اصولی برنامه‌ریزی کند. در نوشتن باید عاشق بود.

۶ ذخیره‌ی کلامی ذهنی‌مان را بارور کنیم

نوشتن یعنی روی کاغذ آوردن ذخیره‌ی کلامی ذهنی. بنابراین، باید این ذخیره را روز به روز بارور کنید و راه آن، مطالعه و مطالعه و مطالعه است. قطعاً هیچ نویسنده‌ای - حتی خلاق‌ترین و باهوش‌ترین نویسنده - با اتکالی صرف به تجربه‌های درونی و شهودی خود، به قله‌ی پرشکوه نوشتن نمی‌رسد. برای هر نویسنده، دانستن یافته‌های علم روان‌شناسی، علم جامعه‌شناسی، دین‌شناسی، فلسفه و... بسیار مفید خواهد بود.

۷ شاخک‌های حسی خود را قوی کنیم

محیط اطراف ما مملو از شگفتی‌هاست. هر انسانی نسخه‌ای بی‌پدیل در آفرینش است و هر پدیده‌ای در جهان آکنده از لایه‌های عمیق برای کاوش و جست‌وجوست. به‌ویژه در دنیای پررنگ مدارس، معلمان هر روز به تجربه، حس و دیدگاه تازه‌ای دست می‌یابند.

نویسنده‌ی موفق باید شاخک‌های حسی خود را نسبت به محرک‌های محیطی قوی کند. گفت‌وگو با مردم، حضور در دامن طبیعت، استفاده از کتابخانه‌های غنی و مرور سایت‌های مفید و جالب، در غنی ساختن درک مردم‌شناسانه، گسترش ذهنی و باروری تخیلات نویسنده بسیار اثربخش‌اند.

۸ از فضای وب استفاده کنیم

اگر فضای وب به نحو صحیح مدیریت شود، به فرصتی برای آموختن تبدیل خواهد شد. استفاده از تجربه‌ها و اندیشه‌های دیگران، گفت‌وگو و ارتباط دوسویه یا چندسویه با نویسندگان داخلی و خارجی و... پنجره‌هایی به خلق فرصت‌های نو و اثربخش‌اند.

۹ در جلسه‌های نقد و کارگاه‌های نویسندگی حاضر شویم

حضور در جلسه‌های نقد، سخنرانی‌های علمی و ادبی و به‌ویژه کارگاه‌های نوشتن، باعث تقویت انگیزه و نیل به موفقیت در نوشتن می‌شود. به‌ویژه نویسنده باید با راز و رمزهای زبان شیرین فارسی آشنا باشد.

۱۰ مخاطب را بشناسیم

نویسنده باید در آغاز نوشتن به یاد داشته باشد که اثرش را برای کدام خواننده‌ی احتمالی می‌نویسد. با تصور مخاطب و میزان دانش، ذوق و حوصله‌ی او، چارچوب (ساختار)، حجم و بافت زبانی اثر، واقع‌بینانه‌تر طراحی می‌شود. نویسنده باید از خود بپرسد: آیا مخاطب به این موضوع علاقه‌مند است؟ چه میزان به موضوع آگاهی دارد؟ و...

نوشتن چیز دیگری است

زنده‌یاد امیرحسین فردی، نویسنده‌ی معاصر:

موقع نوشتن حواسمان بیشتر جمع است. هنگام حرف زدن، حرف در هوا سرگردان می‌شود، اما نوشته همیشه جلوی چشمانمان است. واژه وقتی به‌صورت صوت از میان لب‌هایمان خارج می‌شود، دیگر مال خودمان نیست، دیگر اختیارش را نداریم. بد یا خوب، زشت یا زیبا، به هر شکل که باشد، از دهانمان درمی‌آید و دیگر نمی‌توانیم آن را برگردانیم و اگر لازم بود اصلاحش بکنیم... اما نوشتن چیز دیگری است. با حرف زدن خیلی فرق می‌کند. نوشتن، پختن کلمه‌های خام و رام کردن واژگان وحشی است.



از خوردن و خوابیدن تا مدیریت کلاس درس!

مرتضی مجدفر
کارشناس آموزشی

چه تصویر زیبا و پرمفهومی! دانش آموزی در کلاس درس، در خواب ناز تقریباً صبح گاهی! آن طور که آموزگار محترمی که این تصویر را به دفتر مجله فرستاده، نوشته است، ماجرا به نخستین روزهای آغاز سال تحصیلی مربوط است؛ روزهایی که غالباً آموزگاران درصدد تبیین مقررات و قواعد کلاس درس خود برای دانش آموزانشان برمی آیند و می کوشند همان ابتدای سال، به قول معروف سنگ‌هایشان را برای فراگیرندگان «وا بکنند».

در ادبیات علوم تربیتی، این سلسله مقررات را که آموزگاران و غالباً با نظرخواهی از دانش آموزان و مشارکت آنان، برای اداره‌ی بهتر و کارآمدتر کلاس تدوین می‌کنند و به اجرا می‌گذارند، «اصول مدیریت کلاس درس» می‌نامند. به‌خاطر وجود تفاوت‌های فردی و فرهنگی در میان دانش آموزان مناطق گوناگون، آداب و رسوم و فولکلورهای متفاوت در مناطق گوناگون، و نیز تفاوت سن و پایه‌های تحصیلی دانش آموزان و همچنین تفاوت‌هایی که معلمان از لحاظ شخصیتی و ویژگی‌های رفتاری و تدریسی با یکدیگر دارند، به هیچ روی نمی‌توان اصول یکسانی را برای مدیریت کلاس درس ارائه داد. این اصول، از کلاسی به کلاس دیگر و حتی از منطقه‌ای به مدرسه و منطقه‌ای دیگر فرق می‌کند. با وجود شباهت‌های زیاد، هر آموزگاری باید اصول کلاس خود را به‌طور اختصاصی طراحی کند. در اصول مدیریت کلاس درس، هر معلم با دانش آموزان خود قرار می‌گذارد. برای مثال: من چگونه درس می‌دهم؟ چگونه تکلیف می‌دهم؟ چه زمانی می‌توانید پرسش کنید؟ آزمون‌های کلاسی ما و پژوهش دانش آموزی در کلاس ما چگونه پیش می‌رود؟ پدران و مادرانتان چگونه می‌توانند با من تماس بگیرند؟ (تماس

اشاره

یکی از آموزگاران خوش ذوق به نام زهرا علیخانی، از دبستان قدس علی آباد کتول، عکس زیر را فرستاده و عنوان کرده است که به یادماندنی است. ما هم تصمیم گرفتیم ضمن چاپ عکس، نظر یک کارشناس را هم به آن پیوست کنیم تا شما هم از آن استفاده کنید. کارها و حرف‌های خاص دانش آموزان خود را ثبت کنید و برای ما بفرستید.

خاطره‌ی خواب کلاسی

طبق معمول، بعد از زنگ تفریح، به کلاس رفتم. در روزهای اول سال باید خیلی چیزها را به دانش آموزان یاد داد. داشتیم به آن‌ها نگاه می‌کردم که یکباره جا خوردم. به سرعت به سمت نیمکت دوم رفتم و با کمال تعجب دیدم مهدیس در خوابی ناز است و طوری برای خودش روی نیمکت جا درست کرده که انگار روی تخت خوابیده است. سریع از او عکس گرفتم و بعد بیدارش کردم. از او پرسیدم چرا خوابیده‌ای؟ گفت، اجازه، صبح ساعت پنج بیدار شده‌ام و حالا خوابم می‌آید. جوابش باعث شد صدای خنده‌ی بچه‌ها کلاس را منفجر کند.





«صبحانه خوردن در این کلاس، بین ساعت ۷:۳۰ تا ۸، با سه شرط آزاد است: تنها می‌خورید و تعارف نمی‌کنید. خوراکی شما نباید ایجاد بو کند و آخر سر اینکه، از بسته‌بندی‌هایی که موقع باز شدن، سروصدا می‌کنند، استفاده نمی‌کنید!» با این تدبیر، قانون جدیدی در کلاس وضع شد که علاوه بر جلب محبوبیت برای من، موجب آسایش و راحتی دانشجویان هم شد. بی‌شک، اگر من این قانون را برای پسرچه‌های ششم یک مدرسه وضع کنم، آن‌ها مرا هم همراه با خوراکی‌های خود قورت می‌دهند. اینجاست که می‌گوییم، قوانین مدیریت کلاس درس، برای هر معلمی ویژه و مبتنی بر شرایط کلاس و دانش‌آموزان وی است.

اول زندگی خود در منزل دارند، هروقت اراده کنند، به سراغ یخچال می‌روند و آب و شاید هم تنقلات می‌خورند. وقتی این بچه‌ها دانش‌آموز می‌شوند و کلاس اول می‌آیند، آموزگار برایشان قانون می‌گذارد و می‌گوید: «آب خوردن، فقط در رنگ‌های تفریح!»

این قانون، برای کودک شش ساله‌ی تازه در دام افتاده، از هر عذایی دردناک‌تر است. آموزگاران خوش‌فکری را دیده‌ام که این معضل را به راحتی با تهیه‌ی قمقمه‌ی یک شکل برای همه‌ی دانش‌آموزان حل کرده‌اند. البته مدرسی که دستشان به دهانشان می‌رسد، می‌تواند دست به جیب شوند و با نصب یک آبخوری برقی ساده در گوشه‌ای از کلاس، مسئله را حل‌وفصل کنند. این همان اصل انعطاف‌پذیری و تغییر در قوانین و مقررات کلاس به نفع دانش‌آموزان است.

و اما ماجرای من و صبحانه‌خورهای محترم کلاس! کلاسی داشتم که به جهت سه واحدی بودنش، صبح و قبل از آغاز به کار سایر کلاس‌ها تشکیل می‌شد. دانشگاه از مرکز شهر بسیار دور بود و دانشجویان تهرانی و خوابگاهی، برای رسیدن به موقع به کلاس، که البته جزو قوانین جدی مدیریت کلاس درس من بود، باید صبح بسیار زود بیدار می‌شدند. این بیدارباش صبحگاهی، به اغلب آن‌ها اجازه نمی‌داد صبحانه بخورند. دو جلسه‌ی نگذشته بود که موقع تدریس، به‌ویژه هنگامی که پس از نوشتن چیزی روی تخته، به طرف آن‌ها برمی‌گشتم، می‌دیدم که غالباً دهانشان تکان می‌خورد یا لقمه‌ای گونه‌هایشان را برآمده کرده است. دو راه داشتم: «دستور به نخوردن و یا بی‌خیالی.» اگر می‌گفتم چیزی نخورید، احتمالاً مرا معلم ستمگری فرض می‌کردند و اگر بی‌خیالی می‌شدم، پشت سرم می‌گفتند از اول تا آخر زنگ خوردیم، حالی‌اش نشد.

قانون جدیدی برای کلاس وضع کردم:

حضور، تلفنی، از طریق وبلاگ یا...، شرایط تأخیر و غیبت چگونه است؟ مسائل تربیتی و اخلاقی در کلاس ما چگونه رعایت می‌شود؟ و ده‌ها نکته‌ی دیگر.

می‌گویند هر اندازه ما در پایه‌های پایین‌تر تدریس کنیم، تعداد قوانین کلاس درسمان باید بسیار کمتر و انعطاف‌پذیرتر (اغلب به نفع دانش‌آموزان) باشد. در حالی‌که قوانین برای دانش‌آموزان کلاسی که در شرف آمادگی برای خروج از دوره‌ی متوسطه هستند، شاید اندکی پیچیده‌تر و حتی پرتعدادتر باشد.

برخی معلمان، قوانین کلاسی خود را در برهه‌های خوش‌خطی می‌نویسند و در مکان مناسبی در کلاس نصب می‌کنند. این نوشته می‌تواند با چاشنی طنز و کاریکاتور، تلخی قوانین موضوعه را کاهش دهد.

حال می‌رسیم به خواب مهدیس خانم و صبحانه خوردن دانشجویان من در کلاس درس که ماجرای آن را برایتان تعریف خواهم کرد؛ یعنی این طرف و آن طرف طیف یادگیرندگان؛ دانش‌آموزان ابتدایی و دانشجویانی در شرف اتمام تحصیل دوره‌ی کارشناسی. آیا این خانم آموزگار، در قوانین کلاسی خود نکته‌های درباره‌ی ممنوعیت خوابیدن در کلاس درس به دانش‌آموزانش گفته بود؟ اصلاً مگر تفاوت‌های فردی و انعطاف‌پذیر بودن و سادگی قوانین کلاسی، به‌ویژه برای دانش‌آموزان کلاس‌های پایین، را مطرح نکردیم! خب، چه اشکالی دارد که این دانش‌آموز در کلاس بخوابد تا تجدیدقوا کند! حتماً شما هم در شبکه‌های مجازی، تصویر دانش‌آموزان چینی دوره‌ی ابتدایی را دیده‌اید که وقت خواب اجباری ظهرگاهی دارند و همه، در مدت معینی از روز، مجبورند حدود ۲۰ دقیقه را در کلاس بخوابند. با این تصمیم که چینی‌ها به آن «ووچیاهو» می‌گویند کاری نداریم، منظورمان ایجاد انعطاف در قوانین کلاسی توسط معلمان است. شیوه‌ای که در اداره‌ی کلاس همین همکار محترم هم دیده می‌شود. او بدون توپ و تشر، و با درک شرایط دانش‌آموز، حتی از خوابیدن او هم برای ایجاد لحظات فرح‌بخش در کلاس درس استفاده کرده است. سختم را با توضیحی درباره‌ی آب خوردن افراطی پایه اولی‌ها و صبحانه خوردن دانشجویانم، که چند سطر پیش به آن اشاره کردم، خاتمه می‌دهم.

بچه‌ها به‌خاطر آزادی عملی که در شش سال

برای مطالعه‌ی بیشتر

در زمینه‌ی مدیریت کلاس درس، این منابع خواندنی هستند:

● الفبای مدیریت کلاس

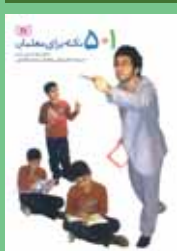
درس. روبرت تاینر. ترجمه‌ی محمدرضا سرکارآرانی. انتشارات مدرسه.

● ۵۵ اصل برای کلاس‌داری

موفق. رن کلارک. ترجمه‌ی فرشته‌محبیب. انتشارات پیشگامان پژوهش‌مدار.

● ۵۰۱ نکته برای معلمان.

رابرت رمزی. ترجمه‌ی مرتضی‌مجددفر و وحید رضا نعیمی. انتشارات قدیانی.





فقر حرکتی از حیاط مدرسه اخراج می شود

حسین شایان مقدم

لزوم اجرای کیفی در کانون های ورزشی

برابر ناملایمات و افزایش طول عمر و کاهش بیماری های پی در پی منجر خواهد شد و برعکس، داشتن عادت های ناسالم دوران کودکی و نوجوانی، همچون بی تحرکی، معمولاً تا بزرگسالی نیز ادامه می یابد.

دانش آموز و نیاز به کانون ورزشی

دانش آموزان بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می دهند که با توجه به شرایط سنی، تحرک و ورزش از نیازهای اساسی آنها محسوب می شود. با توجه به پایین بودن سرانه های فضاها و اماکن ورزشی در سطح کشور و از طرف دیگر وجود ویژگی های خاص در مدارس، از قبیل امنیت محیط مدرسه، وجود مربیان متعهد و دلسوز و تحصیل کرده، نزدیکی مدرسه به محل زندگی دانش آموزان، والدین و فرزندان آنها با آسایش خاطر و رغبت بیشتری مشارکت در فعالیت های ورزشی مدارس را انتخاب می کنند. البته زنگ ورزش مدارس، به دلیل محدودیت زمان درس تربیت بدنی، تعداد جلسات ناکافی و نیز تعداد زیاد دانش آموزان، پاسخگوی نیازهای حرکتی و علاقه های دانش آموزان نیست، در حالی که با توجه به محدودیت های موجود در برنامه ریزی درسی و بودجه ای دولتی نبود امکان افزایش ساعات درس تربیت بدنی مدارس، تشکیل کلاس های

اشاره

زندگی سالم و پرنشاط مستلزم داشتن تحرک و انجام فعالیت های ورزشی است. آثار مطلوب فعالیت های ورزشی بر دستگاه های بدن و شادابی و نشاط روحی حاصل از آن مورد تأیید همه متخصصان است. ورزش و حرکات منظم بدنی، علاوه بر سلامت جسم، بر سلامت روحی، روانی و اجتماعی فرد اثرات مثبتی دارد و در سازگاری اجتماعی فرد و شخصیت او تأثیر بسزایی می گذارد. همچنین، ورزش در درمان افسردگی و نیز بهبود حافظه تأثیر مثبتی دارد. ورزش برای جوانان تکیه گاهی امن به حساب می آید تا در پناه آن به نهایت رشد و کمال انسانی دست یابند. این در حالی است که امروزه فقر حرکتی و بی تحرکی از عمده ترین مشکلات بسیاری از جوامع، از جمله کشور ماست. بی تحرکی علت عمده بسیاری از بیماری های روحی و جسمی است. به طوری که سازمان بهداشت جهانی هشدار داده است که سالانه در جهان بیش از دو میلیون مرگ، تنها به دلیل فقر حرکتی، اتفاق می افتد. براساس آخرین یافته های علمی، بی تحرکی در زندگی یکی از ۱۰ علت اصلی مرگ و میر در جهان است. تحقیقات دانشمندان نشان می دهد، الگو و عادت های بدنی سالم در دوران کودکی و نوجوانی، پس از بلوغ و رشد نیز همچنان در طول زندگی فرد باقی خواهد ماند و در نهایت به سلامت فرد در



استقبال از برنامه‌های آتی را با مشکل مواجه می‌سازد. امروزه با افزایش آگاهی و بینش جامعه، سطح توقعات خانواده‌ها و حتی دانش‌آموزان از برنامه‌ها، به‌خصوص برنامه‌های ورزشی، بالا رفته و حساسیت خانواده‌ها و دانش‌آموزان بر کیفیت کلاس‌ها متمرکز شده است. آنان تمایل به صرف هزینه‌ی مالی و زمانی و حضور در برنامه‌های با کیفیت پایین را ندارند. امروزه اولیا برای برنامه‌های با کیفیت ارزش زیادی قائل‌اند و حاضرند هزینه‌های آن را نیز به خوبی بپردازند و با اینکه در فایده‌های مثبت کانون‌های ورزشی و فعالیت‌های تکمیلی و ضرورت آن‌ها تردیدی وجود ندارد، اما استقبال خانواده‌ها و دانش‌آموزان و پویایی کانون‌ها به کیفیت نحوه‌ی اجرای آن‌ها وابسته است.

نکات مهم در اجرای فعالیت‌های کانون‌های ورزشی

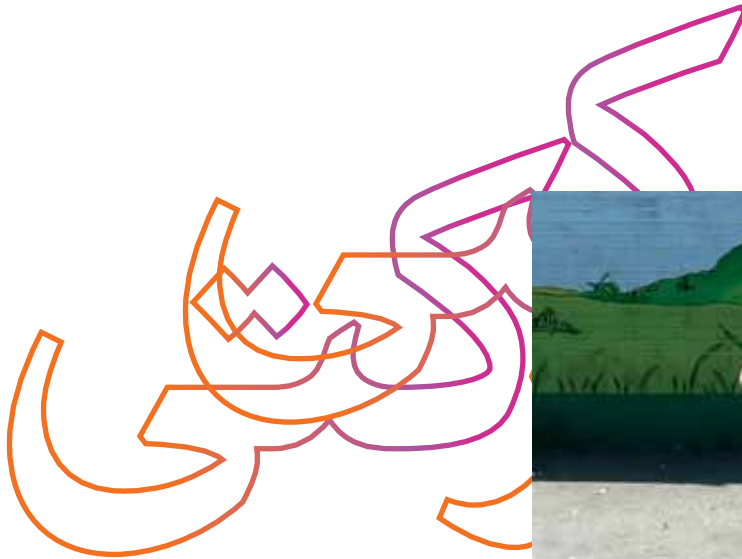
- حساسیت در به کارگیری مربیان متخصص و علاقه‌مند تربیت‌بدنی و دارای کارت مربیگری در رشته‌ی مورد نظر، با استفاده از نظر انجمن اولیا و مربیان. این نیرو می‌تواند دبیر تربیت‌بدنی مدرسه یا در صورت ضرورت، از دبیران ورزش مدارس دیگر و یا نیروهای آزاد باشد. از آنجا که انتخاب مربی کانون یکی از مهم‌ترین ارکان موفقیت کانون ورزشی است، توانایی فنی و انگیزه‌ی بالا و صلاحیت‌های اخلاقی او باید ملاک انتخاب باشند.

- رعایت استانداردهای کلاس‌ها در ارتقای کیفیت آن‌ها بسیار مؤثر است. تعداد زیاد دانش‌آموزان در کلاس‌های عملی، فرصت فعالیت مؤثر و آموزش بهینه را کاهش می‌دهد. همچنین، رعایت رده‌ی سنی یکسان در کلاس‌ها، فعالیت‌های آموزشی مربی و یادگیری افراد را بهبود می‌بخشد. در نهایت، برای مؤثر واقع شدن، حداقل سه جلسه در هفته (با در نظر گرفتن ساعت ورزش) تشکیل کلاس‌ها توصیه می‌شود.
- نبود محدودیت برای شرکت دانش‌آموزان سایر مدارس.

فوق برنامه‌ی ورزشی و تکمیلی ضروری به نظر می‌رسد. لذا می‌توان بخشی از کمبودهای موجود در زمینه‌ی امکانات و فضاهای ورزشی را از طریق استفاده‌ی بهینه از فضاها و اماکن ورزشی مدارس، در ساعاتی که از آن‌ها استفاده‌ی آموزشی نمی‌شود، مرتفع کرد.

یکی از برنامه‌هایی که تا حدود زیادی می‌تواند پاسخگوی انتظارات اولیا و نیازهای حرکتی دانش‌آموزان باشد، کانون‌های ورزشی درون و برون مدرسه‌ای است. در این طرح در ساعات خارج از برنامه‌ی درسی و در حضور مربی ورزش متخصص و با مشارکت مالی اولیا و با استفاده از فضاها و امکانات مدارس، دانش‌آموزان به فعالیت و ورزش می‌پردازند. این برنامه با وجود اماکن و فضاهای مناسب موجود مدارس و نیروهای متخصص موجود کشور و محیط امن فرهنگی و مورد وثوق خانواده‌ها می‌تواند بخشی از فقر حرکتی دانش‌آموزان را برطرف سازد. البته باید اذعان داشت، فقط داشتن برنامه‌ی خوب موفقیت و دستیابی به اهداف را میسر نمی‌سازد، بلکه مهم‌تر از برنامه، اجرای درست و نظارت مستمر بر اجرای مناسب آن و اصلاح و بهبود مستمر کیفیت کلاس‌هاست. گاهی اجرای ضعیف برنامه‌ها، نه تنها دستیابی به اهداف تعیین‌شده را امکان‌پذیر نمی‌سازد، بلکه





هماهنگی مهارت‌ها و حرکات ورزشی

علاوه بر رعایت نکات فوق در راه‌اندازی کانون‌ها، توجه به شرایط سنی دانش‌آموزان نیز ضروری به‌نظر می‌رسد. به‌عنوان نمونه، آموزش و فعالیت تربیت‌بدنی در دوره‌ی دبستان به سه دوره تقسیم می‌شود، به‌طوری‌که در مرحله‌ی اول که قبل از ۸ سالگی است، آموزش و فعالیت بدنی دانش‌آموزان باید بیشتر بر حرکات بنیادی مثل راه‌رفتن، دویدن، پرش، پرتاب و دریافت بنا شود. مرحله‌ی دوم، سنین بین ۸ تا ۱۰ سالگی است. در این سنین، آموزگار باید برای اجرای حرکاتی تأکید کند که به دقت و مهارت بیشتری نیاز دارند. آموزش حرکات ورزشی در این مرحله باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان حرکات ورزشی را کم‌کم با مهارت‌های ورزشی هماهنگ کنند. برای تحقق این کار معلم می‌تواند شکل ساده‌ای از والیبال را که در آن ترکیبی از مهارت‌های بنیادی مانند دویدن، پریدن، ضربه‌زدن، پرتاب و دریافت کردن وجود دارد، به دانش‌آموزان آموزش دهد. مرحله‌ی سوم ۱۰ تا ۱۲ سالگی را شامل می‌شود. در این دوران که اواخر دوره‌ی دبستان است، مهارت‌های ورزشی به دانش‌آموز آموزش داده می‌شود، زیرا در این سنین، دانش‌آموزان از نظر جسمی و هماهنگی عصبی عضلانی آمادگی بیشتری دارند. لذا در انتخاب رشته‌ها و کلاس‌های کانون‌ها توجه به سنین دانش‌آموزان بسیار ضروری است و تشکیل کلاس‌های مهارتی برای گروه اول (زیر ۸ سال) دستیابی به اهداف تربیت‌بدنی را با مشکل روبه‌رو می‌کند. به‌نظر می‌رسد، در شرایط موجود که افزایش ساعات درس تربیت‌بدنی در مدارس مقدور نیست و سرانه‌ی اماکن و فضاهای ورزشی کشور با استانداردهای فصله‌ی نسبتاً زیادی دارد، کانون‌های ورزشی مدرسه‌ای می‌توانند بخش مهمی از نیازهای ورزشی دانش‌آموزان و انتظارات اولیا را پاسخ‌گو باشند و در صورت توجه کافی به کیفیت‌بخشی کانون‌ها در راستای برآوردن انتظارات اولیا و دانش‌آموزان، این کانون‌ها می‌توانند محیطی سالم، کیفی و مقرون به‌صرفه را برای ورزش دانش‌آموزان، افزایش انگیزه‌ی حضور مربیان متخصص و توانمند در برنامه‌های ورزشی مدارس و همچنین مشارکت‌های مالی اولیا در امور مدارس فراهم کنند.

- تعیین شهریه‌های کلاس‌ها با توجه به رشته، تخصص مربی، کیفیت آموزشی و شرایط اقتصادی - اجتماعی مناطق به وسیله‌ی مدیران و انجمن اولیا و مربیان مدارس
- تعیین مدیر آموزشگاه به‌عنوان مدیر کانون، برای ایجاد انگیزه در تشکیل و نظارت بر کانون‌ها و نیز استفاده از نظارت انجمن اولیا بر کیفیت کلاس‌ها
- توجه به آموزش اصولی رشته‌های ورزشی
- استعدادیابی قبل از ثبت‌نام افراد در کلاس‌ها. این کار باعث صرفه‌جویی در وقت، انرژی و هزینه‌ها، و هدایت دانش‌آموز به رشته‌ی مناسب می‌شود.
- تعیین رشته‌های ورزشی با توجه به دوره‌های تحصیلی و دقت در واجد شرایط بودن مدرسه برای اجرای رشته‌ی ورزشی خاص.
- نظارت و تأکید بر بهبود کیفیت در فعالیت‌های کانون‌های ورزشی به‌طور مستمر.

هفت نکته درباره‌ی انضباط کودکان

راهبردهای مؤثر انضباطی برای والدین کودکان دبستانی

کاترین لی

مترجم: نسرین امامی‌زاده

۴ انجام بده را به جای فعل نکن به کار ببرید.

روی رفتاری که می‌خواهید ببینید متمرکز شوید، نه آنچه که او به غلط انجام می‌دهد. به جای این که بگویید: «در خانه توپ بازی نکن»، بگویید «این کار باعث شکستن وسایل می‌شود، بیا برویم بیرون بازی کنیم.»

۵ مفهوم هر رفتار را دریابید.

احتمالاً به این دلیل کمی بی‌ادب شده است که امروز مجبور بوده کارهای زیادی انجام دهد. در نظر بگیرید که چه چیزی باعث شده است رفتار بد از او سرزند. سپس، وقتی که آرام شده، از وی بپرسید چه فکر یا احساسی دارد.

۶ قوانین مربوط به بچه‌ها را کوتاه و ساده تنظیم کنید.

اگر چه کودک شما در سن دبستان بهتر می‌تواند قوانین را درک کند، اما از پرداختن بیش از حد به جزئیات بپرهیزید. توضیح طولانی در مورد چیزی که می‌خواهید او آن را به انجام برساند، می‌تواند گیج‌کننده باشد.

۷ سازگار و استوار باشید.

وقت خواب همان وقت خواب است. اگر شما تردید به دل راه دهید، او خواهد دانست که می‌تواند دوباره، هر زمان که بخواهد، مرزها را بشکند.

انضباط کودکان دبستانی، چالش‌های خاص خود را دارد. در حالی که کودکان این سن می‌توانند احساسات خود را بیان کنند و روی اعمال خودشان کنترل داشته باشند، اما انضباط آن‌ها هنوز نیازمند کنترل کج خلقی و گریه‌هایشان است. وقتی یک بچه‌ی بزرگ دچار کشمکش گاه به گاه است، در زمان تأکید بر انضباط وی، اهمیت آموزش احترام را در نظر داشته باشید. حتی اگر فرزندتان شما را در منگنه می‌گذارد، باید طوری با او صحبت کنید که انتظار دارید صحبت کند. بدانید که نظم دادن به فعالیت‌های کودکان دبستانی، راهی برای ایجاد اصول رفتاری خوب در سال‌های آتی است. برخی والدین نظم کودک را به مقابله با بدرفتاری او مربوط می‌دانند، اما بیشتر نظریه‌پردازان بر این باورند که انضباط بچه‌ها باید بیشتر در رابطه با راهمایی آن‌ها در جهت رفتار خوب باشد، به نحوی که کودک به فردی با انضباط تبدیل شود.

۱ انضباط کودکان کی و چگونه

برخی از مراحل رو به جلو و برخی از مراحل بازگشت را انتظار داشته باشید. همگام با بزرگ‌تر شدن و ورود کودکان به مهد کودک و مدرسه، آن‌ها در مواجهه با سرخوردگی و ناامیدی کنترل بهتری روی خود خواهند داشت. همچنین توانایی بیشتری برای صحبت کردن درباره‌ی احساساتشان پیدا می‌کنند و می‌توانند قوانین را درک و دنبال کنند. با این حال توجه داشته باشید که آن‌ها هنوز کودک هستند و برخی مواقع می‌توانند به راحتی بازگشت کنند و رفتارهای منفی از خود بروز دهند.

۲ کودکان را در تنظیم قوانین و محدودیت‌ها درگیر کنید.

حال که کودک شما در دبستان است، بهتر قادر به درک ضرورت قوانین است (برای سلامتی، ایمنی و غیره). موقعیت خود را تشریح کنید، نظر او را بشنوید و سپس قانونی را که می‌خواهید، وضع کنید.

اگر دوست او ساعت ۹ به رخت‌خواب می‌رود، اما شما ترجیح می‌دهید وی ساعت ۸ بخوابد، به او بگویید که شما تا ساعت ۸ و نیم وقت خوابت خواهد بود، چون خوابیدن بعد از این ساعت، موجب خستگی بیشتر و سرزنده نبودن تو در طول روز خواهد بود.

۳ درباره‌ی احترام راسخ باشید.

اجازه دهید کودک بداند بیان احساساتش، تا زمانی که با احترام توأم باشد، خطری ندارد. اگر او با شما بدخلقی می‌کند، به او بگویید که باید با شما خوب صحبت کند. سپس، وقتی آرام شد، درباره‌ی چیزی که باعث ناراحتی‌اش شده صحبت کنید. احترام دو طرفه است، پس طوری با فرزندتان صحبت کنید که دوست دارید با شما صحبت کند. داد نکشید، آنچه را می‌خواهید آرام بیان کنید و فراموش نکنید که از واژه‌های لطفاً و ممنون نیز استفاده کنید.

منبع

<http://childparenting.about.com/od/behaviordiscipline/a/discipline-child.htm>



با اولی‌ها، باز هم کار و کار

مرضیه معین

می‌دهند و بچه‌ها باید با دیدن آن تصاویر، متوجه نمادهای عددی یا نوشتاری آن‌ها شوند.

در این ماه، بارزترین و معروف‌ترین نشانه‌های دانش‌آموزان کلاس اولی در آن‌ها ظاهر می‌شود: نوشتن آب، بابا.

بچه‌ها چیزهای زیادی برای یاد گرفتن دارند. برای مثال، آن‌ها باید برای نوشتن یک کلمه‌ی ساده مثل بابا، این مطالب را به خوبی آموخته باشند: نشانه‌ی آ را به خوبی بشناسند. نشانه‌ی ب را بشناسند. تفاوت میان کلمه و تصویر را بدانند. نوع اول و غیر اول حروف و جایگاه استفاده از آن‌ها را بدانند. بتوانند حروف را در حالت متصل به همدیگر بخوانند. خط زمینه را بشناسند. اول و آخر خط را بدانند (بتوانند چشم و دست خود را از راست به چپ حرکت بدهند). خط زمینه را بشناسند و بتوانند روی آن حرکت کنند.

آبان، ماه شلوغ کاری معلم کلاس اول است. او همیشه در حال تدریس است. نشانه‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند. آموزگار باید مواظب نوشتن بچه‌ها باشد. برای این کار مجبور است تا کمر روی نیمکت بچه‌ها خم شود. او باید در ضمن حواسش به بچه بودن بچه‌ها نیز باشد. بچه‌ها خسته می‌شوند، گریه می‌کنند، اعتراض می‌کنند، سکوت می‌کنند و اینجاست که شن‌ها، خمیرها، چوب و خاک‌های حیاط مدرسه و بطری‌های آب به کمک آموزگار می‌آیند و این تازه آغاز راه است و ماجرا ادامه دارد.

ماه مهر شتابان می‌گذرد و جای خود را به آبان می‌دهد. آبان، ماه شروع نشانه‌هاست. اگر اصول اولیه را به دانش‌آموزان پایه اول خوب یاد داده باشید، می‌توانید در این ماه احساس آرامش بیشتری داشته باشید. شما در این ماه بیشتر از همیشه کار دارید. باید هنرتان را رو کنید. شعر بخوانید و مطالب را با شعر و بازی به بچه‌ها ارائه دهید. شما یک ماه وقت داشته‌اید به آن‌ها یاد بدهید چطور خودشان را با انتظارات شما وفق بدهند. اگر بعد از یک ماه آن‌ها هنوز نیاموخته‌اند که قوانین کلاس را رعایت کنند، احتمالاً باید در برنامه‌های خود تجدیدنظر کنید. هنوز کسی متوجه نیست که بعضی بچه‌ها در خواندن و نوشتن ضعف دارند. دست بچه‌ها کمابیش در نوشتن نرم شده است و آموزگار و اولیا منتظر ظهور دست‌خط‌های بچه‌ها هستند، همان‌هایی که می‌گویند با تغییر روش‌ها خیلی قشنگ شده‌اند.

در آبان، بچه‌ها مثل بره آهوهای کوچک در آب افتاده، ناگهان بی‌پناه و بی‌تجربه داخل حوض کلمات پرت می‌شوند و در میان اصطلاحات بزرگسالانه‌ی جدید دست و پا می‌زنند. هر چه آموزگار شنا کردن را به آن‌ها بهتر یاد داده باشد، آن‌ها زودتر می‌توانند تعادل خود را روی آب حفظ کنند. آن‌ها با مفاهیم ساده اما بسیار مهمی مثل نشانه، کلمه و به تدریج جمله آشنا می‌شوند. مفهوم سرخط، فاصله و هم‌اندازه و متناسب در میان خطوط دفترهای مشق و ریاضی برای آن‌ها جان می‌گیرد. تصاویر جای خود را به کلمات و تعدادی شکل جای خود را به اعداد

صفر نه مفرد است و نه جمع اما ۱ مفرد است و بیشتر از ۱ جمع

حسین محمدیان
سردهشت - دبستان شهید فتاحی



- بنابراین، (با اشاره به خط بسته‌ی ۲ نفره): بیشتر از یک یعنی چند تا؟
- ۲ و هر چه از ۲ بیشتر باشد، بیشتر از یک و «جمع» است.
 - (با اشاره به ردیف وسط): آیا یک جمع است؟
 - نه، مفرد است
 - (با اشاره به مستطیل خالی): صفر مفرد است یا جمع؟
 - هیچ کدام!
 - (با اشاره به ردیف‌ها از پایین به بالا): بله. صفر نه مفرد است و نه جمع، اما ۱ مفرد است و بیشتر از ۱ جمع.

جلسه‌ی ۲ نقاشی‌های «جمع و مفرد»

مثل این نمونه، تصویرهایی به صورت جمع و مفرد رسم کنید و در کنارشان کلمه‌ی جمع یا مفرد را بنویسید.



صفر کلمه‌ای است عربی و از نوع اسم که مترادف تهی و خالی است. بدین جهت آن را با علامتی تو خالی شبیه نقطه نمایش می‌دهند.

این علامت گاهی بالای عدد و زاویه گذاشته می‌شود و نشان درجه است و گاهی نشان و حافظ مرتبه‌ی خالی از جدول ارزش مکانی. به عبارت دیگر، سمت راست عدد گذاشته می‌شود و آن را ۱۰ برابر می‌کند.

بلی، صفر به خودی خود و به‌طور مستقل عدد نیست، بلکه عدد به آن معنی می‌دهد. همان‌طور که «می» همراه واژه‌ی «می‌نویسد» مفهوم می‌شود نه به تنهایی.

منظور از صفر در این مقاله، صفر مرتبط با عدد است. در نوشته‌های فارسی و از جمله در صفحه‌ی ۳۴ کتاب فارسی

بچه‌ها	یعنی	چند بچه
--------	------	---------

(مهارت‌های خواننداری) دوم دبستان سال ۹۳، جمع به «چند» معنی آمده است.

کلمه‌ی «چند»، شامل صفر و ۱ نیز می‌شود، در حالی که نه مفرد است و نه جمع، اما ۱ مفرد است و بیشتر از ۱ جمع! این تعریف در یک اقدام پژوهی در پایه‌ی دوم انجام شد و طی دو جلسه به دانش‌آموزان منتقل شد.

جلسه‌ی ۱: تفهیم مفاهیم جمع و مفرد

مرحله‌ی ۱. الان می‌خواهیم معنای جمع و معنای مفرد را بدانیم. پس بنویسید: جمع و مفرد

- هر کس این‌طور نوشته باشد درست نوشته است:
- مرحله‌ی ۲. حالا شما هم این نقاشی‌ها را بکشید.



منصوره متولی

هنر در مدارس ابتدایی

مشهود، در می‌آورد. در حوزه‌ی تعلیم و تربیت به واسطه‌ی هنر باید تحول و دگرگونی عمیقی ایجاد شود و با ورود هنر به عرصه‌ی آموزش و پرورش، شاهد شکوفایی و تحول در نوع نگاه و عملکرد مربیان و دانش‌آموزان باشیم. به همین جهت، یکی از وظایف معلمان این است که در فضای کار خود شرایط مناسب را برای فهم هنر و لذت بردن از کار هنری خلاق و تأثیرگذاری درونی از طریق هنر بر مخاطبان‌شان، یعنی دانش‌آموزان فراهم کنند.

یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که آموزگار می‌تواند در پیشبرد برنامه‌ی هنر ایفا کند، این است که اهداف ویژه‌ی هنر را برای کلاسی که تدریس می‌کند تشخیص دهد. پس از تشخیص و روشن شدن اهداف هنر، برای هر سن، برنامه‌ریزی مفید صورت دهد. معلم می‌تواند برای کمک به دانش‌آموز به صورتی مؤثر و منظم و هنری، از اصول و منابع هنری استفاده کند. اگر تمام فنون، روش‌ها و عناصر و اصول طراحی به تدریج و در حد کودک مطرح شوند، آموزش هنر را نتیجه‌بخش‌تر می‌سازند و پایه‌های رشد هنری آینده‌ی او می‌شوند.

چالش

در حوزه‌ی تعلیم و تربیت باید به واسطه‌ی هنر تحول و دگرگونی عمیق ایجاد شود، شکوفایی و تحول در نوع نگاه و عملکرد آموزگاران و دانش‌آموزان و روحیه‌ی تازه در محیط آموزشی و پرورشی به وجود آید. اما عملاً در مدارس شاهدیم که در زنگ هنر، معلم تمام دانش‌آموزان کلاس را او می‌دارد منظره بکشند یا از روی متنی که خود در اختیار آنان قرار می‌دهد، خوش‌نویسی کنند.

مهم‌ترین هدف آموزش و پرورش شناخت استعدادهای دانش‌آموزان و شکوفا کردن آن‌ها و ایجاد مهارت کافی در ابعاد گوناگون رشد است. یکی از کوشش‌های هدف‌دار تعلیم و تربیت که وسیله‌ای است برای تعلیم و تربیت والاتر، هنر است. از طریق هنر می‌توان با دیگران ارتباط مؤثر برقرار کرد و آن را برای تربیت عقلانی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان به کار برد. هنر در فرایند خلاقیت هنری شخصیت را پرورش می‌دهد و آنچه را به زبان نمی‌آید بیان می‌کند.

آموزش چگونه فکر کردن می‌تواند یکی از اهداف عمده آموزش و پرورش در بخش هنر باشد. دانش‌آموزان از طریق فعالیت‌های هنری و پژوهشی درباره‌ی آثار دیگران و ادراکات، مهارت حل مسئله را به دست می‌آورند و توانایی‌های لازم را برای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی خلاق پیدا می‌کنند. در مدارس ما از مجموعه فعالیت‌هایی که در مقوله‌ی هنر قرار می‌گیرند، بیشتر به نقاشی، کار دستی و خط به‌طور رسمی پرداخته می‌شود.

اهمیت هنر در کمک به بروز ابتکارات نهفته است، اما کاربرد نادرست آن تنها سبب نوعی دنباله‌روی و بی‌حرکی در سبک‌ها می‌شود، در حالی که با استفاده‌ی صحیح از آن، نظیر آنچه در سایر درس‌ها و فعالیت‌ها مطرح است، می‌توان ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیتی دانش‌آموزان را رشد داد. اهمیت و ضرورت استفاده از فعالیت‌های هنری در مدارس به‌عنوان ابزاری مؤثر و کارآمد در تربیت، مورد اتفاق همه‌ی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت است و بر کسی پوشیده نیست. در واقع، هنر فهم را هدایت می‌کند و فهم با کمک ذهن و با یاری مهارت‌ها، نقشی را در بیرون، به گونه‌ای



صورتی که معلمان باید محیطی پدید آورند که کودک برای خلاقیت تشویق شود.

راهکار

نخستین وظیفه‌ی آموزگار در این باره، ایجاد زمینه‌ی مناسب و مساعد برای حذف عوامل منفی و پدید آوردن عوامل مناسب است. اولین فعالیت آموزگار این است که لوازم هنری مورد نیاز و اطلاعات تکنیکی وسایل مانند قلم‌مو و گواش را در اختیار دانش‌آموز قرار دهد. معلم می‌تواند به چندین دانش‌آموز پیشنهاد دهد همه با هم یک نقاشی با مشورت هم بکشند. این کار نتیجه‌ی خوبی دارد. در واقع، در فعالیت گروهی عوامل محرک تخیلات متقابل وجود دارد. این همکاری گروهی می‌تواند روی یک کاغذ بزرگ و از پایه‌های پایین‌تر شروع شود تا بچه‌ها به کار گروهی عادت کنند. تعداد اعضای گروه نقاشی باید بین دو تا پنج نفر باشد. سبیل‌ها در نقاشی معنای زیادی دارند. آموزگار باید آن‌ها را به خوبی بشناسد تا بتواند دانش‌آموز را درک کند. در تعلیم و تربیت باید تلاش بر این باشد که دانش‌آموزان زیبایی‌ها را در درون خود جست‌وجو کنند نه در اشیای اطراف. معلم می‌تواند بر حسب توانایی خود و دانش‌آموزان و امکانات موجود، در ساعت هنر به فعالیت‌های حجم‌سازی، دست‌ساز، موسیقی، نمایش، خوش‌نویسی، قصه‌نویسی، گردش علمی، چاپ و اوریکامی بپردازد. برای ارزشیابی از فعالیت هنری نیز معلمان باید آن را بر اساس اصول فلسفه‌ی تعلیم و تربیت انجام دهند. ارزشیابی باید بخشی از مراحل یاددهی - یادگیری و به صورت مستمر باشد.

منابع

۱. محمدپور، آیت‌الله. آموزش هنر در مدارس ابتدایی. منادی تربیت. تهران. ۱۳۸۲.
۲. نژادکی، هاشمیان. هنر در دبستان. تمرین. مشهد. ۱۳۸۰.
۳. کیومرثی، غلامعلی. آشنایی با نقش هنر در پیشبرد فعالیت‌های مدارس. انتشارات مدرسه. تهران. ۱۳۸۶.

به‌طور کلی، هر نوع اجبار خارجی بدون انگیزه‌ی ارزشمند، به کودک آسیب می‌رساند و قدرت خلاقیت او را متوقف می‌سازد. در واقع، بیان هنری واقعی مبهمی نیست، بلکه شبکه‌ی ارتباطی ظرفی است بین هنرمند و محصول هنری او.

بسیاری از آموزگاران نقاشی کودکان را به کپی کردن محدود می‌کنند. برای پایه‌های پایین‌تر معمولاً از مجموعه‌هایی استفاده می‌شود که دانش‌آموز باید یک شکل را از

روی شکل رنگ‌شده رنگ‌آمیزی کند یا شکل ناقصی را کامل کند. به هر ترتیب، ساعت هنر به فعالیت‌هایی تکراری محدود است و بعضاً نیز از این ساعت برای آموزش درس‌های دیگر مانند ریاضی و علوم بهره می‌گیرند. آموزگاران فکر می‌کنند آموزش واقع‌گرایانه که براساس آن کودک حقیقت بیرونی را با شکل‌های منظم یاد می‌گیرد، باید تعلیم داده شود. این واقع‌گرایی با مهم‌ترین بخش از هنر مغایرت دارد. اگر کودک را به کپی کردن یا نقاشی از فلان منظره وا داریم، می‌توانیم بگوییم که اطمینان را از او گرفته‌ایم و نتیجه‌ای که از این عمل، یعنی کسب الهام از نقاشی دیگران عاید می‌شود، همیشه منفی است و فقدان انگیزه‌ی شخصی برای بیان باعث می‌شود که دانش‌آموزان کم‌کم ناامید شوند و کار را نیمه‌تمام رها کنند. درست است که اکثر دانش‌آموزان به طور طبیعی به کشیدن نقاشی تمایل دارند و از این کار لذت می‌برند، ولی نمی‌توان گفت همه‌ی دانش‌آموزان با نقاشی سرگرم می‌شوند. خیلی از آن‌ها که قدرت جسمی ضعیفی دارند، دلشان نمی‌خواهد نقاشی کنند و اگر آنان را به اجبار به کشیدن نقاشی واداریم، آن‌ها را کودکانی عقده‌ای خواهیم ساخت.

بنابراین، یکی از چالش‌های مهم در دوره‌ی ابتدایی، توجه نکردن آموزگاران به درس هنر و استفاده از تکرار قالبی نقاشی و خوش‌نویسی است. موضوع‌هایی مانند آفتاب، درخت و خانه غالباً تکرار می‌شوند. اگر به‌صورت قالبی تکرار شود، راه هر نوع پیشرفت را سد می‌کند و خصوصیت ترمز یا عقب‌گرد را دارد.

چالش دیگر این است که آموزگاران در نقاشی به نتیجه‌ی کار توجه می‌کنند، در صورتی که اجرای کار اهمیت دارد، چون کودکان با تجربیات خود نقاشی می‌کشند. بنابراین، آموزگاران نباید در پی آن باشند که آثار دانش‌آموزان از نظر صوری صحیح باشد، و یا اگر درست کشیده باشند به آن‌ها جایزه داده شود. **لومباردو** درباره‌ی تمحیح زودتر از موعد نقاشی‌های دانش‌آموزان، به آموزگاران هشدار می‌دهد و عقیده دارد این امر باعث آشفتگی و انهدام عنصر الهام در نقاشی می‌شود. در

روش آموزش قرآن پایه پنجم ابتدایی به شیوهی درس پژوهی

رضانباتی

از مؤلفان کتاب درس قرآن پنجم

اشاره

«هر کوششی در راه بهسازی آموزش، مغتنم و سازنده است؛ هم خواندن، هم نوشتن و هم ترویج دادن آن. کوشش فردی و سازمانی شما هم در این راستا قابل تقدیر است. قدم در راه بهسازی آموزش نهید. راه خود بگویید که چون باید رفت.»

ضمن تشکر از استاد سرکارآرانی و نیز خانم ناهید ناصری نژاد، مدیر محترم مدرسه‌ی پیشگامان تقوا در منطقه‌ی یک تهران، و همکاران با اخلاص ایشان که ما را در تحقق این برنامه یاری رساندند، امیدواریم این شیوه‌ی ارائه مورد استقبال آموزگاران عزیز قرار گیرد.

منبع اصلی برای مطالعه و طراحی شیوه‌ی درس پژوهی در این فیلم، مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی شماره‌ی ۱۴۶ (بهمن ۱۳۹۳) است.

در گروه قرآن و معارف اسلامی قرار گذاشتیم که در سال تحصیلی جاری (۹۵ - ۱۳۹۴) فیلم روش تدریس آموزش قرآن پایه‌ی پنجم را به شیوه‌ی درس پژوهی ارائه کنیم تا هم تنوعی صورت گرفته باشد و هم در ارائه‌ی قالب‌های جدید یادگیری، با شیوه‌ی درس پژوهی بیشتر آشنا شویم و آن را در درس آموزش قرآن عملاً تجربه کنیم. مسئولان و مدیران محترم دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و همچنین دوستان دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم از این پیشنهاد استقبال کردند و اجازه‌ی ساخت فیلم روش تدریس قرآن پایه‌ی پنجم ابتدایی به روش تدریس پژوهی (سفر یادگیری) را صادر کردند. همچنین، طرح درس اشتراکی معلمان هم‌پایه، پس از مراحل تبیین و طراحی، برای دکتر محمدرضا سرکارآرانی ارسال شد و وی پس از مطالعه، این یادداشت را مرقوم کرد:

ارتقای حرفه‌ای

پژوهش‌های اخیر در زمینه‌ی توسعه‌ی حرفه‌ای معلمان، روشنگر جهت‌گیری‌های متفاوتی از اقدامات معمول در این حوزه است. این پژوهش‌ها بیشتر بر مدرسه و کلاس درس استوار است و می‌کوشد آموزگاران را بیش از پیش در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شیوه‌های بهبود کیفیت آموزشی مدارس مشارکت دهد. این آموزش به آموزگاران کمک

راستای ارتقای علمی و عملی آموزگاران گرامی و بهبود کیفیت شیوه‌های آموزشی در درس قرآن دوره‌ی دوم ابتدایی و به‌ویژه پایه‌ی پنجم ابتدایی است.

چیستی درس پژوهی

از نظر سرکارآرانی، درس پژوهی الگوی عملی، بازبینی مداوم الگوهای ذهنی، بازاندیشی مشارکتی عمل کارگزار آموزشی و الگویی مؤثر برای بهبود مستمر

می‌کند به‌هنگام کسب صلاحیت‌های حرفه‌ای در حین کار، به بازسازی فکری خویش و دانش‌آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری توجه جدی مبذول دارند. درس پژوهی یکی از الگوهای مناسب از پژوهش‌های مشارکتی در کلاس درس است که برای توسعه‌ی حرفه‌ای معلمان مدرسه، مدنظر صاحب‌نظران و پژوهشگران آموزشی قرار دارد. لذا آنچه در این لوح تقدیم می‌شود، در



آموزش در مدرسه است.

اهداف درس پژوهی قرآن

از اهداف درس پژوهی قرآن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. گسترش فرهنگ یادگیری درس قرآن در مدارس و فراهم کردن محیط یادگیری معلمان از یکدیگر؛
۲. تبادل تجربه‌های قرآنی مفید آموزشی و تغییر در دیدگاه آموزشی همکاران؛
۳. ارتقای سطح دانش حرفه‌ای معلمان در تدریس قرآن و بازنمایشی معلمان در رفتار خود با دانش‌آموزان؛
۴. ارائه‌ی الگوی اثربخش برای پژوهش‌های عملی معلمان در موضوعات آموزشی مدرسه؛
۵. ترویج تفکر انتقادی بین همکاران فرهنگی.

مراحل درس پژوهی

الف. تبیین مسئله

گروهی از معلمان هم‌پایه (پایه‌ی پنجم ابتدایی) دور هم جمع می‌شوند تا یکی

ج. عمل

در این مرحله، گروه درس پژوه تلاش می‌کنند تدریس کلاسی را ابتدا خوب مشاهده کنند تا در مرحله‌ی بعد به نقد و بررسی آن بپردازند.

به یاد داشته باشیم، به این دلیل تقسیم کار صورت گرفته است که: اولاً؛ همه‌ی اعضا به یک اندازه در امر آموزش و موفقیت درس پژوهی سهیم داشته باشند.

ثانیاً؛ مسئولیت موفق شدن یا نشدن تدریس بر عهده‌ی همه‌ی اعضا باشد (زیرا مجری طبق طرح درس مشترک عمل می‌کند).

د. بازاندیشی

پس از اتمام تدریس آموزگار مجری، همکاران در اولین فرصت جلسه‌ی نقد را برگزار می‌کنند. در صورت نیاز، فیلم ضبط شده نیز بازبینی می‌شود.

ه. یادگیری

در فرایند تدریس، آموزگاران فقط آموزش نمی‌دهند، بلکه می‌کوشند از دانش‌آموزان و نیز جریان آموزش بیاموزند.

از درس‌های کتاب آموزش قرآن پایه‌ی پنجم را برای درس پژوهی انتخاب کنند. پس از بررسی، به اتفاق درس چهارم کتاب آموزش قرآن پایه‌ی پنجم را انتخاب می‌کنند. آن‌ها این درس را به عنوان واحد کار، طراحی، اجرا و ارزشیابی خواهند کرد. حاصل این تجربه، تدریس بهتر درس قرآن پایه‌ی پنجم ابتدایی خواهد بود.

ب. طراحی

در جلسه‌ی طراحی محتوا موارد زیر اتفاق می‌افتد:

۱. طرح درس‌های انفرادی، با مشورت و همدلی، به طرح درسی مشترک تبدیل می‌شوند.
۲. بین اعضا تقسیم کار صورت می‌گیرد.
 - یکی از اعضای گروه، تدریس این درس را عهده‌دار می‌شود.
 - دیگری مسئولیت تصویربرداری از کلاس و تدریس را برعهده می‌گیرد.
 - یکی دیگر هم مسئول ثبت گزارش مراحل اجرای تدریس معلم می‌شود.
 - دیگری مسئولیت کنترل نحوه‌ی تعامل معلم با دانش‌آموزان را برعهده می‌گیرد.

صورت لزوم)؛

۲. نقد و بررسی تدریس انجام شده، طبق وظایف و مسئولیت‌های تعیین شده؛
۳. جمع‌بندی و تصمیم‌گیری برای کاربرد نتایج درس پژوهی در تدریس‌های بعدی.

یادگیری: (قطعه‌ی ۲۱؛ ۱۰ دقیقه)

آنچه را در طول برگزاری درس پژوهی از معلم، دانش‌آموزان و فضای آموزشی آموخته‌ایم، در قالب پیشنهاد و راهکار برای سایر همکاران بیان می‌کنیم. - در این مرحله، از معلمان سؤال می‌شود: چیزی از درس پژوهی و اجرای آن آموختند؟

- یادگیری و فهم دانش‌آموزان و مسئله‌ای که به خاطر آن پژوهش انجام شد، بررسی می‌شود و گروه از خود می‌پرسند: «تا چه اندازه خوب عمل کردیم؟» - نوشتن گزارش پایانی (تشریح فرایند درس پژوهی و یافته‌ها همراه با مستندات، گزارش‌ها، فیلم‌ها، عکس‌ها، صورت‌جلسات، نقطه‌نظرات معلمان و دانش‌آموزان و اولیا) - بازدیدهای افراد متخصص و تبادل تجربیات

روش تدریس قواعد: (قطعه‌های

۲۲ تا ۲۵؛ هر یک ۳ تا ۵ دقیقه) پس از پایان تدریس به شیوه‌ی درس پژوهی، روش تدریس قواعد روخوانی و روان‌خوانی کتاب به‌طور خلاصه ارائه شده است.

روش ارزش‌یابی: (قطعه‌ی ۲۶؛

۱۰ دقیقه)

مؤلف کتاب درسی درباره‌ی روش ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی درس قرآن پایه‌ی پنجم ابتدایی (کیفی - توصیفی، مستمر و پایانی) توضیحی اجمالی می‌دهد و نکات مهم را می‌گوید.

سایت گروه قرآن و معارف اسلامی
www.quran-dept.talif.sch.ir



بنویسند و به جلسه بیاورند.

طراحی: (قطعه‌ی ۹؛ ۱۰ دقیقه)

۱. طرح درس‌ها پس از بررسی به یک طرح درس مشترک تبدیل می‌شوند.
۲. یکی از آموزگاران داوطلب تدریس می‌شود.
۳. ضمن تقسیم کار، وظیفه‌ی هر یک از همکاران در هر مرحله مشخص می‌شود. - تعیین تاریخ تدریس و مسائلی از قبیل طرز نشستن معلمان هنگام تدریس در عقب کلاس و انجام فیلم‌برداری؛ نظارت بر تدریس معلم براساس طرح درس تعیین شده توسط یکی از همکاران؛ بررسی واکنش‌ها و عملکرد دانش‌آموزان در هنگام تدریس معلم.

عمل: (قطعه‌های ۱۰ تا ۱۹؛ هر

یک ۵ تا ۷ دقیقه)

این مرحله در طول چهار جلسه انجام می‌شود.

روش تدریس روخوانی، روش تدریس قرائت، هم‌خوانی آیات و تمرین قرائت جلسه‌ی قبل، از مراحل آن هستند.

بازاندیشی: (قطعه‌ی ۲۰؛ ۱۰ دقیقه)

۱. بازبینی فیلم تدریس معلم (در

آنچه در این دی‌وی‌دی خواهید دید

با توجه به مطالب بیان شده، آنچه از روش آموزش قرآن پایه‌ی پنجم ابتدایی در این فیلم خواهید دید، شامل مراحل ۲۲ گانه است:

کلیات: (قطعه‌ی فیلم‌های ۱-۱ تا ۷-۱؛ ۴۵ دقیقه)

۱. آغاز سخن
۲. تبیین رویکرد برنامه‌ی درسی قرآن دوره‌ی ابتدایی و مقدمه‌ی کتاب درسی
۳. روش تدریس روخوانی، روان‌خوانی و روش رفع اشکال روخوانی؛ جلسه‌ی اول
۴. تمرین قرائت و تبیین روش تدریس عبارات معنا شده و کار در کلاس؛ جلسه‌ی دوم
۵. خواندن از روی قرآن کامل و روش تدریس پیام قرآنی؛ جلسه‌ی سوم
۶. انس با قرآن در خانه؛ جلسه‌ی چهارم

تبیین مسئله: (قطعه‌ی ۸؛ ۷ دقیقه)

در این مرحله، شورای آموزگاران پایه‌ی پنجم (به اتفاق مؤلف کتاب) برگزار می‌شود و موضوع «تدریس کتاب آموزش قرآن پایه‌ی پنجم ابتدایی» بررسی می‌شود. پس از انتخاب درس، مقرر می‌شود هر یک از همکاران برای جلسه‌ی بعد (یا همان جلسه) طرح درس

برگزیدگان مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر

مربوط به دوره‌ی سال تحصیلی
۹۴ - ۱۳۹۳

از دوره‌ی سیزدهم مجله

مسابقه‌ای را اجرا کرده‌ایم که «تلنگری برای

تفکر» نام گرفته است. در این مسابقه که در هر هشت

شماره‌ی مجله برگزار می‌شود، شرکت‌کنندگان باید به پرسش‌هایی

پاسخ بگویند که غالباً از محتوای مطالب مجله طرح می‌شود.

اکنون ضمن اعلام نتایج مسابقه‌ی دوره‌ی قبل، به استحضار می‌رسانیم،

برای برگزیدگان، هدیه‌ای ناقابل و تقدیرنامه‌ای به امضای مدیرکل دفتر

انتشارات و تکنولوژی آموزشی در نظر گرفته شده است که حداکثر تا نیمه‌ی

آذر سال ۱۳۹۴ به نشانی‌های اعلام شده از سوی آنان ارسال خواهد شد.

از همه‌ی شرکت‌کنندگان در مسابقه سپاس‌گزاریم و تقاضا می‌کنیم در

صورتی که تا نیمه‌ی آذر هدایای خود را دریافت نکردند، با دفتر

مجله به شماره‌ی ۰۲۱-۸۸۸۳۹۱۷۸ تماس بگیرند.

۴ مسابقه‌ی شماره‌ی

فیروز اسدی؛ دبستان شاهد شیرزادی، کرمانشاه.

معصومه حسین‌زاده هروی؛ دبستان شاهد شعبانی، تهران.

آذر روشن‌پناه؛ دبستان مهر، همدان.

زهره پیرهادی؛ کرج، البرز.

مسعود محبی؛ تایباد، خراسان رضوی.

۵ مسابقه‌ی شماره‌ی

محبوبه فخفوری؛ آموزشگاه شهید رقیه، آق‌قلا.

اعظم روشنی؛ منطقه‌ی ۱۴ تهران.

خدیجه انصاری؛ دبستان آیت‌الله طالقانی، تهران.

زهره سمساری؛ منطقه‌ی ۱۲، تهران.

علی صمدی روش؛ منطقه‌ی تات اسفرورین، قزوین.

۶ مسابقه‌ی شماره‌ی

مهدی نظیری آستانه؛ دبستان ساعی، اراک.

فاطمه الباسی؛ شاهین‌شهر، اصفهان.

مهداد خطیبی؛ سنگان پایین‌خواف، خراسان رضوی.

اعظم محمدرضایی؛ خمینی‌شهر، اصفهان.

تبسم اردشیر؛ عطاآباد، آق‌قلا.

۷ مسابقه‌ی شماره‌ی

اعظم ملکی؛ منطقه‌ی ۱۶ تهران.

زهره دستان؛ مبارکه، شهر علامه مجلسی، اصفهان.

ام‌کلثوم شریعتی؛ شهر گلپه‌ار، خراسان رضوی.

مریم اقدامی؛ تهران.

محمد نیکویی؛ مازندران.

۸ مسابقه‌ی شماره‌ی

زهره قنبری‌پور؛ بیرجند، خراسان جنوبی.

زهره کمشی‌کمر؛ علی‌آباد کتول، گلستان.

سعیده رجاییان، خلیل‌آباد، خراسان رضوی.

سعیده طاهری خسروشاهی؛ تبریز.

الهام کوهی‌اقدام؛ تهران.

۱ مسابقه‌ی شماره‌ی

امیر طیار؛ دبستان پسرانه‌ی عدل، اصفهان.

مهرانگیز عباسپوری؛ آبادان.

زهره گلشاهی؛ فریدن، اصفهان.

قاسم قاسمی‌فرد؛ نکا، مازندران.

عطیه رجبی؛ بیرجند، خراسان جنوبی.

۲ مسابقه‌ی شماره‌ی

حسین محمدیان؛ سردشت، آذربایجان غربی.

زهره مقدوری؛ بروجرد، لرستان.

ابوالفضل یوسفی ممقانی؛ ممقان، آذربایجان شرقی.

هاجر ابراهیمی خارکشی؛ عباس‌آباد، مازندران.

زهره طویی؛ سرخس، خراسان رضوی.

۳ مسابقه‌ی شماره‌ی

ابوالقاسم محمد خلیلی‌پور رودی؛ خواف، خراسان رضوی.

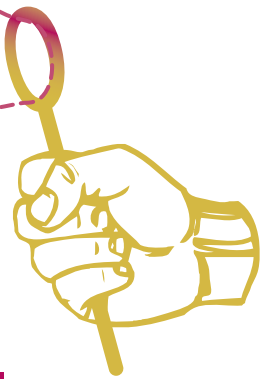
زهره عبدیان؛ دبستان شاهد تجلی، تهران.

یوسف منتشلو؛ قروه، کردستان.

کبری فرخی؛ دبستان شهید بریری، همدان.

راضیه درویشی؛ دبستان صبا، دوراهک، بوشهر.

اعدادم آرزوست



مریم عبدی

دبستان دخترانه‌ی الهام ۲، مشهد

آموزگار و نقد ارزشیابی توصیفی

آشاره

مانیز آموزگاریم. تا چند سال پیش وقتی به کارنامه‌ی فرزندانمان نگاه می‌کردیم، می‌فهمیدیم برای هر درسی چقدر تلاش کرده است. ریاضی اش قوی است یا ضعیف و کدام درسش از همه ضعیف تر. اما با حذف نمره، به زعم نگارنده دیگر تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان نادیده گرفته می‌شود. او معتقد است پیشرفت‌های تحصیلی دانش‌آموزان با نمره بهتر مشخص می‌شد. حال با توجه به این که ارزشیابی توصیفی مخالفان و موافقانی دارد، نگاه این آموزگار را مرور می‌کنیم.

می‌دهند. آیا این کار، انگیزه‌ی دانش‌آموزی را که با سه یا چهار پاسخ درست، خود را با دانش‌آموزی که به هیچ سؤالی پاسخ درست نداده است برابر می‌بیند، از بین نمی‌برد. در ضمن، چون نیاز به تلاش، پایین‌ترین رتبه در ارزشیابی است، هر دانش‌آموزی که چنین رتبه‌ای بگیرد، هم خودش و هم دوستانش همان احساسی را دارند که ما نسبت به نمره‌ی تک داشتیم. پس عملاً اعتماد به نفس دانش‌آموزی که نیاز به تلاش گرفته است، افزایش نمی‌یابد. چرا باید نمره‌های ۱۰ و ۱۴ هر دو قابل قبول شوند و تفاوت ۳ نمره‌ای دانش‌آموزان نادیده گرفته شود؟ چون مقیاس اندازه‌گیری دقیقی وجود ندارد و مرز میان این چهار پارامتر مشخص نیست، گاهی اوقات ۲۰ و ۱۶ هم بسیار خوب می‌گیرند. در حیرتم که چگونه حذف نمره اعتماد به نفس دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد؟

کسی که بدون هیچ اشتباهی



قید شده و دانش‌آموز به پایه‌های پنجم یا ششم ارتقا می‌یابد! دانش‌آموزی که روی برگه هیچ غلطی ندارد، با دانش‌آموزی که ۳ یا ۴ غلط دارد، برابر می‌شود و هر دو «بسیار خوب» می‌گیرند. بعد از هر آزمون کتبی، دانش‌آموزان مرتب می‌پرسند خانم اجازه، اگر سه غلط داشته باشیم، بسیار خوب می‌شویم یا خوب؟ خانم اجازه، اگر چند غلط داشته باشیم، نیاز به تلاش می‌شویم؟ بعضی وقت‌ها خودم هم درمی‌مانم و مرز بین خوب و قابل قبول یا مرز بین قابل قبول و نیاز به تلاش را گم می‌کنم و گاهی با اعتراض دانش‌آموزان مواجه می‌شوم که چرا با همان تعداد غلط، به یکی بسیار خوب داده‌ام و به یکی خوب.

اضطراب؛ سلام یا خدا حافظ

گفته می‌شود که با حذف امتحان و نمره، اضطراب ناشی از امتحان و نمره که مانعی است جدی در فرایند یاددهی و یادگیری، از بین می‌رود و دیگر دانش‌آموزان ضعیف در حضور بقیه‌ی دانش‌آموزان احساس ضعف و ناتوانی نمی‌کنند. اما در مورد حذف نمره باید بگویم، اکثر همکاران عزیز نمره‌ی تک یا همان زیر ۱۰ را با عبارت نیاز به تلاش نشان

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی توصیفی، آزمون، دفتر نمره، کارنامه

از توصیف ملولم و اعدادم آرزوست

یادش به خیر زمانی که سؤالات بارم‌بندی داشت؛ مخصوصاً در امتحانات نهایی که بارم هر قسمت از جواب کاملاً مشخص بود و نمره‌ی من گواه خوبی بر درس خواندن یا نخواندنم بود. یادم می‌آید، به خاطر بیست و پنج صدم که در ریاضی کم داشتیم، نتوانستم به رشته‌ی تجربی بروم و رفتم انسانی. خدا پدرشان را ببازم که اگر تجربی می‌رفتم، شاید هر سال مردود می‌شدم، چون نمراتم نشان می‌داد که در ریاضی استعداد ندارم. در عوض در درس‌های خواندنی استعداد خوبی داشتیم. این را هم نمراتم نشان می‌داد.

البته این ماجرا به ۲۰ سال پیش مربوط است. حالا زمانه و روش‌ها تغییر کرده‌اند. به نظر می‌آید، کارنامه‌ی دانش‌آموز دیگر نشان‌دهنده‌ی دانش واقعی او نیست. قطعه کاغذی است که فقط نشان می‌دهد دانش‌آموز به پایه‌ی بالاتر می‌رود. نقاط قوت و ضعف او در کارنامه مشهود نیستند. دانش‌آموز جمع یا تقسیمی ساده را بلد نیست و هنوز ضرب‌های بسیار ساده را نمی‌داند، اما در کارنامه، جلوی درس ریاضی، عبارت «قابل قبول یا خوب»



بسیار خوب گرفته است، اگر به برگه‌ی دوستش که با چندین غلط بسیار خوب گرفته است، نگاهی بیندازد که حتماً می‌اندازد، آیا انگیزه‌اش را از دست نمی‌دهد؟ من از جمله کسانی هستم که بارها شاهد اعتراض و حتی گریه‌های دانش‌آموزان در ارزشیابی توصیفی بوده‌ام. در حالی که اگر از بارم‌بندی دقیقی استفاده شود، یقیناً هر دانش‌آموز نمره‌ای را که مستحق آن است، می‌گیرد. بیایید به جای آنکه نمره را حذف کنیم یا آزمون را کم‌رنگ کنیم، سعی کنیم با کمک و هم‌فکری کارشناسان و راهکارهای روان‌شناسان، استرس ناشی از آزمون را برطرف سازیم؛ چرا که در پایه‌های بالاتر، دانش‌آموزان قطعاً با آزمون و نمره سروکار خواهند داشت. از معایب حذف نمره که بگذریم، نوشتن عبارت‌های توصیفی در پایان دیکته‌ها یا دفترهای مشق، داستان دیگری است. یک سال در پایه‌ی دوم ابتدایی تدریس می‌کردم؛ با بچه‌هایی بازیگوش، اما دوست‌داشتنی. مدیر مدرسه هر چند وقت یک بار دفترها و کتاب‌های بچه‌ها را جمع و بررسی می‌کرد. می‌خواست مطمئن شود معلمان دفترهای دانش‌آموزان را بررسی می‌کنند. من از آموزگاری بودم که مرتب دفترها را نگاه می‌کردم. کتاب ریاضی‌شان را هر روز می‌دیدم و امضا می‌زدم و گهگاهی هم متنی کنار امضایم می‌نوشتیم، اما نه وجدانم اجازه می‌داد و نه وقت و نه ذهنم یاری می‌کرد که بخواهم در ۴۵ دقیقه زمان کلاس، پشت

که اگر بزرگواران بر من خرده نگیرند، باید بگویم کاری است عبث و عملاً کارایی ندارد.

پیشنهاد

پیشنهاد بنده‌ی حقیر در شیوه‌ی ارزشیابی، تلفیقی از نمره و توصیف است. یعنی سؤالات بارم‌بندی داشته باشند و پس از تصحیح، آموزگار نمره را پایین برگه بنویسد و آنگاه این نمره در یکی از چهار رتبه‌ی «بسیار خوب، خوب، قابل قبول و نیاز به تلاش» قرار بگیرد. برای مثال ۵ تا ۹ نیاز به تلاش، ۱۰ تا ۱۴ قابل قبول، ۱۵ تا ۱۷ خوب و ۱۸ تا ۲۰ بسیار خوب. آنگاه دانش‌آموزی که با نمره‌ی ۲۰، بسیار خوب گرفته است، وقتی نمره‌اش را پای برگه می‌بیند، احساس می‌کند حقش ضایع نشده است و دانش‌آموزی هم که ۱۸ گرفته است، با اینکه می‌داند دو نمره از ۲۰ کمتر دارد، اما همچنان خود را در رتبه‌ی بسیار خوب می‌بیند. این کار شاید انگیزه‌ای شود تا برای رسیدن به نمره‌ی بهتر، بیشتر تلاش کند. در نگاه اول شاید آموزگار تصور کند تلفیق نمره و توصیف زمان زیادی می‌برد، در حالی که در عمل چنین نیست. شما برای نوشتن عبارت توصیفی هم باید برگه را چند بار نگاه و غلط‌های آن را بررسی کنید. گاهی اوقات هم سر دوراهی می‌مانید و تصمیم‌گیری تقریباً همان قدر زمان می‌برد که شما بخواهید بارم‌ها را جمع بزنید. در ضمن، به نظر بنده، استفاده از نمره هیچ منافاتی با «توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان» ندارد، اگر دانش‌آموزی از نمره‌ی ۱ به ۸ برسد، جای تشویق دارد و اتفاقاً بهتر می‌توان متوجه پیشرفت او شد.

میزم بنشینم و دفتر دست کم ۳۰ دانش‌آموز را ورق بزنم و برای هر کدام جمله‌ای توصیفی، متفاوت با دیگری، بنویسم. برای دفترهای مشق کسانی که خیلی خوب و خوش‌خط می‌نوشتند، می‌نوشتیم: «بسیار خوب نازنینم» و اگر غلط‌های املایی پیدا می‌کردم یا کمی بد خط می‌نوشتند، می‌نوشتیم: «دختر گلم بیشتر دقت کن».

ترجیح می‌دادم از وقت کلاس برای حل تمرینات استفاده کنم (چه تمرینات داخل کتاب و چه خارج از کتاب). تازه باید زمانی را هم برای اجرای طرح مهارت‌های زندگی، شهر بهشت، طرح جابر و... می‌گذاشتم که در برنامه‌ی کلاسی زمانی برای آن‌ها در نظر گرفته نشده بود و باید بخشی از زمان اصلی کلاس را به آن‌ها اختصاص می‌دادم. خلاصه آنکه مدیر مدرسه از کار بنده‌ی حقیر که به نظر خودم در آن کوتاهی نداشتیم، ایراد گرفتند که از جملات توصیفی متنوع و طولانی‌تری استفاده کنیم. نمی‌دانم نوشتن این جملات توصیفی که باید برای هر کس متناسب با عملکردش باشد، چقدر تأثیر دارد، اما این را می‌دانم که وقت زیادی از کلاس می‌گیرد. و باز از حذف نمره و نوشتن عبارت‌های توصیفی که بگذریم، دفتر نمره‌ی توصیفی هم خودش حکایتی است؛ مخصوصاً آن دو صفحه‌ی آخر یعنی گزارش ماهیانه‌ی هر دانش‌آموز؛ همان که باید بنویسیم خ، ق، ق، ...



مطالعات تیمز و پرلز در ایران

محمود اردو خانی

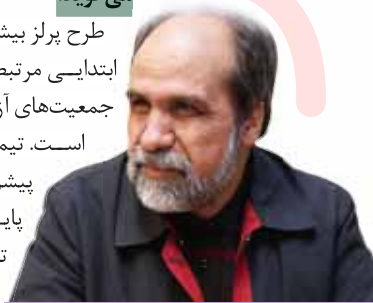
اشاره

مطالعات بین‌المللی تیمز و پرلز را از نگاه کارشناسان و مدیران این مطالعات، با طرح سؤالاتی درباره‌ی نحوه‌ی عملکرد و خروجی‌های آن‌ها، با توجه به زمان و فاصله‌های زمانی برگزاری آن‌ها، تأثیرات یافته‌های به‌دست آمده از آزمون‌ها روی برنامه‌ها و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و بهبود وضعیت آموزشی و سیستمی آموزش و پرورش، و جایگاه یادگیری و یاددهی دانش‌آموزان و آموزگاران در سطح جهانی، به گفت‌وگو نشستیم. آنچه باید بدان توجه کرد، این است که بعد از هر خروجی ناشی از مطالعات نمی‌توان بر اساس این یافته‌ها، سیستم‌ها، روش‌ها و کتاب‌های درسی را تغییر داد و به یکباره همه چیز را با آن معیارها پیش برد.

لذا ضروری است که مسئولان مطالعات تیمز و پرلز نسبت به خروجی‌های ناشی از مطالعات، ضمن انتقال به موقع و گزارش دقیق آن به مدیران تصمیم‌ساز، منتظر تغییرات ناگهانی و بدون تأمل نباشند. از طرف دیگر، برنامه‌ریزان و مدیران سیاسی مرتبط نیز جایگاه و اهمیت این مطالعات را با حساسیت بیشتری دنبال کنند. گفت‌وگوی پیش‌رو، مجموعه‌نظراتی است از دکتر عبدالعظیم کریمی، مدیر مطالعات بین‌المللی تیمز و پرلز، بهرام رمضانخانی، کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی و کارشناس پژوهشی استان البرز، دکتر مسعود کبیری، مدیر داده‌پردازی تیمز و پرلز و سنجش آموزش، محمد ستاری، کارشناس آموزش ابتدایی و آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران، و شهرناز بخشعلی‌زاده، دکترای برنامه‌ریزی آموزش عالی.

دکتر عبدالعظیم کریمی در مورد تیمز و پرلز می‌گوید:

طرح پرلز بیشتر با سواد خواندن در دوره‌ی ابتدایی مرتبط است و تیمز هم یکی از جمعیت‌های آزمایشی‌اش در دوره‌ی ابتدایی است. تیمز مطالعه‌ی بین‌المللی روند پیشرفت ریاضیات و علوم است از پایه‌ی تحصیلی چهارم ابتدایی تا هشتم یا سوم راهنمایی قدیم و دوم متوسطه‌ی فعلی. سابقه‌ی این مطالعات بیست



سال است و هر چهار سال یک‌بار برگزار می‌شوند. خواندن، نوشتن و توانایی و مهارت درک مطلب که کلید یادگیری است، باید از دوره‌ی ابتدایی به‌خوبی پیش برود. چون پایه‌ی یادگیری بهتر دانش‌آموزان در سایر درس‌ها خواهد بود.

پرلز مطالعه‌ی سنجش آن است که هر پنج سال یک‌بار برگزار می‌شود. در حال حاضر، مراحل مقدماتی پرلز ۲۰۱۶ در حال انجام است. ما باید ببینیم در درس ریاضی و علوم، بین کشورهای اسلامی جهان و منطقه چه جایگاهی، و نیز در مورد تجهیزات و نیروی انسانی چه جایگاهی داریم. باید بدانیم

طولی و عرضی این موارد را پیدا می‌کنند. در توالی کتاب‌های درسی، هر کشور ممکن است درصدی را پوشش دهد؛ بعضی ۶۰ درصد، و بعضی ۸۰ درصد یا ۹۰ درصد. پرسش‌نامه‌ای هم به مدارس داده می‌شود که جو مدرسه، اتفاقات، آسیب‌ها و محتوای درس‌ها از طریق مدیر بررسی می‌شود. هم‌همی این داده‌ها با هم جمع می‌شوند تا پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در پایه‌ی چهارم معلوم شود.

این مطالعات روندی است که موقعیت کشورها را بعد از چهار سال می‌سنجد. در سنجش و ارزشیابی تیمز، هم روش‌ها، هم اهداف و هم فرایندها و هم درون‌دادها و برون‌دادها سنجیده می‌شوند. پرلز فقط معلومات را می‌سنجد. کاری با خانواده و بافت آن ندارد. تمام روش‌ها و مراحل کار زیر نظر انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی صورت می‌گیرد که از سال ۱۹۵۹ میلادی تأسیس شده است و هدف آن انجام مطالعات تطبیقی در درس‌ها از جمله علوم و ریاضی و سواد خواندن است؛ حتی مسائل انشا، تربیت‌بدنی و رایانه. اما بزرگ‌ترین آزمون آن تیمز و پرلز است، چون هم سابقه‌ی بیشتری دارد، هم گستره‌ی مشارکت کشورها در آن بیشتر و هم اهمیت دروسش بیشتر است. این انجمن نیم قرن است که فعالیت دارد و آزمون‌ها تحت نظر آن برگزار می‌شوند.

آقای دکتر کریمی تأثیر خروجی مراحل انجام شده در کشور ما چیست؟

اولا ما در نظام آموزشی خودمان تغییر و تحولاتی ایجاد می‌کنیم، در حالی که هیچ شاخصی برای پایش خوب، بد، مثبت یا منفی بودن آن‌ها نداریم. خط‌کشی که برای اندازه‌گیری در سطح ملی و بین‌المللی وجود دارد، تیمز و پرلز است که شواهدی را به ما می‌دهد، مبنی بر اینکه عملکرد نظام آموزشی ما رو به جلوست یا نه؟ هر مدیر نظام آموزشی باید برای بهبود نظام آموزشی ملاک‌هایی داشته باشد، اما ما ملاک نداریم. با خط‌کش یکسانی که ۶۰ کشور از جمله ۲۰ کشور منطقه، خود را با آن اندازه‌گیری می‌کنند، ما نیز خود را اندازه می‌گیریم. یکی دیگر

مطالعات بین‌المللی تیمز و پرلز چهار پرسش‌نامه ارائه می‌کنند که کشورها باید آن‌ها را کامل کنند. یک پرسش‌نامه به معلم مربوط است. اینکه چند سال است تدریس می‌کنند، از چه زمانی به این مدرسه آمده‌اند و روش تدریس چگونه است. پس نیروی انسانی به لحاظ اخلاق، مدرک، علاقه و ارتباطی که با پیشرفت دانش‌آموز دارد، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. پرسش‌نامه‌ای هم برای والدین است که با بچه چگونه کار و رفتار می‌کنند؟ تکلیف می‌دهند؟ به چه زبانی در خانه با او صحبت می‌کنند؟ برای بچه قصه می‌گویند یا نه؟ و درآمد، شغل و لوازمی که در اختیار دارند، مثل رایانه، پول تو جیبی و پیگیری این عوامل بررسی می‌شود.

پرسش‌نامه‌ای هم به دانش‌آموزان تعلق دارد. درباره‌ی مواردی مثل دختر یا پسر بودن، چگونگی رابطه‌شان با دانش‌آموزان دیگر، زمان ورودشان به مدرسه‌ی فعلی، علاقه‌شان به درس‌ها، چگونگی کار معلم‌ها، میزان پول تو جیبی‌شان، میزان تحریرشان، داشتن یا نداشتن اتاق مستقل و دیگر برنامه‌های درسی سؤال می‌شود.

مثلاً از چه زمانی با مفهوم عدد و وزن آشنا شدند و در علوم چه چیزی درس داده می‌شود؟ بعد از تباط

از خروجی‌های مطالعه‌ی تیمز و پرلز مقایسه‌ی وضعیت ما نسبت به خود و سایر کشورهای رقیب و هدف در سطح منطقه و اسلامی نسبت به شاخص میانگین است. برای این مقایسه، فعلاً هیچ شاخص دیگری نداریم.

خروجی بعدی آن مجموعه‌ای اطلاعات است که در اختیار کارشناسان قرار می‌گیرد.

ما به‌عنوان محقق، مطالعات را انجام و تحویل کارشناسان می‌دهیم. وظیفه‌ی پیگیری با ما نیست، جز از طریق ارتباطات شخصی و اداری و دغدغه‌های کاری.

تأثیر مطالعات تیمز و پرلز را با مصداق ارزیابی کنید.

مثلاً در علوم، دکتر امانی که از ابتدا در کار با ما بوده و با ساختار سؤالات و چارچوب تیمز و پرلز آشناست، مداخله کرده است و در کتاب‌های درسی و براساس شواهد تیمز نشان می‌دهد که این مداخله پیش رونده بوده است، چون در دوره‌های بعدی مشاهده کردیم که در علوم پیشرفت داشته‌ایم، ولی در ریاضی متوقف شدیم و پسرفت هم داشتیم. چون در ریاضی کاری نکردیم. یکی از عوامل تأثیرپذیر از مطالعات، تغییر کتاب‌های درسی است. لذا مداخله‌ی گروه علوم در بحث تیمز خوب بوده است. در دبستان در علوم و سواد خواندن، نسبت به دوره‌های قبل پیشرفت معنی‌داری داشته‌ایم و در ریاضی هم در ابتدایی بهتر بودیم. البته نسبت به علوم و خواندن امتیاز پایین‌تری داریم. در دوره‌ی ابتدایی وضعیت در تیمز و پرلز خیلی بهتر از متوسطه است.

از آقای بهرام رمضانخانی هم باید پرسیم تأثیر مطالعات تیمز و پرلز را در دوره‌ی دبستان چطور ارزیابی می‌کند؟

اگر این مطالعات درست انجام شده باشند، با توجه به هدف‌های آن‌ها، در واقع خروجی آن باید در کیفیت آموزشی، تغییری ایجاد کرده باشد. یعنی در فرایند یاددهی-یادگیری، با توجه به نتایجی که به‌دست می‌آید، تأثیرگذار باشد. در ایران اگر کار به‌درستی انجام شود، تغییر نظام آموزشی نیز در ادامه‌ی همین روند باید باشد. اما در عمل چندان مطلوب نبوده است.



چگونه باید خروجی‌های مطالعات تیمز و پرلز به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اعلام شود تا آن‌ها برای رفع اشکالات و بهبود برای پیشرفت عملکرد اقدام کنند؟

باید سالیانه از آموزش‌ها و کیفیت آن در مدارس نیز از کار معلمان ارزیابی داشته باشیم. هرچند معیارهای ارزیابی و ارزشیابی خیلی کامل و علمی نبوده، اما رو به تکامل است و بهتر شده، چون توصیفی شده است. اما میانگین رشد ما با آن اهداف اصلی که در واقع از نظام آموزشی انتظار می‌رود و نسبت به سایر گروه‌ها، خیلی فاصله دارد؛ هرچند نسبت به خودمان رشد داشته‌ایم.

بهبود وضعیت و آمادگی دانش‌آموزان باتوجه به مطالعات تیمز و پرلز را چگونه می‌بینید؟

امروزه دانش‌آموزان، با توجه به فراوانی ابزار رسانه‌ای، آگاه‌تر و آماده‌تر شده‌اند. برنامه‌ریزی ما در مدارس ایراد دارد. تغییر سیستم نمره‌ای به توصیفی تغییری است که نشان می‌دهد روند خوبی را در پیش گرفته‌ایم. اگر ما مطالعات را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که رشد ما نسبت به خودمان خیلی خوب شده، اما شتاب آن کم است و شیب رشد باید بیشتر باشد. در دبستان هم نظام توصیفی رشد خوبی را نشان می‌دهد، اما همچنان شیب آن کم و رشد آن کند است.

به‌طور کلی، تیمز و پرلز و مطالعات انجام شده بی‌تأثیر نبوده‌اند، ولی تأثیرگذاری آن در کشور ما از سایر کشورها کمتر بوده است. ما در گزارش‌دهی مطالعات هم ضعیف عمل کردیم، به‌طوری که در تغییر کتاب‌های درسی و سازمان‌دهی نیروی انسانی، کمتر نظرات و خروجی‌های مطالعات تیمز و پرلز دیده شده است. به‌نظر می‌رسد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بیشتر شعاری برخورد می‌کنند نه عملی و گاهی احساس می‌شود اعتقادی به این مسئله ندارند. در دوره‌ی ابتدایی، در برنامه‌ی توصیفی، نواقص باید بررسی و برطرف شود؛ عناصری که باعث می‌شوند توانایی عملکرد نظام آموزشی متفاوت باشد که در فرهنگ جامعه هم تأثیر دارد، این است که اصلاً مطالعات تیمز و پرلز چه قدر جا افتاده است؟ ما مطالعه‌ی خیلی ضرورت نمی‌دانیم.

از دیگر عوامل تأثیرگذار، دو زبانه بودن دانش‌آموزان ماست. اول باید فارسی را یاد گرفت که ضریب توجه‌مان به آن کم است. اگر بیشتر به زبان فارسی اهمیت بدهیم و سعی کنیم در مناطق

دو زبانه سطح و فهم و درک فارسی دانش‌آموز را بالا ببریم و از طریق محتوا و کمک‌های درسی آن را رشد دهیم، بیشتر موفق می‌شویم. زبان مادری و زبان اصلی تعیین کننده است.

آقای دکتر کبیری به این سؤال پاسخ دهید که آیا تیمز و پرلز را می‌توانیم روش بایسته‌ای با برنامه و ملحقاتی برای رسیدن به هدفی بدانیم؟

این‌ها روش و هدف نیستند، ابزار و وسیله‌ای برای ارائه‌ی اطلاعات در مورد سیستم، ساختار یا وضعیت نظام آموزشی هستند.

تعریف این ابزار چیست؟

به‌طور کلی، برای آنکه وضعیت آموزش و پرورش را از نظر کیفیت در یادگیری به‌دست بیاوریم، به‌وسیله‌ای نیاز داریم. این ابزار و وسیله را تیمز و پرلز در اختیار ما قرار می‌دهند. ما عموماً در مورد آموزش و پرورش اطلاعاتمان کمی است. مثلاً می‌دانیم چند درصد مدارس شهری یا روستایی، غیرانتفاعی و عشایری هستند، یا نسبت دانش‌آموزان به معلمان و تراکم چه قدر است. اطلاعاتی هم در سطح کلاس وجود دارد. مثلاً معلم می‌خواهد بداند دانش‌آموز چه مقدار یاد گرفته است؟ برای این کار از آزمون استفاده می‌کند و متوجه می‌شود دانش‌آموز صلاحیت ارتقا به سطح بالاتر یا فارغ‌التحصیلی را دارد یا نه. اما درباره‌ی اینکه آموزش و پرورش از لحاظ کیفیت یادگیری چه وضعیتی دارد یا اطلاعاتی وجود ندارد یا آنچه وجود دارد، اساس درستی ندارد.

تیمز و پرلز مطالعه اطلاعات کیفی را درباره‌ی کلیت نظام آموزش و پرورش ارائه می‌کنند. تمام قواعد و ابزار، با توافق اکثریت اعضا، در اجلاس‌ها مشخص و مصوب می‌شوند. ما اگر بخواهیم بخشی را پیشنهاد کنیم، باید استدلال کنیم و این استدلال مورد قبول بقیه‌ی اعضا واقع شود. به دلیل بین‌المللی بودن این مطالعات، هیچ کشوری نمی‌تواند بگوید آن را برگزارد نمی‌کنم، اما این امکان وجود دارد که خودمان مطالبی را به آن اضافه کنیم تا نیازهایمان را جواب بدهد.

در دوره‌ی دبستان، برای سنجش از طریق تیمز و پرلز، نحوه‌ی انتخاب دانش‌آموزان چگونه است؟

به‌صورت تصادفی، از بین تمام دانش‌آموزان انتخاب

می‌کنیم، به طوری که حدود ۵ درصد از دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شوند.

با توجه به مطالعات بیشتر دانش‌آموزان دختر موفق بودند یا پسرها؟ عملکرد کدام به لحاظ کیفی با توجه به کمیت بهتر بوده است؟

در درس ریاضی پسرها بهتر بودند. در یک مقایسه‌ی جنسیتی، با توجه به اهمیت آن در پایه‌ی چهارم، در عملکرد دانش‌آموزان ایرانی در درس ریاضی، فرقی بین دخترها و پسرها وجود ندارد. از سالی که این مطالعات را شروع کردیم، پسرها در درس ریاضی بهتر بودند. در سال ۲۰۰۳ دختران یک مقدار بهتر شدند و در ۲۰۰۷ هم بهتر بودند. در سال ۲۰۱۱ یکی شدند.

این موضوع اهمیت دارد، چرا که در اکثر کشورهای دنیا در ریاضی پسرها بهتر از دختران هستند، اما در ایران در دوره‌هایی دختران بهتر از پسرها بودند.

محمد ستاری، کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش، ارزیابی خود در مورد سیستم آموزشی ایران در دوره‌ی دبستان و قبل از اولین مطالعات تیمز و پرلز را به این شکل بیان کرد؟

قبل از مطالعات تیمز و پرلز که اولین دوره‌شان در سال ۱۳۷۰ برگزار شد، سیستم آموزشی ما سنتی و معلم محور بود. اما بعد از آن، سیستم آموزشی از معلم‌محوری به دانش‌آموز‌محوری تغییر کرد. معلم راهنما شد و بیشترین محوریت را دانش‌آموز داشت. این تغییر در دوره‌ی دبستان ملموس بود. به طوری که در حال حاضر، بیشتر مدارس با این حالت پیش می‌روند.

تأثیر خروجی مطالعات تیمز و پرلز بعد از پنج‌مین دوره‌ی برگزاری آن نشان می‌دهد که در هر دوره، نسبت به دوره‌ی قبل، پیشرفت داشته‌ایم و در جدول جهانی نیز با رشد مواجه بوده‌ایم. افزایش یادگیری دانش‌آموزان نیز در مطالعات نشان داده می‌شود. تیمز مطالعاتی پژوهشی را انجام می‌دهد که پیشرفت درس ریاضی و علوم را نشان می‌دهند. به دلیل نبودن این مطالعات، هنوز آن چنان تأثیری در بالا بردن کیفیت آموزش‌پذیری دانش‌آموزان و معلمان مشاهده نمی‌شود، اما از آسیب‌های آن، آشنایی آموزگاران، به خصوص در دوره‌ی ابتدایی، با این مطالعات است. به طور کلی، در دوره‌ی ابتدایی، این آزمون‌ها تأثیر مثبتی نداشته‌اند، اما می‌توانند در روش‌های تدریس و یادگیری دانش‌آموزان مؤثر



باشند. معلمان هم در زمان برگزاری این آزمون‌ها نوحه‌ی طرح سؤال را آموزش می‌بینند که می‌تواند فرصت خوبی برای آن‌ها باشد. در حالی که فرصت مناسبی نیز برای وزارتخانه است تا درباره‌ی سیستم آموزشی کشور مطالعه کند و از تجربه‌ی کشورهای دیگر نیز بهره ببرد. با ارائه‌ی خروجی‌های این مطالعات برای بالا بردن کیفیت سیستم آموزشی کشور، و برای بهبود وضعیت و دستاوردهای پژوهشی مطالعات تیمز و پرلز، به نظرم باید در مورد مغفول ماندن فعالیت بخش خصوصی برنامه داشته باشیم و مانعی برای عملکرد اصولی و سازمان‌یافته‌ای که وزارتخانه اعمال می‌کند، نباشیم تا این بخش نیز بتواند تحت نظر برنامه‌ی سامان و سازمان‌یافته‌ی وزارتخانه و سازمان مدارس نقش آفرینی کند. پیشنهاد دیگرم در پایان این است که بعد از برگزاری آزمون‌ها به دانش‌آموزان کارنامه بدهیم، چرا که دانش‌آموز در این آزمون‌ها بدون استرس‌ها و اضطراب‌های امتحانات درس مکلفش وارد می‌شود. و ارائه‌ی کارنامه‌ای با وضعیت روحی و روانی معتدل و آرام دانش‌آموز نیز می‌تواند بسیار مؤثر و مفید باشد. چون هیچ فشار بیرونی بر او وارد نمی‌شود.

از خانم شهرناز بخشعلی‌زاده، مسئول بخش علمی موضوعی، ترجمه‌ی سؤالات بازپسی روایی و مدیریت تصحیح، تولید و جمع‌آوری سؤالات، پرسیدیم:

در رابطه با مطالعات تیمز و پرلز که ششمین مرحله‌ی آن‌ها اجرا شد، در دوره‌ی ابتدایی، شاخص‌هایی را به دست آوردیم. این شاخص‌ها در روند آموزشی و ارتقای سطح برنامه‌ریزی نظام آموزشی چه مقدار تأثیرگذار بوده است؟ اگر اثرگذاری را به این شکل بیان کنیم که اولاً تحقیق خاصی شده یا خیر. اولین تحقیق را سال گذشته خود من انجام دادم. در این تحقیق، بدفهمی‌های دانش‌آموزان را در درس ریاضی پایه‌ی چهارم، بر مبنای عملکردشان از ۲۰۰۳ تاکنون، تحلیل کرده‌ایم. ما بدفهمی‌های شناسایی شده در جهان را بررسی کردیم و با بدفهمی دانش‌آموزان خود براساس سؤالات تیمز مقایسه کردیم. بهترین استفاده‌کننده از این تحقیقات دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی است، چون بعضی از این موارد به محتوا و بعضی به آموزش مربوطند.

تأثیر این تحقیق می‌تواند در عملکرد دفتر تألیف مؤثر باشد. با توجه به مطالعات دوره‌ی ابتدایی، فرق سطح علمی دانش‌آموزان امروز با دانش‌آموزان اولین

دوره‌ی مطالعات چیست؟

بسیاری از بدفهمی‌ها را که شناسایی کردم، متوجه شدم این‌ها تکرار شده‌اند. این نشان می‌دهد همان‌طور که دکتر کریمی گفتند، مداخله‌ی خاصی در قسمت ریاضی انجام نشده و اگر مداخله‌ای می‌شد، ما تغییرات را می‌دیدیم. تغییری که هم که بوده است، در حوزه‌ی عملکرد دانش‌آموزان معنی‌دار نیست. ریشه‌ی آن می‌تواند این باشد که کتاب‌های ریاضی تا همین دوره‌ی قبل تغییر نداشته‌اند. در متوسطه‌ی اول مداخلاتی شده است، ولی در ابتدایی خیر. در دوره‌ی جدید کتاب‌ها عوض شده‌اند. لذا تیمز امسال می‌تواند کاملاً نشان بدهد که تغییرات کتاب‌های درسی چه مقدار تأثیر گذاشته است.

تغییر در کتاب‌های درسی را لازم و ضروری می‌دانید؟

نوحه‌ی تغییر باید بررسی شود. پیاده‌سازی تغییرات هم جای بررسی دارد.

آیا فرمول‌های ریاضی قابل تغییرند؟

فرمول تغییر نمی‌کند، شیوه‌ی آموزش تغییر می‌کند. در علوم مداخلاتی صورت گرفته است. از همان مداخلات می‌توانست در بحث آمار و احتمال هم صورت گیرد. فرمول همان است، اما اضافه کردن مفاهیم، چینش مفاهیم، تأثیر آن و رویکرد آموزشی ارائه‌ی مفاهیم منظور است. چون نیز فقط موضوعی نیست، بحث حوزه‌های شناختی و سطوح آن را بررسی می‌کند که مربوط به ریاضی فقط نمی‌شود. اینکه بچه‌ها چه مقدار آمادگی دارند و مهارت استدلال کردن دارند، بحث فرمول نیست.

نحوه‌ی استفاده از تجربیات جهانی چگونه است؟

در تغییر اصولی است که در سطح جهان و بین‌الملل به آن توجه می‌شود. اما پیاده‌سازی تغییر از نظر من محل سؤال است. گروه ریاضی این مستند را در اختیار دارند. بیان‌شان هم این گونه است که حتی در کتاب راهنمای معلم برخی بدفهمی‌ها را ارائه و استفاده می‌کنند و در کتاب‌های درسی نیز در حال اعمال آن هستند. ما هم در دوره‌های ضمن خدمت مناطق، به این بدفهمی‌ها اشاره می‌کنیم تا آگاه شوند.



آنچه باید از قرآن کریم حفظ باشیم



نام کتاب: گنجینه‌ی نور - جلد اول

مؤلف: رضا نباتی

نوبت چاپ: اول بهار ۹۴

ناشر: ندای آسمانی (۰۲۱-۲۲۹۷۳۹۶۶)

دریای بی‌کران قرآن کریم و سخنان معصومین (ع) فرصتی است برای جست‌وجوی حقیقت ناب و زلال هستی.

مؤلف کتاب گنجینه‌ی نور می‌گوید: سال‌ها این اندیشه که «چرا بهره‌ی مردمان این سرزمین نجیب و مسلمان از گنجینه‌های گهربار دریای وسیع و عمیق قرآن کریم و احادیث معصومین (ع)، این قدر اندک است، آزارم می‌داد. این بود که تلاش کردم تا آنجا که ممکن است از روزنه‌هایی که به‌سوی نور معرفت گشوده شده‌اند، راهی به حقیقت بیابم و عاقبت راه را در استفاده‌ی بی‌واسطه از قرآن و احادیث شریف یافتم.»

مبانی و اصولی که در تألیف کتاب، به‌عنوان راهبرد و جهت اصلی حرکت، مدنظر مؤلف بوده‌اند، به شکل زیر خلاصه می‌شوند:

۱. کودکان باید معارف دینی و اعتقادی خود را به‌طور مستقیم از قرآن کریم و سیره و سنت اهل‌بیت (ع) دریافت کنند.
۲. دو حوزه‌ی آموزش قرآن و آموزش معارف قرآن باید به‌صورت هم‌زمان ارائه شوند.

۳. آموزش قرآن (یا حدیث) باید برای مخاطبان و به‌ویژه کودکان معنادار باشد و به‌طور مستقیم با نیازهای روزمره‌ی آنان مرتبط باشد.

۴. فرهنگ انس مستمر (و روزانه‌ی) احاد مردم با قرآن کریم تقویت شود.

۵. آموزش‌های عمومی مستقل از آموزش‌های تخصصی قرآن ارائه و برنامه‌ریزی شوند.

۶. آموزش‌هایی مانند تجوید، حفظ و قرائت نیز می‌تواند در دو بخش عمومی و تخصصی برنامه‌ریزی و اجرا شود.

۷. آموزش مهارت تفکر در آموزش عمومی قرآن (به‌عنوان حلقه‌ی مفقوده، در ایجاد علاقه و انگیزه‌ی درونی مخاطبان) در اولویت قرار گیرد.

۸. آموزش مفاهیم (درک معنا) با آموزش قرائت در هم تنیده ارائه شود و ترجمه‌خوانی و استفاده از ترجمه‌های رایج در فهم قرآن، به‌عنوان مقدمه‌ای برای آموزش مفاهیم قرآن کریم (به شکل اصولی و روش‌مند)، مورد توجه قرار گیرد.

منطبق با رسم‌الخط و شیوه‌ی علامت‌گذاری کتاب‌های درسی تنظیم شده‌اند. در انتخاب آیات و احادیث، به رایج بودن، سادگی، کوتاهی و روانی عبارات و قابلیت طرح و گفت‌وگو در کلاس درس توجه کرده‌ام. در کنار انتخاب موضوعات متنوع، به عناوین نماز، انس روزانه با قرآن، علم‌آموزی، احترام به والدین و مسائل اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی تأکید شده است. به تدریجی بودن روش آموزش از ساده به مشکل و در قالب هفت سطح، با هدف آموزش مهارت فهم آیات و روایات، با بهره‌گیری از روش ترجمه و کشیدن خط زیر کلمات ساده و پرکاربرد، توجه داشته‌ام. نویسنده تذکر می‌دهد:

در انتخاب آیات و احادیث و ترجمه‌ی آن‌ها، توانایی مخاطبان در خواندن، فهم و تدبیر اولیه مهم است. لذا معلمان و اولیای محترم دانش‌آموزان در مقام آموزش، هم به (موضوع) پیام و حدیث و هم به ترجمه‌ی آن دقت کنند.

روش آموزش پیشنهادی نویسنده، روش حفظ اجمالی است که به کمک معلم ارائه می‌شود. این شیوه، از سریع‌ترین و آسان‌ترین روش‌های حفظ است.

مؤلف ویژگی‌های محتوایی و ظاهری کتاب را نیز مهم ارزیابی کرده و نوشته است:

با توجه به چهار رنگ بودن کتاب، روایات به شکل آموزشی و

همراهان ما

در این بخش آثار

مخاطبان گرامی را بررسی می‌کنیم و به‌طور مختصر به آن‌ها پاسخ می‌دهیم. به کارشناسان مجله حق بدهید که به دلیل حجم بالای آثار، فقط اسامی و موضوعات مقالات را معرفی کنند. این آثار از راه‌های گوناگون مانند ایمیل مجله، پست، مراجعه‌ی حضوری و نامبر یا دیگر راه‌ها به دفتر مجله رسیده‌اند. از اینکه با ما هستید، سپاس‌گزاریم.

تفکر انتقادی...».

قاین: «تجربه‌ی خدمتی ویژه».

خراسان رضوی

طوبی ناصری، دبستان بعثت، وکیل آباد: «از بین بردن استرس».
گلثوم دهقان اسدی، ناحیه‌ی یک مشهد: «چرا لباس کهنه».

حسن رحمتی، بجستان، دبستان عشایری شهدای سردق: «لبخند کلاسی».
ربابه رجایی‌راد، مربی پرورشی، سبزوار: «عزت‌نفس».
غلام غوث صادقی، دبستان ۱۲ فروردین، تربت جام: «پرخاشگری کودکان و نوجوانان».

فارس

اصغر کریمی، مرودشت: «تأثیر به‌کارگیری واژه‌های معیار با در نظر گرفتن مهارت‌های زبانی...».
مرضیه زینل‌زاده، دبستان عارف ۱ لارستان: «داستان آدم».

قزوین

روح‌الله آقاعلی‌خانی، بوین‌زهرا: «شش کلاه برای زندگی».

قم

زهرا ایزدی، دبستان سوده، قم: «یک روز به یاد ماندنی با بوی نان...»

مازندران

حسن نوری، ساری: «اختلالات

سارا کیانی‌منش، دبستان فرشته‌های آسمانی افجد، فلاورجان: «بیایم با خلاقیت ریاضی را یاد بدهیم».
مریم رحمتی، دبستان نسیم، ناحیه‌ی چهار، اصفهان: «طرح تشویق فردی و گروهی...».

زکیه سیبلی نجف‌آبادی، آموزگار پایه‌ی سوم، خمین‌شهر: «مهر سرخ».
صدیقه عربی ستوده آرانی، آموزگار، آران و بیدگل: «نخستین شهرها چگونه به‌وجود آمدند؟»

تهران

ربابه شریفی، آموزگار دبستان شاهد ۱۲ فروردین، منطقه‌ی ۱۵ تهران: «طرحی برای جنب‌وجوش در آوردن دانش‌آموزان ضعیف» و «بازی با جدول ضرب».
معصومه غیبی، آموزگار دبستان شاه حمزه سیدالشهدا، منطقه‌ی ۱۶ تهران: «یک روز بدون کیف، زنگ انشا در منزل معلم».

منصوره کریمی‌قهی، دبیر منطقه‌ی ۱۲ تهران: «راهکارهایی برای افزایش کیفیت و کارایی دفتر کلاسی...»

احمد صمدی، راهبر آموزش ابتدایی شهرستان‌های تهران: «لطفاً از آب گل‌آلود ماهی بگیرید».

خراسان جنوبی

جمشید اربابی، دبستان وحدت تیغاب،

آذربایجان شرقی

فائزه عابدی، مرکز اصلاحات یادگیری ناحیه‌ی دو، تبریز: «مانتوی سبز».
رقیه ساتری، دبستان انقلاب اسلامی، ایلخچی: «طراحی تکلیف درسی و روش‌های تدریس...».
فیروز عالی‌نژاد، منطقه‌ی کلپیر: «شرایط عاطفی و روانی و نقش آن در پیشرفت...».

اردبیل

علی‌اکبر عبدالله‌زاده حسنکلو، آموزگار، اردبیل: «نقش معلم در پرورش خلاقیت...».

اصفهان

محترم فرهادی، آموزگار ناحیه‌ی دو: «خاطره‌ی سال ۷۶».
فاطمه اسحقیان، خمین‌شهر: «چرا مدارس شاد نیستند؟».

کبری فتحی‌پور، رضا رئیس‌ی اردلی، فلاورجان: «راهکارهای ارتقا و ترویج



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش آموزی

به صورت ماهانه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش آموزان پیش دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش آموز برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش آموزی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

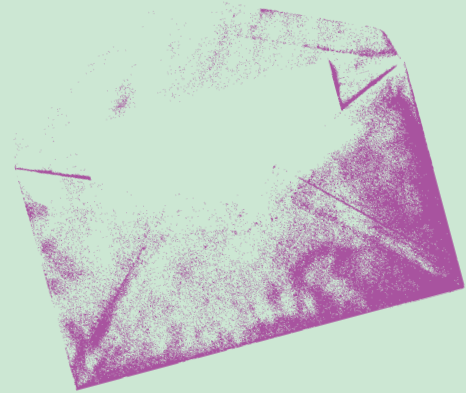
- ♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir



اضطراب و کودکان و نوجوانان...»

خدیجه و کیلی، دبستان شهدای فرهنگی ناحیه‌ی یک، ساری: «اصول کمک به دانش آموزان دبیرآموز» و «خاطره‌ی طرح کرامت».

پژمان بریمانی، دبستان شهید تقی محمودیان، ناحیه‌ی دو ساری: «بررسی ایجاد راهکارهای علاقه‌مندی‌سازی به مطالعه».

زینب‌السادات عمادی موسوی، دبستان شهید مجتبیایی، بهشهر: «تجربه‌ی نوشتن مشق شب».

رومیه بحری، دبستان قرآنی شهید نوروزی، بابلسر: «آموزش وضو با شعر».

مرکزی

زهرا علی‌اکبری، دبستان فاطمه‌زهرا (س)، تفرش: «چگونه می‌توانم دانش آموزانم را به کتاب‌خوانی علاقه‌مند سازم».

معصومه حیدری، دبستان دکتر حسابی، تفرش: «تحقیق در مورد خانواده‌ی سامان یافته و نابسامان...».

فاطمه رضاپور، دبیرستان فاطمه‌زهرا (س)، تفرش: «اقدام پژوهی... درباره‌ی بهداشت»

آثار دوستان همراه رسید:

محمدباقر فخرعلی، یوسف محمدی‌مهر، شهرستان سیمرغ: «در روش فعال تدریس، کلاس کلبه فکری‌ست...»

سیده شهره شعاری، روزنامه‌نگار: «پارک‌های فناوری» و «جامعه‌ی نقاد» و «اعتماد به نفس...»

پاسخ به فراخوان

اشاره

در مجله‌ی شماره‌ی هشت از

دوره‌ی هجدهم، فراخوان «هر چه می‌خواهد

دل تنگت بگو» را دیدید. فلسفه‌ی درج چنین

فراخوانی، علاوه بر یادآوری انتشار شماره‌ی ۱۵۰ مجله،

این است که بگوییم، به یاد توجه و لطف مخاطبان خود هستیم.

با تشکر از آن دسته از مخاطبان که به این صفحه پاسخ

داده‌اند، در ادامه بخشی از نامه‌ی محمد نیکویی، از چمستان

استان مازندران را می‌آوریم. او مدیر وبلاگ «تلاشگران ۱۱»

است. همان‌طور که قول داده بودیم، لوح تقدیری با امضای

مدیر کل محترم دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی،

به خاطر همکاری با دفتر مجله، به ایشان تقدیم

خواهد شد.

با عرض سلام و خدا قوت به دست‌اندرکاران مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی و ضمن تشکر بابت این فراخوان.

در پاسخ به سؤال اول، یعنی قدرت پاسخ‌گویی مجله به نیازهای مخاطبان، کارتان بسیار نیکوست و این از توجه به نیاز مخاطب از جانب گردانندگان آن مجله حکایت دارد. آموزش تنها به محیط مدرسه محدود نیست، بلکه امری ساری و جاری در تمام ابعاد زندگی است. این مجله نیز در ابعاد گوناگون مانند تجربه‌های سبز و محیط زیست به ارائه‌ی مطلب می‌پردازد.

در جمع همکاران مطالبی از مجله را به بحث گذاشته‌ایم، باید بگوییم، از جمله موارد مفیدی که بنده از آن استفاده کردم و در کلاس‌ها یا جمع همکارانی که به عنوان مدرس‌های درس پژوهی در خدمتشان بودم، استفاده از مطالب جامع در این قسمت بوده که سبب آشنایی بیشتر من و همکارانم از این فرایند شده است.

اما در مورد سؤال سوم، اکثر مطالب ارائه شده، به ویژه در بخش تجربه‌های سبز، بسیار مفید است، زیرا از دل کار و توسط همکاران بیرون می‌آید و کلیه‌ی اتفاقات واقعی را که ممکن است در محل کار به وقوع بپیوندد، شامل می‌شود. در بازدیدهایم از مدارس به عنوان سرگروه آموزشی، استفاده‌ی همکاران از محتوای این بخش را، مثلاً در آموزش املا‌ی پایه‌ی اول، ملاحظه کردم.

در ادامه عرض می‌کنم، جای خالی بخشی را که به صورت اختصاصی، مباحث مربوط به خانواده (به عنوان یکی از ذی‌نفعان در آموزش و پرورش) را مطرح کند، حس می‌کنم. از ویژه‌نامه‌ها پرسیده بودید، باید بگوییم، ویژه‌نامه‌ها در واقع به غنای واقعی مجلات می‌افزایند و نقش کامل‌کننده دارند.

پیشنهاد

با توجه به ورود فناوری‌های نوین، پیشنهاد می‌شود برای افزایش ارتباط مؤثر با خوانندگان، از نرم‌افزارهایی که امکان تولید محتوای مجله را در قالب اپلیکشین دارند استفاده یا به ایجاد گروه در شبکه‌های اجتماعی که امروزه فراگیر شده‌اند اقدام شود تا همگام با فناوری نوین، بر غنای مجله افزوده شود.



دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی

رشد برآید

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۱۹۲ ۷۷۳۳۳۳۰۰۰. لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

◆ عنوان مجلات در خواستی:

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

استان:

.....

خیابان:

.....

پلاک:

.....

شماره فیش بانکی:

.....

مبلغ پرداختی:

.....

◆ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

- ◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- ◆ تلفن امور مشترکین: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳ و ۷۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۶۶۵۶-۰۲۱

◆ هزینه اشتراک سالانه‌ی مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک سالانه‌ی مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال



آموزش ابتدایی و ضرورت های امروز



- ◀ افزایش برابری در دسترسی به آموزش
- ◀ ارائه‌ی آموزش با کیفیت
- ◀ آموزش شوق زندگی در مدارس شاد
- ◀ فراهم آوردن محیط امن برای یادگیری
- ◀ حفظ کرامت انسانی دانش آموزان و کارکنان
- ◀ توجه به نیازها و استعداد های خاص
- ◀ توسعه‌ی زمان آموزش و یادگیری
- ◀ افزایش سطح دسترسی مدارس و دانش آموزان به فناوری ها
- ◀ ارتقای مدیریت منابع (انسانی ، مادی ، مالی و زمان)
- ◀ توسعه‌ی توانمندی‌های حرفه‌ای عوامل انسانی
- ◀ افزایش بهره‌وری در مدارس
- ◀ کاهش وابستگی به منابع متمرکز در مدیریت
- ◀ مدیریت منابع برون سازمانی



معاونت آموزش ابتدایی
دفتر آموزش دبستانی